

گفت و گو با دکتر هادی خانیکی پژوهشگر و مدرس علوم ارتباطات

قدرت و نشر؛ تلاقی گفتمان‌ها

♦ قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات
در حقیقت حاصل زندگی فکری من در یک دوران بود



دکتر هادی خانیکی هشت سال قبل، پیش از آنکه شهروندان، نامی از جامعه مدنی شنیده باشند، پژوهشی را در این زمینه تهیه و تدارک کرد که در نوع خود از جمله پژوهش‌های منحصر به فرد و کاربردی در حوزه مطبوعات و تاریخ معاصر به شمار می‌رود.
کتاب وی که بسیار دور به بازار عرضه شد، بر پژوهشی عمیق و دستاوردی اصیل درباره علل و عوامل توسعه‌یافتگی مطبوعات ایران در طول پیش از یک قرن و نیم اخیر استوار است. به گفته دکتر کاظم مصدق‌زاد در میان ویژگی‌های برجسته این پژوهش، پیش از هر چیز گستردگی دامنه مطالعات نظری و میان رشته‌ای تکی این مطالعات جلب توجه می‌کنند. در این مطالعات مفاهیم کلی توسعه، توسعه‌یافته‌ها، منابع توسعه‌یافتگی، سیاسی و مطبوعات شامل تمرکز منابع قدرت و نظریات متعدد مربوط به آن، ضعف جامعه مدنی، فرهنگ سیاسی، رقابت‌سنجی نخبگان سیاسی، ناکارآمدی دستگاههای حل و فصل تضادهای و تعارض‌های اجتماعی، توسعه‌یافتگی مطبوعات و ساختار توسعه‌یافته مطبوعات و نقش آنها در توسعه، مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق، علاوه بر روش پژوهش کتابخانه‌ای درباره مبانی نظری که به ارائه حدود ۶۰۰ مورد ارجاع به منابع و مآخذ مختلف علمی فارسی زبان و انگلیسی زبان منتهی شده است، از دو روش پژوهشی تجزیه و تحلیل محتوایی و تجزیه و تحلیل گفتمانی درباره سرمقاله‌های روزنامه‌های گزیده شده از دو دوره انقلاب مشروطیت و حکومت و سلطنت رضاشاه، نیز استفاده شده است. کتاب وی این روزها از سوی انتشارات طرح نو به بازار عرضه شده است.



اینترنت؛ این هم حکایت ماست

یادداشت سید کاظم حافظیان رضوی

ضرب‌المثل شیرین شاید فارسی «از مول حلیم نوبی دیگ نیسی» این روزها مصداق برخی از ماست که تا امروز با کتاب و کتابخانه و کاربرد منابع و مآخذ در تحقیق و مطالعه - آن طوری که از یک پژوهشگر انتظار می‌رود - کاری نداشته‌ایم و امروز ناگهان چنان پریم «... اینترنت» را بر دوش می‌کنیم و بر روی میز خود از فقدان حضور آن می‌نالیم و در پی آن پشه همه زحمات کتابداران و اطلاع‌رسانان کتابخانه بمل دستمان را می‌زنیم که گویی اینترنت یعنی پایان و حرف آخر در اطلاع‌رسانی. برای اهل معنی چنین نیست.

ISSN: 1029-3345
شنبه ۶ خرداد ۱۳۸۱
۲۰ رجب ۱۴۳۳
۲۸ سپتامبر ۲۰۰۲
شماره ۸۲، پیاپی ۳۶۹
شمارگان ۷۰۰۰
صفحه ۳۲، ۱۰۰ تومان

اگر کودکان قصه‌ها را ندانند صفحات شناسنامه‌شان سفید است

کتابی با بهروز غریب‌پور - برنده دیپلم افتخار IBBY ۱۵



مقاله هفته

برای کودکان می‌نویسید؟

۱۵



کوت و گو راضیه تجار: همه ما نویسنده ایم

♦ باید از طوفانی که بر این مردم رفت بنویسیم.
مهم‌ترین چیز همین است که ایجاد انگیزه کنیم

۱۷



دوربین

امنیت برای تولید آثار تألیفی

♦ ملاحظاتی طرح
راه‌نمای ثبت آثار تألیفی

۲۱

گفت و گو با سید غلامرضا موسوی، مدیر انتشارات آگه سازان

باید بستر فرهنگ کتابخوانی فراهم شود

۱۶



کتاب هفته را جمعه‌ها قبل از انتشار بخوانید

[http:// WWW.ketabehafteh . com](http://WWW.ketabehafteh.com)

با امکان جستجو و آرشیو مطالب دوره جدید کتاب هفته

پدیدآوردگان؛ روایت اول شخص

گفت و گو‌های کتاب هفته با مریم بیات، رضا جلالی
عبدالله کوثری، جمشید کیان‌فر، عبدالرضا هوشنگ مهدوی
قاسم کشکولی، قاسم رویین و حسین ابوترابیان

۲۴

بارتاب

حقوق شیروندی



در ماهش نامه حقیر که از زیر جمع‌ه‌های آن روزنامه محسوب می‌شود، از خود نشان می‌داید. این هم از فریاد و کارکردهای مطبوعات است که مجرای است برای برودت نظر ها و ادوخواهی‌ها و پالایش واکنش‌های خواسته و ناخواسته مسؤولان و کارگران نظام، شما نیز حداقل در این واکنش، نسلی بخش نویسنده‌گانی شده‌اید که در این اثر جدید، معرفی شده است اما لب به

اعراضی نیز نگفتن‌شده‌اند.
آثاره به حقوق شیروندی کرده‌اید و بدین وسیله با قرار دادن بنده در برابر شهروندان محترمه ضمن تشکرگشایی بنده از این شهروندی محروم کرده‌اید، اما توجه شما را به چند نکته اساسی جلب می‌کنم:

اول توجه به حقوق تمام‌عیار شهروندی اعم از فردی و اجتماعی در ستر معرفی‌شده نظری خاصی صورت می‌گیرد که قانون اساسی ارزشمند و جامع جمهوری اسلامی در ستر چنین مبانی شکل گرفته است. عواد ناخواه ارزش کتاب‌هایی که تبیین‌کننده و تقویت‌کننده این مبانی هستند، از کتاب‌هایی که صرفاً مشمول حقوق شهروندی‌اند به لحاظ نظری پیشتر است. چون اگر این مبانی نظری و معنوی و طمأنه خواست مردمی نبوده، نه انقلاب اسلامی شکل گرفته بود، نه قانون اساسی تدوین شده بود و نه امروز از حقوق شهروندی و آزادی‌های این چنینی مردم سود می‌جویم. حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی حتی شامل کسانی نیز می‌شود که کتاب‌هایشان نه تنها در راستای این مبانی نظری و حتی هویت فرهنگی و تاریخی نیست که بعضاً این مبانی را به چالش نیز می‌کشد. اشکالی هم ندارد، این تفریق بالای نظام را می‌تواند و حتی هم چنین است، اما سؤال اساسی اینجاست که اولاً اهمیت کدام هسته از کتاب‌ها بیشتر است؟ ستمگانی است که بی‌دانه از نظر مافوقی بین کتاب‌های چاپ شده نیست. حرجی نیست، اما آیا با این‌ها به معنای کتاب‌های سنده دوم و بررگمبایی آنان باید به معنای ناپدیده‌ها نگاهش کتاب‌های سنده اول و عدم معرفی این کتاب‌ها ولو در حد یک سطر به بهانه‌های مختلف و علی‌رغم ارساد دو سرور کتاب توسط ناشر در مقطع مختلف باشد؟

بعهد می‌دانم که شما حتی در درج کتاب‌های سنده دوم و بزوی طرفی اقبال کرده‌اید و همه شهروندان در کل از فرصت یکسانی جهت معرفی آثارشان در کتاب هفته بهره‌مند نباشند. خویشخت ناشران و نویسندگان که آثارشان قبل از چاپ معرفی یا مستقیم از چاپخانه به حوزم معرفی‌کتاب هفته ارسال می‌شود و خویشخت‌تر کسانی که مشمول فضاچه شما بون داشتن اثری واقع می‌شوند.

در پایان اشاره شما منی بر معرفی کتاب‌هایی که با اقبال عمومی روبه‌رو شده‌اند با مصادر جوابیه شما منی بر معرفی تمام کتاب‌هایی که مجوز چاپ گرفته‌اند متفاوت دارد. به علاوه، ضمن آنکه تنبیه‌اتر تبلیغ و معرفی را در اقبال عمومی ندیده گرفته‌اید. به این نکته نیز توجه داشت که اقبال عمومی الزماً محک کافی برای داوری نیست. بعد می‌دانم شما تفاوت بین کتاب‌های علمی و دانشگاهی را با سایر کتاب‌ها متوجه نباشید. داوری در می‌طرفی شما نسبت به معرفی آثار مختلف را به ناشران و نویسندگان مختلف وامی‌نهم.

با شکر، عماد افروغ
۸۷/۳۷

اندر حکایت وام اهل قلم

تویک به دو سال است که معلومت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای تکريم اهل قلم و حمایت از مؤلفان و مترجمان کتاب‌هایی بر چند گویچک پرداخته که ششینه‌فلمی است. در همین راستا طرح وام اهل قلم به اجرا گذاشته شد که بخش انعام و بخش در حال انجام است. مجاری وام اهل قلم در ادامه با امام‌ها، و «اگره‌های» مواجه شد که فعلاً از ذکر جزئیات آن درمی‌گذرم.

پس از دو سال از سپری شدن زمان ثبت نام و در صورت قرار گرفتن پس از شش ماه از معرفی اهل قلم به بانک می‌گذرد، سرانجام نوبت به تکمیل پرونده رسید که اهل قلم با مثال و کلاه جمل بانک مربوط حساب می‌کنند، با مبلغ یک و نیم الی ۱۵۰ میلیون تومان وام مورد نظر در دریافت‌کنند. مشکلاتی که در این راه بر سر راه اهل قلم قرار می‌گیرد و شرط و شروطی که بانک عامل برای اهدای وام جلوی‌های متقاضی می‌گذارد، بسیار تحقیرآمیز است. اولین شرط این است که متقاضی وام باید از محل کار، گواهی اشتغال به کار با حقوق بالاتر از ۱۵۰ هزار تومان به بانک تحویل دهد. دوم اینکه مؤسسه محل کار متقاضی باید متعهد شود اگر به هر دلیل اقساط وام پرداخت نشده، از حقوق وام گرفته‌شده و یا موقع سوبیه حساب برانبار، را به بانک اطلاع دهد. حال اگر اهل قلم بمانند نیز و در مدت به پژوهش و ترجمه در خانه‌اش می‌زند تکلیفی چه می‌شود؟ در مرحله بعدی متقاضی باید فتوایی سند منزل، را با اجازه نامه خانه را بیارد که تأیید شده است. محمل سگرتش در تهران باشد، چهارم اینکه متقاضی وام باید سفته‌ای حدود دو میلیون تومان امضا کند و یک ضامن هم از اهل قلم معرفی کند تا تعهدات را اضا کند. علاوه بر این متقاضی وام باید یک ضامن دیگر نیز به بانک معرفی کند (ملاک بانک ناشر باشد)، که در مجموع، می‌شود چهار (سفته، ضامن، مؤسسه محل کار متقاضی و ضامن حقوقی).

توجه این محکوم‌کاری ریس شبعه می‌گوید: بعضی از دوستان شا که سال گذشته وام گرفته‌اند، اقساط خود را پرداخته‌اند، پس در این مورد دستور داده‌اند. سخت‌گیری کنیم، تقصیر ملائصر اللین و فرار گویاله و به چوب بستن گویاله در بند که می‌دانید. در حالی که سینماگران، ناشران و دیگر افسار فرهنگی اهل‌های ملیونی با شرایط سهل و ساده می‌گیرند، می‌شوند.

برگ اشتراک کتاب هفته

این همه تحقیر و تحقیف کردن اهل قلم چگونه قابل توجیه است؟ باید این حرکت فرهنگی را ضایع کنید. به اهل قلم محرت نگذارید و به حلقهٔ ۱۵۰ میلیون تومان وام (نه بلاعوض) به تحقیر فرهنگ‌سازان نپردازید. اینها اصولی فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم اند کار را به جایی نگشایید که فریاد برآوریم.

از غلابودن پیشینام گشته‌ام مرحمت فرموده‌ما را من کنید.

یک اهل قلم

یک اهل قلم

تأییدی بر «راه حل جامع»

به نظر می‌رسد بدیج صورت مسألهٔ معضل کتاب از وجود ناشرانی مطّاع، «می‌فرهنگ، «بازاری»...» و به وجود توزیع‌کنندگان ایضاً با اهمیت، فوق‌بلکه بدتر؛ در حال تغییر است. چرا که آنها تمام کتاب‌ها به ناشران بحداله خود به جرگه ناشران پیوسته‌اند. نویسندگان که حتی توانستند مردم را به خاطر خریدن آثارشان تشبیه کنند، سال‌ها ناشران را به انواع اتهامات واخوانند و ترجیح بند معروف ایتراژ کتاب بسیار بیشتر از آن چیزی است که در شناسنامه کتاب آمده است، از تکرار کردند و بر واقعیت سربوش نهاند تا این‌که نشئی روانی بچینند.

طی این سال‌ها البته نویسندگان برجسته این مرز و بوم را تشدیدیم که هیچ‌گاه با آن حضرات هم‌اواز گردند. تشدیدیم که دولت‌آبادی، شاملو، گلشیری، مشربی، زین کوبه، خورشیدی، قاسمی... و لب به می‌کنند، از ناشران خود بگشایند. و البته هیچ‌یک از آنان نیز کار خلاقه خود را رها نکردند تا ده‌ای بگشایند و به کسب و کار نشر بپردازند و حال که به دلیل بیکاری فراخ‌التحصیلان و به مدد پارانه و وام و... چندین هزار نفر حواز نشر گرفته‌اند و گروه‌های گفتری از نویسندگان محترم نیز به جرگه ناشران پیوسته‌اند، البته دیگر بهتر است از مهم کردن ناشران به ناتوانی و غیره، چشم‌پوشیم و توزیع‌کنندگان را مهم بشانیم. ناشران بزرگ فرهنگ‌ساز، حرفه‌ای و معال کشور، از جمله انتشارات علمی، نیلوفر، نر، مرکز، چشمه، البرز، ققنوس و... در این مجرم شرکت کنند و دم از وجود مافیای توزیع بزنند و یا همکاران خود را به انواع نهمت‌ها بیاورند.

ورود افرادی با بضاعت اندک هم به لحاظ سرمایه و هم به لحاظ دانش حرفه‌ای یکی از معضلات جدی و جدیدی است که گریبان صنعت تحقیر نشر را گرفته است. (اسلام‌نگار ما در این کشور صنعت غیرتخصصی‌هم داریم که حالا نشر نجیف نباشد؟) حضرات پارانه‌های دولتی را که از جیب نهی این ملت پرداخت می‌شود حیف می‌سازند، نه تقاضایی و موجی ایجاد می‌کنند و نه به تقاضایی پاسخ می‌دهند و نه تباژی را برطرف می‌سازند و در پایان هم از همه طلبکارند

و گویا انتظار دارند ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم بدهند تا کتاب‌های مستند و آفتاب به فروش برسد و ناشران و توزیع‌کنندگان حرفه‌ای کتاب نیز مانند دولت محترم به آنان بارانه پرداخت نمایند و پول کتاب‌های فروش‌نور را بپردازند و بلکه دانست به سینه و مطیع امر حضرات نیز باشند و برای کالاهای تولیدی ایشان در صدا و سیما تبلیغ نمایند!

البته آنچه در مقاله نویسنده محترم جدأ مورد تأمل و تأیید است همان بند پایانی مقاله است که واقعاً بهتر است آثانی که نمی‌توانند، این کار را رها کنند. حتماً به نفع نشان است و مطمئناً به نفع مردم هم هست. حتی کجا و چه کسانی ایشان را متراش فرهنگ کرده‌اند و به سزاوالت تولید کتاب برگزیده‌اند؟ چه اجباری در کار هست، یعنی «محقن به فرهنگ این قدر نیرومند است که...؟»

دیگر اینکه نمی‌دانم چه روحیه‌ای است که برخی از ناشران خود را نایف جدا یافته می‌بدانند، و در فرصتی به دارندگان سایر مشاغل معنه می‌زنند، فرزندگان لوازم خانگی، آهن آلات، سنگ و... را تحقیر می‌شاید، طوری که گویا باید از ابتدا و از بدو تولد ناشر بود تا ناآچور شده.

دیگر اینست که ناشران هم گنم که اثرشان حرفه‌ای یا می‌گویند مشکلات حرفه خود را، خود حل کنند و چشم‌پاری از دیگران ندانند و یکسر و مداوم در پی کار و کسب خوینند و البته مردم از نتیجه کار آنها سود می‌برند و امیدوارم آنان نیز بدم‌فرد نشو و شر و شکر قنار شوند.

با احترام
یحیی ساسانی-مدیر بافبرشی لبنا

شاد

دکتر هنرمندی درپیش‌لاش آز‌مید

دکتر حسن هنرمندی اید ایرانی در سن هفتاد و دو سالگی در شهر پارس به مرگ تن داد.

این شایع مترجم و نویسنده ایرانی را با ترجمه شیوا ماندگار ماند.‌های میزبان آلدن‌وید نتخیم و در طول کتاب‌های طولانی فعالیت او با آثار آزاده‌ای از ایشان رویو بود.

این استاد میزبان‌الاص‌ل با معلمی پیشه خود را آغاز کرد و علاوه بر فعالیت‌های ادبی به ادامه تحصیل در اروپا مشغول شد. او بعد از کسب مدرک دکتری به ایران آمد و به فعالیت به خود در برهه‌ها و ادبیات پرداخت. وی در زمینهٔ مکتب‌پس و سوررئالیسم و فرسح مکتب‌های ادبی و ادبیات تعلیمی اروپا-خصوصاً روسه -صاحب‌نظر بود و آثاری در این زمینه منتشر کرد. پیگری این استاد گرامر به در گورستان تاریخی پرلاش شهر پاریس، همچوار با صادق هدایت مدفون شد.

فراخوان

مرکز برگزاری هنرهای قرآنی در دهمین دوره نمایشگاه قرآن کریم در ماه مبارک رمضان و همزمان با سال عزت و افتخار حسین بن علی (ع) از هنرمندان سراسر کشور در رشته‌های مختلف دعوت به همکاری می‌نماید.

خط و خوشنویسی
نقاشی و رسک‌های مختلف
آثار حجمی
هنرهای سنتی در رشته‌های گوناگون
جلدسازی و صحنای
زمان دریافت اثر: حداکثر تا پایان روز پانجم آبان ماه ۱۳۸۱.
همه روزه از ساعت ۸ صبح تا ۱۶
نشانی: خیابان انقلاب، خیابان خازک، خیابان شهید هاشمی قریبلاک ۲۰
تلفن: ۰۲۱۷۱۹۰۶۷۲۱۷۹
۰۲۱۷۱۹۰۶۷۲۱۷۹

روابط عمومی
دهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم



شماره ۸۲، شنبه ۶ مهر ۱۳۸۱

کتاب

درباره نشر کتاب و حق مؤلف

درباره نشر کتاب و حق مؤلف، زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، ۲۳۸ ش. صفحه ۲۵۶

این کتاب مجموعه

دیگری است از مقالاتی که در یک موضوع خاص در نشر نوشته به چاپ رسیده است. موضوع مقالات مجلد حاضر، به طور کلی، نشر علم می‌گردد یا باید نقل بگردد. در بخش اول که عنوان نشر کتاب و اراد ان مقالات را آورده‌اند در جست‌وجوی فرارود مسائلمه برای مؤلفان و مترجمان، آزادی و هرج و مرج در نشر کتاب، چاپ لغت و نشر کتاب، کتاب‌سازی و پخته‌خوانی از چهار راه کتاب، کتاب‌های چسبناش، آینده‌نگری در صنعت نشر کتاب، کتاب‌سازی و پخته‌خوانی. در بخش دوم با عنوان «حق مؤلف» می‌توان تکثیر و ناشران، حقوق معنوی ناشر، دعاوی سر حق مؤلف، فتوایی کردن کتاب‌ها و قانون، مسأله حقوق مؤلفان و ناشران، حقوق معنوی ناشر، دعاوی سر حق مؤلف، مکرر، رقابت در ترجمه‌های مکرر، پیوستن یا نبودن به پیمان حفظ حقوق مؤلف، کپی انقوزه است، پیوستن یا نبودن به پیمان حق مؤلف و اطلاعات تازه درباره پیمان حق مؤلف را خواند. دیویست نینفان بخش کتاب است. کپی‌رایت و تجربه‌های مرکز نشر دانشگاهی، میناق برن.

مجموعه مقالات نسخه‌شناسی

مجموعه مقالات نسخه‌شناسی معرفی آثار (مجموعه مقالات) **محمد وفادار مرادی**، تهران - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱-۲۳۶ صفحه.



کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است در موضوع نسخه‌شناسی و فهرست‌نویسی موزن کتیبه‌های نگارخانه ملی. در باب شیوه‌های فهرست‌نویسی و نسخه‌بندی موضوعی در آثار فهرست‌نویس‌های پیشین، مجموعه کتیبه‌های از کتاب‌های خطی نسخ یکخانه‌های آستان قدس رضوی و یکخانه خطی معانی نیز معرفی شده‌اند. فصلی از کتاب نیز به سلسله‌های فرهنگ و تاج‌هم فرهنگ اختصاص یافته است.

همچنین، کتاب‌شناسی نسخ خطی مؤلفات فارابی و یک مرقع نفیس از مجموعه خطی یکخانه آستان قدس رضوی معرفی شده‌اند و در پایان، این کتابت در نسخه‌های خطی قرن‌های هفتم تا نهم هجری قمری در این یکخانه شرح شده است.

جبارکوشه ایران

حسین منزوی

از بیمارستان مرخص شد

حسین منزوی، غرضی‌های معاصر که در چند روز پیش در یکی از بیمارستان‌های زنجان بستری شده بود، به منزل بازگشت. حسین منزوی، مورخانول معروف ۱۳۵۵تکلیف استاز آقا کاظم آملی چون: جبارکوشه، غزل مسعودی، ما مشق در حیاتی جامعه از شوکان و شکر نریم و بقره و به حسن سادگی ما مشق تاب می‌آورد با سادش از آتش، این ترک پارسی‌گری (بررسی شعر شهباز و خدیو با ترجمه منظومه شهبازی به شعر فارسی نیما) منتشر شده است.

قزوینی‌ها بالاترین سرانه زمانی مطالعه کتاب را دارند

سرانه مدت زمان مطالعه کتاب برای کل جمعیت ۹۷ دقیقه، بیشترین روز مطالعه کتابی اعلام تاج فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد میزان مصرف کتاب‌های فرهنگی، قزوین با ۹۷ درصد بالاترین و اردبیل با ۳۶ درصد پایین‌ترین سرانه زمانی مطالعه کتاب را دارا هستند.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اعلام آمادگی همکاری‌های گسترده بین‌المللی هنرمندان و تصویرگران ایرانی با هم‌نایشان خارجی عود، گفت: تصویرگری کتاب‌های کودک در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی حلقه ارتباط ایران با جهان روبه پیشرفت است. اعلی اسفندرضائیان، معاون فرهنگی وزیر ارشاد و در مراسم افتتاحیه نمایشگاه آثار برگزیده نوما ۲۰۰۰ و برنجسکو و تصویرگران ایرانی و ژاپنی سخن می‌گفت، و شرح کرد: تصویرگری کتاب کودک، رسانه‌ای است که طراح فضای زندگی از منظر کودکان است و هر نقاشی این تصویرسازی با درک کودکان از جهان واقعیت، زندگی‌تر باشد، ورود کودکان به دنیای واقعیت با آرامش و امنیت بیشتری صورت می‌گیرد.

رضائیان با اشاره به نقش مهم تصویرگری کتاب‌های کودک در ارتباط و پیوند دو جاییه فرهنگ ایران با جهان، تأکید کرد: فرهنگی که نتواند تصویری مطابق با روح لطیف و نگاه ویژه کودکان به جهان در اختیار آنان قرار دهد، نخواهد توانست از سلامت روانی کودکان خود پاسداری کند.

وی ادامه داد: نگاه دست‌اندرکاران کتاب کودک در ایران به رسانه تصویرگری کتاب کودک چنین نگاهی است و منشا این امر را باید در سابقه کهن تصویرگری افسانه‌ها و قصه‌های کودکان در این کشور

جست‌وجو کرد. رضائیان تصویرگری برای کودکان را به لحاظ هنری نیز واحد اهمیت فراوان دانست و توضیح داد: در واقع تصویرگری، کودکان را از عینی‌سازی دنیای ذهنی خودیاری می‌دهد و از طریق این عینیت بخشی، جهانی ویژه خلق می‌شود، جهانی که در دنیای چند فرهنگی ما امکان شناخت و ارتباط میان فرهنگی را فراهم می‌سازد. نیاند تصویرسازی ساخته شده برای کودکان امکانی برای شناخت متقابل جهان‌ان از فرهنگ‌های یکدیگر است. وی خاطرنشان کرد: شایسته است که تصویرگری کودکان در زمره مساعی مورد توجه دست‌اندرکاران همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی قرار گیرد و گسترش این همکاری با مسؤران و تصویرگران هنرمندان نیز آغاز شود. فراموش نکند که آینده فرهنگی آینده مشترک همه ماست.

مهندس محسن چینی ووشان مدیر عامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز در این مراسم بر ضرورت گسترش همکاری‌های وسیع هنرمندان و تصویرگران کتاب‌های کودک با منتصمان و هنرمندان جهان تأکید کرد و گفت: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با قدرتی و استقبال از توجه سازمان جهانی

یونسکو و مرکز آسیا و اقیانوسه این سازمان دربرگرفته نمایشگاه آثار برگزیده تصویرگری‌های کتاب کودکان نوما ۲۰۰۰ در ایران، برای تعیین روابط و همکاری‌های بین‌المللی آمادگی دارد. وی با اشاره به استقبال دانشمندان، منتقدان، نویسندگان و هنرمندان جهان از طرح ریس جمهوری ایران می‌ی بر گفت: نگری تمدن‌ها گفت: این توجه نشان‌دهنده عطش جهان درگیر خشونت به صلح گسترش‌گر و آرامش است و یادوجه جوانان چون اسپاسر، جنگ افتخارستان و نشن در عراق، متوجه می‌شویم که پرگوازی نمایشگاه‌هایی از تصویرگری‌های کتاب‌های کودکان و نوجوانان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، چراکه عرصه این



هنرمندی‌ها حکایت از تعامل فرهنگ‌ها دارد.

چینی فرشان، هنر تصویرگری و نقاشی را وسیله و رسانه‌ای برای برقراری ارتباط دو جاییه دانست و افزود: به نظر می‌رسد اصل گفت‌وگویی تمدن‌ها بر عهده تصویرگران هنرمندان و نویسندگان است و تولیدات و آثار هنری موجود، نظام، صلح و گفت‌وگو و آرای جامعه بشری به ارمان می‌آورد.

وی به نقش و وظیفه ملی و بین‌المللی تصویرگران و هنرمندان کودک و نوجوانان اشاره کرد و گفت: این هنرمندان در عرصه ملی موفق شده‌اند هر را در زندگی مردم وارد کرده و بخشی از اجزای زندگی کنند. این نکته همواره مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است. در بخش و نقایب بین‌المللی، تصویرگران و خالقان آثار هنری ویژه برای کودکان و نوجوانان باید در یک فرایند جهانی مسائل و دغدغه‌های مشترک جامع بشری را مطرح کنند. اکنون هنرمندان توانسته‌اند در هر کجای این جهان پنهان که هستند، با مخاطبان آگاه خود ارتباط برقرار کنند و نکته‌های مورد نیاز جامعه بشری را به تصویر بکشند.

در مراسم افتتاحیه نمایشگاه آثار برگزیده نوما ۲۰۰۰ همچنین آقای ایاسونو دومون، مدیر بخش نشریه‌های انتشارات «کوران شاه ژاپن و از برگزار کنندگان مسابقات تصویرگری نوما، گفت: آثار

رمضانپور در مراسم آغاز نمایشگاه نوما ۲۰۰۰ در تهران

آمادگی وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی را برای گسترش همکاری‌های بین‌المللی تصویرگری کتاب کودک ایران اعلام کرد

تصویرگران برگزیده ایرانی در چند مسابقه نوما، خیره‌کننده بوده‌است و هر سال تعداد آثار ارشالی از تصویرگران کتاب‌های کودک سرزمین پایتانی ایران افزایش می‌یابد؛ این نقطه قوتی محسوب می‌شود. وی با تصریح اینکه قرن بیستم عصر جنگ‌ها و ستیزهای بسیار در جهان بود، است، افزود: کتاب‌های معاصر هنرمندان ایران مانند مستر چپانی است و در این زمان مشترک می‌توان به شناخت فرهنگ‌های عمیق دست یافت و آن را به دیگر نقاط جهان کرد. روز جوان‌دگی و یادگیری کشورها، درک متقابل یکدیگر است و حفظ این ویژگی‌ها ضروری است.

عضو هیأت داوران مسابقات تصویرگری نوما همچنین انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان در ایران را قابل توجه و قدرتی دانست و تأکید کرد: در ایران پیشرو و درک متقابل فرهنگ ملی و آشنایی کودکان جهان با ضرورت‌های زندگی مشترک در سایه صلح و آرامش، باید بیشتر تلاش کرد.

ادومو، همچنین ابراز امیدواری کرد که در طول برنامه نمایشگاه آثار برگزیده نوما ۲۰۰۰ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تعداد زیادی از کودکان ایرانی از آثار ارائه شده دیدن کنند و یادبندیه فو و تخیل تصویرگران کتاب‌های کودک دیگر کشورهای جهان آشنا شوند.

ایشی موری سوزوکی مدیر برنامه‌های فرهنگ مرکز آسیا و اقیانوسه یونسکو (ACU) در این مراسم به پیروزی و موفقیت‌های کشت نقر از تصویرگران کتاب‌های کودک ایران در مسابقات نوما اشاره کرد و گفت: برای هیأت داوران مسابقه مبرم و رعایت و حفظ یکبک‌های خلق اثر چند نفر از هنرمندان ایرانی قابل توجه بوده است و این نکته‌ای است که کمتر می‌توان در بررسی آثار دیگر تصویرگران مشاهده کرد. وی برگوازی نمایشگاه آثار برگزیده نوما ۲۰۰۰ در تهران را یک فرصت مناسب برای افزایش حجم تعاملات و تبادلات فرهنگی دانست و گفت: این امر برای کشورهای پایتانی ایران یک نگاه و پشگروه فرهنگی خوبی است.

نمایشگاه آثار برگزیده تصویرگری‌های نوما ۲۰۰۰ که برای اولین بار از دوم مه‌ماه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شده، تا شازدهم مهر پیراست و هنرمندان شرکت‌کنندگان کشور ایران در طول روزهای برگزاری در نشست‌های تخصصی مختلف به بحث و تبادل نظر تصویرگران کتاب‌های کودک کشور مان می‌پردازند.

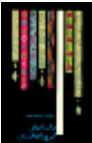
فهرست خرید کتاب، منتشر شد

مصبوه جلده ۱۳۸ هیأت انتخاب و خرید کتاب اعلام شد. عنوان کتاب، نام ناشر، موضوع و تعداد نسخه‌های خریداری شده به شرح زیر است:
مرح ۲۰۰۰ کارنامه کتاب‌های اسلامی جهان در سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۱، دوره ۳ جلدی، پارسا، کتابیات، ۲۵۰، مرجع ۷۹ دوره ۳ جلدی، پارسا، کتابیات، ۲۵۰، پروبار، شیراز، فلسفه و روش‌شناسی، ۵۰۰، روان‌شناسی، شیراز، فلسفه و روش‌شناسی، ۵۰۰، قیسمت، شیراز، فلسفه و روش‌شناسی، ۵۰۰، بررسی تأثیر روایات شیخ ابی‌بلغه، مدحت، دین، ۷۰۰، راه‌های سعادت و خوشبختی، مهدی‌پار، دین، ۵۰۰، اربعین حدیث، مدآ، دین، ۵۰۰، خودی و غیرخودی، پیام آزادی، علوم انسانی، ۵۰۰، آزادی زنان، گل آذین، علوم انسانی، ۷۰۰، انقلاب اسلامی و نهفت‌های ملی مذهبی، جنگاد، تاریخ و جغرافیا، ۵۰۰، زیچ ملک، کاتب، تاریخ و جغرافیا، ۳۰۰، نسل سوم، مرکز، تاریخ و جغرافیا، ۳۰۰، مفاهیم بنیادی علوم طبیعی ۲، محراب قلم، علوم خاص، ۷۰۰، حرکت‌شناسی مفاهیم بنیادی علوم فیزیک ۲، محراب قلم، علوم خاص، ۷۰۰، حرکت‌شناسی مفاهیم بنیادی علوم فیزیک ۳، محراب قلم، علوم خاص، ۷۰۰، معالقه‌های ریاضی، محراب قلم، علوم خاص، ۵۰۰، زئین دوره، دادار، ادبیات، ۵۰۰، عرض تکرده بوم می، روزگار، ادبیات، ۵۰۰، دخمه افروزان، سرو، ادبیات، ۷۰۰، کتاب کوجه حرف ج، مزار، ادبیات، ۳۰۰، علم فن خاک، محقق، ادبیات، ۳۰۰، افسانه‌های جنوب پوهنر، مبد، ادبیات، ۱۰۰، یک زن، زین‌تولور، ادبیات، ۵۰۰، تخریه و تحلیل نقابلی، آیین، فکرد و نوجوان، ۵۰۰، قاره قطب جنوب، ایرون، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، استرالیا، ایرون، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، زندگی می‌کنند ما می‌ها، اسپید، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، موش موشی نقاش پاشی، توکا، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، قصه فرهنگش جنگلی، توکا، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، ماه مرمه رنگارنگیم کشیم، توکا، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، برانه‌های آشنایی، توکا، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، فن فن در سرزمین طلای سیاه، زین، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، نزن و شوکتور، زین، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، فن فن و دریاچه کوسه‌ما، زین، فکرد و نوجوان، ۱۰۰، گل آبی، زین، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، قارزاک، عیله، هاله، حسا، نشر، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، قارزاک و مسیله با آقا قیزدول، عیسل نشر، فکرد و نوجوان، ۱۰۰، قارزاک، دو باغ و طغی، نشر، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، مجرزه و رنگین کمان، عیسل نشر، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، جنگل سحرآمیز، عیسل نشر، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، سیتولا، عیسل نشر، فکرد و نوجوان، ۱۰۰۰، کارگاه انشا برای اول راهنمایی، فدایی، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، کارگاه انشا برای دوم راهنمایی، فدایی، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، کارگاه انشا برای سوم راهنمایی، فدایی، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، کارگاه انشا - آموزش انشا، فدایی، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، کارگاه انشا - آموزش انشا، فدایی، فکرد و نوجوان، ۷۰۰، فرهای موسیقی، ندایی، نو هنر، ۵۰، به رنگ یاد به طعم سینه، نقش و نگار، هنر، ۵۰

محمد ابراهیم حاجر

گفت و گو با محمود خوافی

تنها بدون چهار دیوار



محمود خوافی متولد ۱۰ خرداد ۱۳۳۱ در شهر مشهد است. او هم‌اکنون ساکن همین شهر است. اما دوری‌اش از مرکز نه به اندازه‌اش گذشته و نه دور از چشم اهل این حرفه نگهش داشته است.

خوافی پیش از انقلاب فعالیت‌های فرهنگی‌اش را با مطبوعات محلی آغاز می‌کند. نشریاتی چون «روزنامه خراسان»، «انقلاب شرقی» و… بعد از انقلاب ۵۷ جنگ «پیاووده» را سردبیری می‌کند. در سال‌های ۶۸-۶۹ جنگ

حیات تحریریه مجله خوارزم بوده است. روزی تاکنون

آثاری چون «مضمر دشمنی»، «شبه گذشته من»، «

«روزهای خاکسپوری»، «مجموعه‌های اشتراکی چون «دیوچه»، «به همراه محمود دولت‌آبادی و «خوابگرده را با هوشنگ گلشیری رو به چشم اهل قلم گذشته است.

شما در مجموعه «خوابگرده آثاری را کنار هم نشانده‌ید که حاصل دو یا سه نسل از داستان‌مآصر فارسی است. یعنی کنار هم نشستن آثار کسان‌ی چون گلشیری یا قاضی ریحاری یا صدوری یا سردوزما می‌از غاوت‌ی آنها با حرکت نسل معاصر بگذرید.

من بعد از انقلاب رشد چشمگیری را در عرصه ادبیات داستانی می‌بینم. همانگونه که انشاء کرید کشتی‌های چون ریحاری، علی فدایی و بسیاری دیگر هستند که با ذوق و تکنیکی تازه، رویکردی دیگر گزین به آثار پیشین داشته‌اند. تقریباً می‌توان گفت این فرم و تکنیک با ناهنجاری برده‌اند. تأثیر این نسل حتی بر نسل‌هایی که بعد از آنها یعنی در نیمه دوم دهه هفتاد، شروع به شکل‌گیری کرده نیز مشهود است. البته بسیاری از نویسندگان ممتاز این نسل رخت سفر بر بستند و اغلب ساکن خارج از ایران شدند.

کتاب در استان‌ها

محمد ابراهیم حاجر

جهش‌های چشمگیر

یوسف حاج‌حسینی قریب سه سال است مسوولیت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه را عهده‌دار است. او مقوله کتاب و کتابخوانی، از فراتر ضروری در کتابخانه‌ها گرفته تا برپایی نمایشگاه‌های درون استانی و داخل شهری را عرصه‌ی مهم در استحکام فرهنگ ملی - مذهبی ما می‌داند. شاه‌حسینی که روند‌شن در محدوده زیر نظرش را رو به بهبود می‌بیند، مواردی را برای تکمیل این طرح‌ها پیشنهاد می‌کند. مثلاً اینکه، می‌بایست امور اجرایی و موارد فنی را به بخش غیر دولتی واگذار کنیم و به این عرصه شتاب دهیم.
قرارداد نه‌نی تولید پاسکوی همد و طراحی‌اش، البته وظیفه مهم ما به عنوان مسوولان امر نظارت، حمایت و در ضمن سیاست‌گذاری این نهادهاست.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه، سومین دوره برگزاری نمایشگاه کتاب در مرادماه سال جاری را یکی از جهش‌های قابل ملاحظه در زمینه پخش و مخاطب‌یابی کتاب می‌داند. شاه‌حسینی تأکید می‌کند که، همه این دلیل می‌گویم جهش که ناشران منطقه ما در سال ۱۳۷۸ تنها ۶۰ عنوان کتاب چاپ کردند که این آمار در سال ۱۳۷۹ ۳۰۰ عنوان افزایش داشته و در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۱۳۰۰ عنوان می‌رسد و در نهایت گذشته از ۱۵۰۰ میلیون تومان فروش، بیش از ۵ هزار عنوان کتاب به ۵۰۰ هزار شرکت‌کننده در این نمایشگاه عرضه شده است.

یوسف شاه‌حسینی در مورد تقویض اختیار صدور مجوز نشر به مراکز استان‌ها می‌گوید: این بحثی است که می‌بایست در موردش کنکاش و بررسی کرد که آیا

کو تاه کو تاه از شپهرستان

آفتاب: این آثار هر کدام به قیمت ۵۰۰ تومان روانه بازار نشر شده‌اند. این دو زن افغان را می‌توان از جمله استعدادهای آینده داستان‌نویسی افغانستان نامید.

کام اول آبادانی‌ها

انجمن داستان‌نویسان جوان حوزه هنری آبادان اولین دفتر داستان که مجموعه‌ای از آثار کسان‌ی چون پیام پارسیفر، علی دریس شیبلی، مهرداد زمانی، امین صادقی، الهه کناری و صدیقه سپاسی را انتشار داده است. گردآورنده این مجموعه، مؤلف داستان سایه، یعنی صدیقه سپاسی است. نویسندگان این مجموعه تعدادی از دانشجویان رشته سیاست‌داری و مدیریت بازرگانی هستند که از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ سال سن دارند. دفتر داستان (۱) اولین مجموعه برای معرفی داستان‌نویسان امروز ساکن آبادان است.

جمپور در خمیس سکاکن صفر

عصر ۱۷ شهریور، جمپور سرورده بهزاد خواجبات در جلسه‌ای با حضور عباس عبادی، علی کنیری و… نقد و بررسی شد. این جلسه توسط کانون شعر فرهنگیان اهواز هر چند هفته یکبار برگزار می‌شود. گذشته از این مرکز، کانون شعر مرکز آموزش عالی اهواز نیز وظی برگزاری جلسه‌ای، «خمیس در سکاکن صفر» سرورده علی پاری را به حیثه نقد و تحلیل کنشاند. در این جلسه نیز افرادی چون مهرداد فرسوده، پروین ازادی مقدم، بهمن ساتمی و بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان بومی حضور داشتند.

سعینار کتابخانه‌های روستایی ایران

دیروز، امروز، فردا

انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، به منظور حمایت و گسترش فرهنگ کتابخوانی در روستاهای کشور، در بیستم شهریور سال جاری در فرهنگسرای شفق دست به برگزاری مسیاری زد تا ضمن بیان اهداف و فعالیت‌های این نهاد در روستاهای کشور، بستری مناسب برای ترویج کتابخوانی و تشکیل کتابخانه‌های روستایی ایجاد کند. این در شرایطی است که تا به حال بیش از ۲۵۰۰ کتابخوانی و تشکیل کتابخانه‌های روستایی ایجاد

کتابخانه روستایی در کشور به همت مردم روستایی و بااحکامات‌های رسمی و غیررسمی نهادهای دولتی و مردمی تأسیس و راه‌اندازی شده است. انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران بعد از برگزاری این مراسم پیام‌های صادر کرد.

از جمله مفاد این پیام می‌توان به کمک به تدارک و ارتقای آموزش و یادگیری و فراهم آوردن شرایط مطالعه برای روستائیان، فراهم نمودن امکان حضور فناوری جهان امروز به نحوی شایسته، تدبیر و تنظیم و ارائه استاندارد‌های بومی با تأکید به بهره‌گیری از دانش و روستائیان و نیروهای با تجربه، بهره‌گیری از امکانات بخش خصوصی حوزه کشاورزی به منظور تأسیس و راه‌اندازی کتابخانه‌های عمومی روستایی و دیگر مواردی چون درخواست تعقیف ویژه از وزارت پست و تلگراف و تلفن برای ارسال آثار به این کتابخانه‌ها و… این مسیاری با حضور مسوولان، کتابداران روستایی و صاحبزنان این رشته در عصر همان روز به کار خود پایان داد.

مردو ایات

جنینی زارعیان جنینی

تا آخر عمر

ادامه خواهم داد

«غلامرضا عابدی» مدیر انتشارات پیام‌ارگانه‌ها تا به حال در ۱۰ نمایشگاه استانی شرکت کرده است. وی می‌گوید: در زمینه‌های علمی - تجلی، زبان، روانشناسی، ادبیات و کتاب‌های تاریخی تاکنون بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب به چاپ رسیده‌اند و تا آخر عمر ادامه خواهم داد.

اکبریزایشان از شرکت در نمایشگاه‌های استانی جویا شدن از عقاید و نظریات جوان و خوانندگان در مورد موضوع‌هایی است که کار می‌کند. عابدی در مورد نمایشگاه خدمات‌رسانی می‌گوید: «مردودنحوه و فناوری عرضه‌های فیزی مستعدانه خدمات‌رسانی می‌تواند بهتر از این هم باشد. در زمینه اسکان یا به‌عبارت‌حامل هزینه بالا به حل زفته‌هایم و خودمان به دنبال حله می‌رویم که برپایان کمتر هزینه داشته باشد».

وی نمایشگاه‌های استانی را محلی مناسب برای آشنایی خوانندگان و مخاطبان با نشر می‌داند. در زمینه ۱- اطلاع‌رسانی و معرفی ناشران و عرضه‌ها و عنوانی کتاب‌های موجود در هر حرفه.

۲- کنترل فرقه‌داران در زمینه عدم ارائه کتاب‌های متفرقه.

۳- حمل و نقل کتاب‌ها باید توسط کارگرنی که به کار خود وارد هستند و به کتاب آسیب نمی‌رسانند، انجام گیرد و در پایان ، مؤسسه نمایشگاه می‌تواند با پولی که از خود ناشران می‌گیرد فرضا‌های درست اجازه کند و هزینه اسکان را باین بیاورد و در نهایت اینکه عابدی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌خواهد از ناشران و خوانندگان مطلع‌تر کند و کتاب‌های مورد نیاز و علاقه جوانان را وارد کرده و جهت چاپ و نشر به ناشران تخصصی ارائه نماید. در ضمن لازم به ذکر است که مدیر انتشارات پیام‌ارگانه سن ۱۴ سالگی با شرکت در کلاس‌های پیام‌ارگانه و سیودیواندن و نوشتن از آغاز می‌کند و با پشتکار تا کارشناسی ادامه می‌دهد.

از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه نشر می‌شود و اکنون در سن ۵۱ سالگی با عشق و علاقه آماده انجام هرگونه فعالیت دیگر در این زمینه می‌باشد.

شماره ۸۲، شنبه ۶میر ۱۳۸۱

ادبیات: تفکر و شعور

ادبیات، همواره نتایج و محصولات گوناگونی را در ذات خود دارد؛ لذت، آگاهی، گسترش تخیل، زمینه‌سازی برای تفکر و تربیت ذهن مخاطب، نویسنده (و شاعر) یا پیش فرض‌های خودش، نوع زندگی و تفکر کردنش و آرزوهایش، اقدام به پدید آوردن سنی می‌کند که به‌صورت مقاله، شعر و داستان خلق می‌شود. نویسنده با قراردادن شخصیت‌های داستانش در تضادها و توصیف‌های گوناگون، آوردن روایت‌های گوناگون (و گام‌آزمایشه) به ناچار مخاطبش را به تفسیر در هم ریخته و وسیع می‌کند؛د و پست‌تفکر و تعمق را در رویدادها و فضاهای اسامان (و شعر) برای مخاطب ایجاد می‌کند.

در ادبیات پست مدرن، نویسنده گاه تعدد دارد که مخاطب را به چالش با متن خود فراخواند و از درگیری مخاطب، متن، فضاهای جدید و غیر منظره پدید می‌آید که گنجا و در این مرحله، جهانی چندبندی و گسترده‌تر از ذهن خوانک و مخاطب ایجاد می‌شود. ادبیات سوررئال، شگفت‌انگیزی است که مؤلف و مخاطب (هر دو، هم‌زمان) در آن به تفکر، کشف جهان ناپدیدهای آن و زمینه‌سازی هم‌سویی و یگانگی ناتوان می‌شوند.

در واقع تمام موارد فوق‌الذکر را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: شعور. ادبیات زمینه‌ساز و پرورش دهنده شعور و تفکر است. اما در مقابل یا دو نوع از ادبیات مواجه می‌شویم که شاید زیاد ما را به سمت تفکر و لذت پیش نبرد؛ ۱. ادبیات عامه‌پسند.

۲. ادبیات فرمالیسم.

ادبیات عامه‌پسند معمولاً پایه احساسات مثبت و هیجانات منفعی و اتفاقات سطحی و کم عمق استوار شده است. این نوع از ادبیات نه تنها در تفکر و آگاهی مخاطب را گسترش نمی‌دهد، بلکه او را به سمت سطحی‌نگری و رویکرده به احساسات لحظه‌ای (و شاید احساس‌نگری اسوقی می‌دهد. در این نوع از ادبیات معمولاً اتفاقات به صورت ناگهانی و بدون پیش زمینه می‌آید، شخصیت داستان ناگهان عاشق می‌شود، قتل می‌کند، فراری می‌کند، آنها محب می‌شوند. مخاطب به شکرت و بی‌توجهی هر رویداد و تفکری، غفلت کند، نوعی راحت‌طلبی و شوکت.

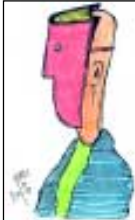
۳. ادبیات فرمالیسم (چه در شعر، چه در داستان) ادبیاتی است خشن و بی‌طرفانه. در این نوع از ادبیات، مؤلف تمام لذت‌ها، زیبایی‌ها و تفکر را قربانی فرم (روایتی اثری) می‌کند. او حتی دایره تفکر و احساساتش را به نوع فرم اثرش قربانی می‌کند. در واقع مؤلف آثار فرمالیست، یک معمار است، معمار بزرگی که لغات و اوهام را روی اسکلتی از پیش تعیین شده می‌چیند و در این میان هیچ جایی برای مخاطب و افکارش باقی نمی‌ماند. و مخاطب لذتی از این آثار نمی‌برد و هیچ تفاهمی بین مخاطب و اثر ایجاد نمی‌شود. در واقع عبادل مخاطب از تفکر و دانایی محروم می‌شود و با حتی از پیش مرده مواجه می‌شود. زمانی «میراث مبلر» گفت: ادبیات مرده است. نمی‌دانم، شاید...

همه کتاب‌ها را با وقت نگاه می‌کنند، گاه کتابی نظرش را جلب می‌کند، آن را از قفسه بیرون می‌آورند، ورق می‌زنند؛ پشت کتاب، کپیست را نگاه می‌کنند و آن را دوباره سر جایش می‌گذارند. مجموعه شعری را برمی‌دارد و شروع می‌کند به خواندن یکی از شعرهای آن. با او جیبی زدم که می‌خوانید.

دنیال کتاب خاصی می‌خرید؟

بله، همه مجموعه شعر است با عنوان‌های همه این‌شها چراغ را برای نوروشن گذاشته‌ام، اثر مهرداد قاسمقر، «جامعه» اثر علی عبدالرشایی و «خلیج و خزر» اثر منوچهر آتش. **این مجموعه شعرها را به علت خاصی انتخاب کرده‌اید؟**

بله. من شعر امروز ایران را به‌طور جدی دنبال می‌کنم، بخصوص شعر جوان را؛ شعرهای منوچهر آتشی و علی عبدالرشایی را دوست دارم و آثارشان را دنبال می‌کنم. تعریف کتاب مهرداد



قاسمقر را هم از دوستان شنیدم. ما این روزها زیاد می‌شویم که شعر امروز (خصوصاً شعر جوان) مخاطب ندارد و مردم آثار شاعران را نمی‌خوانند؛ شما به عنوان مخاطب شعر امروز چه نظری در این مورد دارید؟

اگر بگویم شعر امروز اصلاً مخاطب ندارد، بی‌انصافی است، اما شاید بتوان گفت که مخاطب

شخصیست به گذشته کمتر است و این هم دلایل گوناگونی دارد؛ شاید مردم کنی راحت طلب شده‌اند و دوست دارند کمتر از روی و فکر صرف کنند و بیشتر لذت ببرند. امروز سینما و وب‌سایت‌های بیشترین سهم مخاطب را دارند. در هر صورت آنها یک واقعیت است و وجود دارد. حالا با وجود مسلط بودن سینما و وب‌سایت‌ها و استقبال کم از شعر، باید گفت شعر امروز ایران بد است و بی‌مخاطب؟

در طول روز چند مطالعه می‌کنید؟

تقریباً دو روز سه ساعت، گاهی اوقات

کفت و گو

ر

در میان انقلاب، در یک روز زمین، کاتفروش تقریباً بزرگی دایر است. همه نوع کتاب در اینجا پیدا می‌شود؛ دوسه سیاسی، شعر، رمان، مذهبی و... در این محل در اصطلاح، کتاب‌های دست‌دوم فروخته می‌شود.

چند نفری در کاتفروشی مشغول نگاه کردن و انتخاب کتاب هستند. با صاحب این کاتفروشی گپیی کوتاه زدیم:

چند سال است که کاتفروشی می‌کنید؟

من هفت سال است که به کار خرید و فروش کتاب مشغولم.

کتاب‌ها را چطور می‌خرید؟

در روزنامه‌ها آگهی می‌زنیم که کتاب می‌خریم. بعضی‌ها خودشان پیشنهاد فروش کتاب‌هایشان را می‌دهند. در هر صورت کتابخانه شخصی افراد را می‌خریم و اینجا می‌فروشیم.

کتاب‌ها را چطور می‌خرید؟ به قیمت مناسب یا؟

تفکر می‌کنم به قیمت مناسب. می‌خرم، اما باید نظر دیگران را هم پرسید؛ سعی می‌کنم برای کتاب‌ها بر اساس ارزشی که دارند پول بدهم. بستگی به نوع کتاب، سالم بودنش و حتی نایب بودن یا معمولی بودن آن دارد.

ارزش برآمی یعنی فقط ظاهر کتاب و نایب بودنش؟

برای من بله.

قیمت‌ها را بر چه اساسی روی کتاب‌ها می‌گذارید؟

بر اساس قیمت خرید خودم، نوع و قدمت کتاب و سالم بودنش.

در میان رمان‌هایی که دارید، «صداساز تنهایی» اثر مارکز هم هست. قیمت

کپی با یک خریدار کتاب

ما راحت‌طلب شده‌ایم!

بیشتر، بستگی به کار و وقت دارد.

به غیر از شعر چه کتاب‌هایی مطالعه می‌کنید؟

رمان، تاریخ و جزئی ادبی کلاسیک.

در طول ماه چندتر کتاب می‌خرید؟

حدود ۴،۵ کتاب. به هر حال قسمت کمی از

حقوقم را برای خرید کتاب کنار می‌گذارم. و با این پول گاه حتی دو جلد کتاب هم نمی‌توان خرید.

شما فکر می‌کنید کتاب گران است؟

نمی‌توانم به‌طور دقیق بگویم، اما فقط

می‌توانم بگویم یا جیب من زیاد جورنیست!

از کتابخانه هم استفاده می‌کنید؟

اگر کتابخانه‌ها باشند که امثال من به‌طور جدی

جدا مشکل می‌شویم.

بهترین مجموعه شعرهایی که خوانده‌اید چه بوده؟

هشت کتاب؛ از سپهری، «اراهیم در آتش» از

شاملو، «قصیده لیخندچاک چاک» از شمس لنگرودی،

«پایرهنه تاصبح» از گراناز موسوی و «جامعه» علی

عبدالرشایی.

خودتان را معرفی می‌کنید؟

عباس کرامت‌پور، ۳۵ساله، کارمند.

این کتاب چقدر است؟

بیست هزار تومان.

خیلی گران است؟

نه اصلاً! این‌طور نیست. این کتاب جناب قدیم است

و اصل، اصلاً پیدا نمی‌شود. جزء کتاب‌های کمیاب است

و قیمتش همین است.

فکر می‌کنم به این می‌گویند بازار سیاه!

چه چیز بازار سیاه نیست؟ کتاب و هر چیز دیگری که در بازار پیدا نشود، خود

به خود قیمتش چندبرابر می‌شود. این قانون بازی است.

این قانون را شما تعیین می‌کنید؟

هم من و هم اجتماعی که در آن زندگی می‌کنم. شاید انگار از مرحله پر نمی‌...!

نمی‌دانم، شاید! خودتان کتاب می‌خوانید؟

زیاد نه، گاهی.

چه کتاب‌هایی می‌خوانید؟

رمان‌های پلیسی و عشقی.

اگر یک مشتری کتابی را نیاز داشته باشد، ولی پول کافی نداشته باشد، شما کتاب را با

تخفیف به او می‌دهید؟

نمی‌دانم، شاید.

از شگفتان واقعی هستید؟

نابینا نیست، اما زیاد هم راضی نیستم.

خودتان را معرفی می‌کنید؟

م.شوقی، ۳۷ساله.

ناشر محترم

در نظر است نهمین دوره عمومی نشر کتاب، در اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران برگزار شود. هدف از برگزاری این دوره آشنا ساختن ناشران با اصول و مبادی نشر کتاب است.

دوره‌های آموزش عمومی نشر کتاب اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران

عنوان دوره	مدت دوره	روژه‌های تشکیل دهنده کلاسی	استاد	هزینه دوره
مبانی نظری نشر	۳ جلسه	۱. مبانی نشر کتاب۲. مبانی نشر کتاب۳. مبانی نشر کتاب	عبدالحسین آفرنگ	رایگان
تولید فرهنگی	۴ جلسه	۱. مبانی نشر کتاب۲. مبانی نشر کتاب۳. مبانی نشر کتاب	خشیاراد دیهیمی	رایگان
اصول تولید فنی و تولید چاپی	۴ جلسه	۱. مبانی نشر کتاب۲. مبانی نشر کتاب۳. مبانی نشر کتاب	جواد نجمی	رایگان
اصول مادی و سرمایه‌گذاری مؤسسات انتشاراتی	۴ جلسه	۱. مبانی نشر کتاب۲. مبانی نشر کتاب۳. مبانی نشر کتاب	دکتر نیکوآیال	رایگان
پرسش و پاسخ با ناشران موفق	۲ جلسه	۱. مبانی نشر کتاب۲. مبانی نشر کتاب	ناشران برتر کشور	رایگان
بازدید از چاپخانه اکت	۱ جلسه	۱. مبانی نشر کتاب		رایگان



ضرب‌المثل شیرین شادب فارسی از هزل هلمیم نوی دیگ نیقیی؛ این روزها مصداق برخی از ماست که تا

پیروز با کتاب و کتابخانه و کارکردم‌های ماسندز تحقیق و مطالعه آن طور که از یک پژوهشگر انتظار می‌رود -

کاری ندانستیم و امروز ناگهان چنان پرچم برآم. اینترنت! وارد دوش می‌کنیم و بر روی می‌خیزد از فقدان حضور آن می‌نالم و در پی آن پیه همه زحمت کتابداران و اطلاع‌رسانان کتابخانه بقی مشتمان را می‌زیم که گویی اینترنت یعنی پیمان و حرف آمر در اطلاع‌رسانی برای اهل مین چنین نیست.

هرگز نه دیده‌ام و نه شنیده‌ام که در جایی از کره

خاک اعلام کنند، چون ما از امکان بهره‌گیری از اینترنت

برخوردار شدیم. درب کتابخانه‌هایمان را بسته کرده‌ایم.

ولی بسیار دیده‌ام که حضور امکانات رایانه‌ای

از جمله بهره‌گیری از اینترنت به تسبیح ارائه خدمات و

غنا و تحول مجبوعه کتابخانه‌ها نژوده است.

دوران اطلاعات و از جمله اینترنت تحولی در حد یک انقلاب در آموزش و تحقیق و صدهایه در حوزه‌های دیگر مانند تجارت در همه آخر قرن بیستم دیده‌آورد. بهیچ است اثرات جانانه و جاودانه‌ای نیزم جاری خواهد گشت. اینکه کتابداران در مقابل حضور این پدیده عالی و شوگرف که در کتابخانه به عنوان یک زن اصلی آموزش و تحقیق قرار گرفته است چه تمهیدات و نقش‌هایی باید ایفا کنند از مدفغه‌ها و موارد قابل توجه مراکز آموزش و تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی است. پیشینه‌ها و راهکارهای مناسب و گوناگونی در این ارقام از سوی اندیشه‌ورزان حوزه ارائه شده و می‌شود. اما در هیچ کدام از این توصیه‌ها حذف خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی و صد البته کتابخانه‌ها مظاهر نشده است.

بهره‌گیری از فناوری و یافته‌های نوین در هر عصری نه تنها در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بلکه در همه حوزه‌های علم تأکید و توصیه شده است. اما همیشه به‌رغم این باصفت مناسب همواره بوده است. این مناسبی است که پارکنت زسوی انتقال همدهگان فناوری باید باشد که مست و فراوان درباره انتقال



اینترنت؛ این هم حکایت ماست

فناوری مطلب تهیه و ارائه شده است.

حضور فناوری جدید در کشور ما از نیمه دوم دوران قاجاریه (عصر ناصری) با رفتن تعدادی از ایرانیان به اروپا و سفرهای شاهانه و وارد کد برخی مسافروها آغاز شد، اما ویژگی این حضور آنکه بهتر است انتقال گفته شود، کمیت، با یک مشکل اساسی روبه‌رو بوده است. فقدان مطالعه و بررسی قبل از انتقال و توجه به مطالعه و بررسی پس ملاحظه مشکلات و… مثال همیشه جارزانه ورود اتومبیل و فرهنگ رانندگی و… و… مطلقاً تجربه و علم ما را بر آن می‌دارد که در طوفان بیشتر به فکر و عمل نکیه کنیم و قبل از طوفان از تجربیات و یافته‌های دیگران بهره‌گیریم.

به جرات من نیز که توسط ناشر و سرزمین‌نشریه اینترنت و آموزش عالی که نخستین شماره آن در ۱۹۹۸منتشر شده است وقت‌کیند.

اولین و مهمترین توجه ما در نشر مجله اینترنت و در این زمینه ما چه می‌کنیم؟ چه باید، عملی به شکل چایی این عیبه‌نامه است که اگر چه باید مورد تأکلف و مرصه‌چایی به شکل کنترولیکی و رسمی می‌چیند. اما نشه اندیشیده، اما خود را معتمد می‌داند که نخست و به لایالی خاص خود به انتشار این نشریه به شکل سنتی (چایی کافوی) اقدام کند. همه ما که در عصر انقلاب اطلاعات به سر می‌بریم بر این حقیقت



واقیم که وضعیت بازار انتشارات صرفاً کارآمد نمی‌شده، به خوبی ترسیم نشده است و تحقیقی نیست که بتواند این نشریه زیرمخالف در آغاز کار انتشارات نشریه عرصه‌ای قابل پیش‌بینی در زمینه‌های زیر را توجیه دهد: (الفصلنامه کتاب، دوره نهم، ش ۱، سال ۱۳۷۷، ص ۱۱۶)

توجه کنید، در این مجامعت نکات ارزنده‌ای ذکر شده است. نخست اینکه نشریه‌ای که موضوع کارش انتشارات است و در آمریکا منتشر می‌شود مشکل چایی، کافوی را اطلاع‌نظری انتخاب می‌کند و تهیه کنندگان پیروی خود را از درخواست منتقلی ناشر ضروری می‌دانند. نکته دوم ناشر با تأسیس شدن همه اعضایک پاینده جدید، بر خورد میانه را با اعتبار بر بخود معوجه و احساسی ترجیح می‌دهد. سوم پیش‌بینی کار با فراهم شدن عرصه‌های آینده و بقیناً تلاش در جهت فراهم آمدن امکانات قابل اطمینان اجتهامی و قانونی و… خوب این یعنی اقدام بر اساس مطالعه قبل از عمل. اما در این زمینه ما چه می‌کنیم؟

بدون هیچ بررسی عمده و مقاله و وقتی (تجزیاتی) کارشناسانه‌ای، تقه و رایج بازاری می‌شویم که اعلام‌توجه به درآمد (از هر طریقی) به چیز دیگری نمی‌دانستیم. تبلیغات خود را از کارگاههای متداول و غیر انجام می‌دهد و مشتری جلب می‌کند و کار را به جایی می‌رساند

اهالی کتاب

ابراهیم رزم آرا

تولید کتاب و پرورش مخاطب

گردد به یقین با نهادینه کردن فکر و مطالعه در ذهنیت فرهنگی جامعه، می‌توان علاوه بر سالم‌سازی محیط زیست فرهنگی، از به هدر رفتن نیرو و نیز تصاعد برادر هزینه‌ها در سطوح و نمودارهای مختلف جلوگیری کرد.

بسیاری از اهالی کتاب ممکن است سر مطالعاتی خود را با کتاب‌های غیر جدی و با اصطلاح بازاری آغاز کرده و مطالعه را توسط این گونه کتاب‌ها هم آموخته باشند. حضور این کتاب‌ها در بازار عرضه در جهت ایجاد انگیزه برای مطالعه و آشنایی با فرهنگ کتابخوانی خود غنیمتی است. اما مسأله اینجاست که عده کثیری از این افراد پس از آشنایی با کتاب در اثر عوامل متعددی نمی‌توانند مسیر درست تکامل مطالعه را طی کنند. این افراد در همان سطح آسان‌پسندی متوقف شده و ممکن است تا آخر عمر نیز نتوانند خود را بالا بکشند.

مورد اساسی دیگری که عموماً در بلوغ کتابخوانی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، شیوه مطالعه انواع کتاب‌هاست. نوع برخورد با یک رمان و شیوه خواندن آن با مطالعه یک کتاب در حوزه‌های علوم انسانی همانند روش‌شناسی و فلسفه فرق بسیاری داشته و هر یک از این کتاب‌ها خوانش خاص خود را می‌طلبند.

اگر فرقی با سیستم و نوع خوانش کتاب‌های مختلف آشنایانند، هر آن ممکن است خسته و دافزده شده و این خستگی به تحلیل رفتن فرای ذهنی و روحی او منجر شود. حتی در زائری همانند رمان نوع خوانش‌ها متفاوت است. مثلاً نمی‌توان با نوع سیستم و شیوه خواندن رمان‌های چارلز دیکنز یا مارک تواین به سراغ رمان‌های داستایوسکی و مارکز رفت.

با این اوصاف باید اذعان داشت که تنها با تولید اتینوه کتاب مخاطب پرورده نمی‌شود و نیز نمی‌توان صرفاً با ارائه کردن کتاب به بازار، به انتظار

که افراد گاه و معلّم نیز در وجود و با علم این جو و پدیده، مشکوک و سردرگم به‌مانند در اظهار نظر مردد.

چونامی. همچون هند در آسیا و آلمان در اروپا با برنامه روزی و احتیاط آن هم برنامه ده‌ساله و پانزده‌ساله به این فناوری‌ها نزدیک می‌شوند در حالی که دارای سرانه‌های بالای علمی و تحقیقاتی هستند. در کتابخوانی و مطالعه حرف برای گفتن دارند. اما، اما، که هنوز در خم عادت دادن جامعه به کتابخوانی آن‌هم جلوه‌نامه‌هایش گریزداریم با کدام برنامه به استقبال این طوفان می‌رویم، آنچه کارکنان شده است لازم است کافی نیست.

این مطلب از آن جهت به گفته آمد که از زبان پژوهشگر مسئولی می‌شوم، ام‌اگر ما این کتابخانه را نخواستیم چه بایدکنیم و آن دیگری می‌گوید، حالا که اینترنت آمده دیگر چه کسی کتاب می‌خواند و از زبان مسئولی فرهنگی با دو گوش خودم شنیده ام گفته: بایداید این کتابخانه را بریزید دور و یک ساخاتر تمام کامپیوتری، اینترنتی، مبتنی بر شبکه اینترنتی‌بندازید. هر چه هزینه بخواهد می‌دهم!

اجازه بدهید. برای آنکه نمی‌بیشتر توجه جلب شود با هم به پاسخ چند سؤال بنماییم:
واژه بر کاربرد اطلاع‌رسانی چه لغاتی با اینترنت دارد؟

برای بهره‌گیری مناسب از اینترنت چه لوازم و

ابزارهای لازم است؟

فلسفت زبان انگلیسی در تقرب و جست‌وجو در اینترنت (به‌مفطور، پژوهش و آموزش) سفید ضرورت دارد؟

ایا اینترنت مشکل‌گدای پیامی است؟

بهره‌گیری مناسب از دیگر امکانات کتابداری و اطلاع‌رسانی در کنار اینترنت چقدر ضرورت دارد؟

مشکلات اینترنت در کشور ما چیست؟

نرم‌افزاری است یا سخت‌افزاری؟

برای آنکه آسیاب تحقیق در کشور ما به راه افتد،

ایا اینترنت چند در صد فیل دارد؟

پیش‌نیاز بهره‌گیری از منابع موجود در اینترنت چیست؟

دیگر ضرورت‌های تحقیق در کشور چیست؟

حالت برای آنکه از هزل هلمیم در یک‌نیمه بهتر است نخست یا به هم‌راه دیگر کتاب‌های صفحه‌کلید

یا ماشوره کامپیوتر شخصی خود به پاسخ سوالات

بالا عیادت داشته باشیم.

بالا رفتن میزان آمار مخاطبان کتاب نشست، تبدیل کردن یک کتابخوان نابالغ و غیر جدی به کتابخوانی بالغ و جدی، خود جدیت و برنامه‌ریزی می‌طلبد. پرورش یک مخاطب جدی بسیار مهمتر از چاپ و نشر یک کتاب در شمارگان ده هزار نسخه‌ای است.

تولید و حضور کتاب در عرصه‌های فرهنگی جامعه امری باقوه است که با تبلیغ و ایجاد انگیزه برای خواندن و نیز سامعینی سیستم اطلاع‌رسانی و آموزش شیوه‌های درست مطالعه می‌توان آن را تبدیل به بالفعل کرد. پورخس در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: گمان می‌کنم امروز مردم جدی نبوده‌اند که کتابخانه یک جور بارم‌دادویی است. بر از آدم‌های مرمه و آن آدم‌های مرده و قفس صفحات آنها را باز کنند. می‌تواند دوباره متولد شوند، می‌توانند به زندگی برگردانده شوند. با صحبت با اسقف بارگلی کسی که یادآوری کند مبشر مطبعت آمریکا و تادیم افناد که او گفته است مژه‌سپید نه در خود سبب است. سبب خودش نمی‌تواند مژه بدهد. نه در دهان کسی که آن را می‌خورد. مژه منظم نامس این دو با هم است. همین مسأله در مورد کتاب با در مورد مجموعه‌ای از کتاب، در مورد کتابخانه صندق می‌کند. مگر کتاب خودش چیست؟ کتاب شیش مادی در جهان اشیای مادی است. مجموعه‌ای است از نشانه‌های کرده بعد خواننده مناسب از راه می‌رسد و کلمات باه معنی فقیتر، شعر، پنهان در پشت کلمات. زیرا کلمات خودشان صواغشانه هستند. ناگهان زاده می‌شوند و ما شاهد و ستاینخیز کلمه می‌شویم.۱

پانوشته

۱. از کتاب این هنر شعر، خورخه لوئیس بورخس، ترجمه میمنت میرصادقی (توقدقر)، هماغشتن رزم.

ایا به حال کودکی راپیده‌اید که دیگر نخواهد قد بکشد؟
موجودی افندر خودسرودلجوج که تصمیم بگیرد، دیگر رشدکنند؟

«شکار» فهزمان رمان «طبل حلبی» نوشته «گوتترکراس» چنین موجودی است، بجهای که در سن سه سالگی تصمیم می‌گیرد دیگر رشد نکند و در همان قد باقی می‌ماند.

استانی که تنها تو و چهار سانتیمتر طول دارد و به گفته خودش تینتا را فقط از زیرهٔ مینتد اعلام بر اینها بسیار شخصیتی است که آخرین نویل ادینات را در قرن بیستم برای آفریننده خود «گوتترکراس» به ارمان آورد. در آخرین روز ماه سپتامبر آخرین سال هزاره دوم میلادی خود گزاروی‌ها اعلام کردند که «گوتترکراس» ۷۱ ساله برنده آخرین نویل ادین قرن شده است.
میلادی برای آفریننده خود «گوتترکراس» اورا به خاطر خلق فضای تو در ادینات آلمان بعد از چندین دهه تعریب زبانی و اخلاقی» مورد تقدیر قرار داد.

آکادمی نویل سوند در ستایش از این اثر و نویسنده‌اش گفت: «گراس تاریخ معاصر را مرور کرده است. او قربانیان شکست خورده‌گان و فراموش شدگان را پیش چشم خواننده قرار داده که همه خوانستار از یاد برداشتن بده‌اند. گستاخانه خواهد بود که «طبل حلبی» را یکی از آثار جوانانه ادبی قرن بیستم بنامیم.»

پیش از گوتترکراس، «هنریش بل» آخرین آلمانی بود که در سال ۱۹۲۲ هفتاد بی این مهم شده بود. گراس پس از دریافت جایزه‌ای به خبرنگاران گفت: «هنریش بل از گذشته بود، بی‌شک از این انتخاب شگرفه می‌شد. من همیشه سعی کرده‌ام دست او را ادامه دهم. یک نویسندهٔ درگذشتهٔ این خود این وظیفه شهروندی نویسنده‌گان جوتتر بیژن او را ادامه دهنده.

گوتترکراس» در شانزدهم اکتبر ۱۹۲۷ میلادی در هاتزینگ، لاکنهور، به دنیا آمد.پدری آلمانی و مادرش لهستانی بود. علاوه بر گراس به زادگاهش در تمام آثار وی نمایان است؛ شهری که هم‌اکنون با نام «گداکسک» (معنای «همه‌جواد شیبانی کارگردیس» به آفرینش می‌گردد. پس از هجرت به سوئیس، مادر وی در تیروی هوایی جزه تیروی شد تا تک زندگی بعد در جنگ مجروح شد و به زندان متفقین افتاد پس از یک سال جنگ جهانی دوم پایان یافت و او از زندان آزاد شد. اما زادگاه وی دیگر به او تعلق نداشت بلکه طبق قرار ویزای به لهستانی‌ها اقرار شده بود. او پس از جنگ ابتدا به عنوان دستیار کشاورزان، در «کالتریک بلو» در نزدیکی «هلدیز هالیم» مشغول به کار شد.مدتی راهنمای کوه‌وردان بود و تویک یک سال هم در یک کارخانه تهیه مواد شیمیایی کار کرد.سپس به آفرینش برگردش و در مجسمه‌سازی و طراحی، در سال ۱۹۲۹ در آکادمی هنرهای زیبای شهر «دوسلدورف» در رشته یکرسازی و گرافیک مشغول به تحصیل شد.

در سال ۱۹۵۵ میلادی به عضویت «گروه ۴۷» درآمد.

این گروه که در سال ۱۹۲۷ تأسیس شده بود و جمعی از تأثیرگذارترین گروه‌های ادبی در تاریخ معاصر آلمان است.

گراس در سال ۱۹۵۷ به پاریس رفت و در مدت کوتاهی دو آلبوم نمایشنامه‌های «عمود عمود» و «هنوز تا بوفالو ده دقیقه راه است» را نوشت. این دو نمایشنامه که کم و بیش به نظرمی به نام «پروژن یونسکو»

نوشته شده‌اند، از اقبال چندانی برخوردار نشدند، اما در همین دوران گراس رمان مشهور خود را به نام «طبل حلبی» در سال ۱۹۵۹ در پاریس به پایان رساند.

در سال ۱۹۶۰ مجدداً به برلین بازگشت و تا سال ۱۹۷۲ در آن شهر اقامت کرد و پس از آن نیز در شهر «اولفالت» واقع در «شلزویگ هولشتاین» زندگی می‌کند.

در سال ۱۹۶۱ داستان بلند موش و گربه از گراس به چاپ می‌رسد. فهزمان این داستان آدم به ظاهر مفهکی است که سبب آدم و سیب ریشخند اطرافیش می‌شود. داستان گزارشی است دربارهٔ بچه‌های یک بیمارستان در «هاتزینگ» که شاهد جنگ جهانی بودند. اینوخمین مانگه» که تلاش می‌کرد در مسافه‌های ورزشی بر هسلاشش برتری داشته باشد، می‌خواست برتری خود را با یک طبل حلبی آهنی که آن را درزیده بود، نشان دهد؛ اما صاحب صلیب که یک سرباز بود از سفر بازمی‌گردد و خواهان اعاده حیثیت می‌شود و پیاوخم نیز به مجازات می‌رسد.

اسال‌های سگی عنوان رمانی است که گراس آن را در سال ۱۹۶۳ نوشته است. این کتاب اثری است دربارهٔ دوران حکومت نازی‌ها در آلمان و رویدادهای دردناک بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ در زمان اسال‌های سگی، دوران پیش از جنگ، شکست برین در سال ۱۹۴۵ تشکیل جمهوری فدرال و تقسیم شدن برلین. طبقات مختلف جامعه، افراد و شخصیت‌های مهم این دوران به‌طور برجسته‌ای نمایان می‌شوند.

جریات ناترازیستی همرا با عناصر خیال‌گونه آن چیزی است که در سه اثر بزرگ گراس یعنی «طبل



●گراس:خلق آثار نقاشی یک شغل فرعی نیست بلکه یک واسطه هنری و مکمل نویسندگی من است

«موش و گربه» و اسال‌های سگی» بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ به چشم می‌خورد. گراس در این سه رمان عکس‌العمل آلمانی‌ها را نسبت به فهپور نازیسم، نفرت از جنگ و احساس گناهی که بعد از رژیم آدولف هیتلر، در آلمان برجای مانده بود، ثبت کرده است. «طبل حلبی» داستان فهپور و سقوط نازیسم آلمان از دریچه چشم نوجوانی است که از پیوستن به دنیای بزرگسالان امتناع می‌کند.

این جوان که «شکار مانتسرات» نام دارد در سن سه سالگی رشد خود را متوقف کرده است. در بیست و هشت سالگی او را به آسایشگاه روانی برده‌اند و او داستان غیر عادی خود را در آنجا روایت می‌کند. او به نوعی بیماری شگفت‌انگیز دچار است و تصور می‌کند که آدینه‌ها و خورشده‌فهپ، خود را می‌تواند با نوشتن یک طبل حلبی که همیشه هم‌را گوسته، بیان کند.

«شکار» می‌تواند نمادی باشد که همره با نوا طبل به حرکت آمد، حرکتی که منجر به فلج‌اج جنگ جهانی دوم شد.

«شکار» که کودکی سرکش و تربیت‌ناپذیر است، از

مدرسه می‌گریزد و خواندن و نوشتن را نزد زن همسایه می‌آموزد. میزان معلوماتش نیز از مرز کتاب «زندگی نامه راسبولین» فراتر نمی‌رود. پس از جنگ اسکار از داترینگ به دوسلدورف می‌رود و در آنجا به مدفن نقاشی به آکادمی هنرهای زیبا مشغول می‌گردد و سپس به ناوختن درام (چاپ) در کلوب‌های شبانه می‌پردازد. وی در سال ۱۹۶۵ در آلمان غربی عمل پیوند عطر را انجام می‌دهد و بدین ترتیب مقدماتی از کیمی رشد خود را را اجران می‌کند. «یکارو» امره گوسته‌شتین و متروزی، قاضی زمان خویش است که در حاشیه داستان قرار دارد. داستان شرح و تالیع به ترتیب وقایع آنهاس با بازتاب‌های کتابی و شیوهٔ بیانی فوق‌العاده.

عناصر «گوستک» در «طبل حلبی» فراراندند. گروشک آموزهٔ ناپایداری از عناصر نااهنگون است، نقطهٔ انفجار ضغنهاست که گاسخه و در عین حال هشتک است.

سه زمان «طبل حلبی» (۱۹۵۹)، موش و گربه (۱۹۶۱) و اسال‌های سگی (۱۹۶۳) تریلژی «هاتزینگ» نام دارند. وقایع هر سه این رمان‌ها در شهر «هاتزینگ» یعنی زادگاه گراس روی می‌دهند. گراس تنها نویسندهٔ نیست، او علاوه بر نویسندگی در نقاشی و پیگردانش نیز هنرمند برجسته‌ای است. گوتترکراس مدل‌هایش را خود طراحی می‌کند و تمامی آثارش از آغاز تاکنون با نقاشی وسیع‌القم هم‌راه بوده‌اند. وی می‌گوید: «خلق آثار نقاشی یک شغل فرعی نیست بلکه یک واسطه هنری و مکمل نویسندگی من است.»

گراس در سال ۱۹۶۹ مجدداً از ادراج کرد و این بار با یک توانندهٔ بزرگ به نام «ارنه گروت».

گراس تاکنون به عنوان یک نویسنده و هنرمند برجستهٔ جزایر زندگی را به سمت آورده است. دکتری افتخاری دانشگاه‌های آمریکا، جایزه بهترین کتاب خارجی سال از سوی متقدمان ادبی فرسه و جایزه نویل ۱۹۹۹ از جمله این جوایز هستند.

وی از سال ۱۹۸۳ به عنوان رئیس آکادمی هنرهای برلین انتخاب شد و برای نخستین بار در سال ۱۹۶۱ میزبان انتخابی به لقب «ویلی برات» فعالیت کرد. پس از تغییر دولت در سال ۱۹۸۲ به عضویت حزب سوسیال دموکرات، آلمان درآمد.

گراس را جزو روشنفکران چپ می‌دانند. دارینفو که دو سال قبل از او یعنی در ۱۹۸۷ جایزه نویل از دریافت کرده بود پس از شنیدن خبر اعطای نویل به «گوتترکراس» گفت: «اول من، بعد سراهاگو و اکنون گراس. روشنفکران چپ در استکمال خوب پیش می‌روند.»

«چسلا پولوش» شاعر فهستانی که نویل سال ۱۹۸۰ را دریافت کرد، اظهار داشت: «اعطای جایزهٔ نویل به گراس به این معنی است که دوران عهد سیاسی، آنگونه که اعتقاد یلده، میری شده است.»

«سارا ماکی» نیز که سال گذشته نویل ادبی دریافت کرده بود در چند مصاحبه با روزنامه‌های اسپانیایی دربارهٔ جایزه گراس گفت: «احساس می‌کردم این امر اتفاقی می‌افتد و برای من مایه شگفتی است. این بدین معنی است که وی نوشته پیشتر از این سزاوار دریافت این جایزه بوده است و در اروپا و در سطح جهان بی‌حنا است. گراس در همان دوران چیزی را پیش‌بینی کرده که امروز اتفاق می‌افتد؛ اینکه مردم بخش شرقی آلمان به صورت آلمانی‌های درجه دوم درآیند. بیان این کار از شهامت شایدهی را علیه وی موجب شد. با این کار از شهامت اخلاقی خود را به اثبات رساند و من او را تحسین می‌کنم.»

گراس در سال ۱۹۸۶ شعری با عنوان «موش صحرایی» سرود. رازی شعر به عنوان هدیه گریسمس یک موش صحرایی دریافت می‌کند و سپس در سخنانی روزیایی با موش صحبت می‌کند. موش صحرایی برای او از وقایع قبل و بعد از جنگ صحبت می‌کند و اینکه دنیا رو به نابودی و انهدام است. در حالی که رازی با شگن این نتیجه می‌رسد که نده



هنوز هم برای ما چیزی وجود دارد» به نظر می‌آید این جمله موش که دنیا را رو به ویرانی می‌دهد، حکایت از فروپاشی کمونیسم می‌کند و پاسخ‌گوی در واقع عویش است به زندگی.

از دیگر آثار مهم گراس می‌توان به رمان «سفره ماهی» (۱۹۷۷)، «دیدار در لنگه» (۱۹۷۹)، «عمود عمود» و «دفتر خاطرات یک حلزون» (۱۹۷۲)، «سی و دو زندان» «زادی آلمانی» «مردم برای شورش تمرین می‌کنند» (۱۹۶۶) و «بیهوشی موعبی» (۱۹۹۹) اشاره کرد.

موضوع نمایشنامه «مردم برای شورش تمرین می‌کنند» دربارهٔ قیام کارگران آلمانی در برلین شرقی در دههٔ حکومت آلمان شرقی به پای یکتکهای روسی روسیه، حکومت آلمان شرقی به پای یکتکهای روسی گذاشت. فهزمان این نمایشنامه «برولت» نوشته نمایشنامه‌نویس و کارگردان مشهور آلمانی است. نمایشنامه به‌طور غیر مستقیم از نقش «برولت» پوشش در قیام کارگری صحبت می‌کند. برشت در آن حکام به جای متوقف ساختن ترمینات نتانرش و کمک به کارگرانی که قیام کرده بودند، از نتانرش برای رسیدن به مقصود استفاده کرد. او شخصیت نمایشنامه است که اگرچه سال‌ها است از تغییر نظام اجتماعی و حمایت از طبقه محروم سخن می‌راند، اما به هنگام عمل از کمک به کارگران سزای می‌زند و آنها را با سرنوشت خویش تنها می‌گذارد.

اعطای آخرین نویل ادبی قرن به یک نویسنده آلمانی که اغلب آثارش دربارهٔ احساس گناه ملت آلمان نسبت به جنایات نازی‌ها است، سبب شد تا مردم آلمان این فعل را نشانه نادمان عفو گستر خود و نقطه پایانی این فعل جهان از آلمان در قرن معاصر بدانند و این همه، دستاورد یک نویسنده است. «گوتترکراس» که خود را چرافی می‌داند در انتهای کاروان رهبران ادبی قرن.

منابع

- آدینات امروز آلمان، دکتر رونج وودعا، نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- تاریخ ادبیات آلمان، پریسا درخشان مقدم، فرهنگسرا، ۱۳۷۷.
- روزنامه اخبار اقتصادی، مهدی خاموش، من چراغ خطر آخر کاروانم، (۱۳۷۷).
- روزنامه خرداد، آخرین نویل ادبی قرن برای گوتترکراس، ۱۳۷۷/۱۰.
- روزنامه آفتاب امروز، واکنش دولت و مردم آلمان،،،،، ۱۳۷۷/۱۰.

پانویس:

- ↑ *Danzig - Liu*
- ↑ *Kailberg Bang*
- ↑ *Hildestein*
- ↑ *Karl Hartung*
- ↑ *Anna Margareta schwartz*
- ↑ *Joachim Mahke*
- ↑ *Osakar Matherath*
- ↑ *Ute Grunt*

یادداشت

محمدحسین طالبی

نگاهی به زندگی و آثار «گوتترکراس» برنده آخرین نوبل ادبی قرن بیستم نویسنده هم باید در سیاست دخالت کند!

اسطیر یونان تاکنون در بسیاری از کتاب‌ها بخصوص کتاب‌های ادبیات نمایشی معرفی شده‌اند اما متأسفانه در هیچ یک از کارها نگفته که باید و شاید مورد ارزیابی و کند و کاو قرار گرفته‌اند. برای ما بگوید که چه وجهی از خدایان یونان شما را برای ترجمه جذب کرد؟

از همان زمان دانشجویی، گاهی در برخی کتاب‌های داستانی، شعر و موسیقی به اسامی برمی‌خوریم که اغلب مجبور بودیم از اسامید خودمان در این زمینه کمک بگیریم. یکی از این سوالات مربوط می‌شد به برخی اسامی یونانی که تقریباً در همه جا می‌دیدیم.از کتاب‌های فلسفی و مذهبی گرفته تا ادبیات و هنر و تاریخ.اسامید ما مجبور بودند برای اینکه درک صحیحی از تمامی مطالب مورد بحث در آن کتاب‌ها داشته باشیم، تاریخچه به‌وجود آمدن آن اسامی را توضیح ده‌ند که متأسفانه در برخی موارد ناقص بود. خودم در پایان تحصیلاتم بود که با کتابی با عنوان خدایان یونان که به زبان انگلیسی بود و یک کتاب تک‌درس در دانشگاههای آمریکا،الگنستان، ژاپن، آلمان و استرالیا بود آشنا شدم. کتاب را که خواندم خوشم آمد اما بعضی جاهای آن زا درست درک نکرده بودم. بنابراین دوباره شروع به خواندن کتاب کردم و با هر سفر خواندن آنچنان در دنیای خدایان یونان غوطه‌ور می‌شدم و مشغوف می‌گشتم که قابل وصف

نبرد. به نظر شما چه وجه تشابهی میان اسطوره‌های کهن ما با اسطوره‌های یونان وجود دارد؟

اگر مژخوره نویسنده کان را در انتهای کتاب بخوانید خواهید فهمید که این یونانیانی که در کتاب بحث عقاید و افکار آنهاست همان آسیایی‌هایی هستند که به‌علی مهاجرت می‌کنند و در سرزمین‌های یونان آن زمان سکنی می‌گزینند. آنچه را که ما می‌نویسم به عنوان شباهت بین اسطیر کهن ایرانی و یونانی بیان کنیم این است که هر دو ملیت در آن عهد کهن که وسایل امروزی حیض و عقاید وجود نداشته است. سعی می‌کره‌اند تا عقاید و نظرات خودشان را در قالب داستان‌های پرزیند که به ما از کجا آمده‌ام و به کجا خواهیم رفت؛ این آمد و رفت را آنها تجزیه و تحلیل کرده‌اند و هر کدام از روی این تجزیه و تحلیل برای خود متکب و فرهنگي ساخته‌اند. اگر بپذرت در این متکب‌ها و فرهنگ‌های باستانی تکثیر کنیم همه را در اصل یکی می‌بینیم ولی متأسفانه امروزه به‌علی که دیگر آنها چندان لازم نیست و همه می‌دانیم این فرهنگ‌ها تا حدی تغییر یافته‌اند تا آنجا که همانند بعد مسافت بین دو کشور

حسن اسماعیلی مترجم کتاب «خدایان یونان»

دنیای پرراز و رمز اسطوره‌ها



ایران و یونان، دو فرهنگ نیز از هم فاصله گرفته‌اند. **مؤلفان از چه زاویه‌ای به کند و کاو در اساطیر و خدایان یونان پرداخته‌اند؟**

به نظر من مؤلفان این کتاب از یک جنبه خاص به این عقاید و نظرات یونانیان قدیم که در قالب اساطیر و یا خدایان یونان گردآوری کرده‌اند، نگاه نکرده‌اند و همین تک‌بعدی و یک‌بعدی نبودن زاویه دید ایشان به رشته محدود کنیم که بگوییم فی‌التمل این کتاب تاریخی است یا مذهبی یا داستانی، بلکه تمامی جنبه‌ها را باهم دارد و همین حسن کتاب است و همان است که مرا مجذوب خود کرده است چراکه بایک داستان،

از نسل خودمان

حسین مصوری

نگاه ویژه به شخصیت زن

اوله داشتند. این لقاقرس شو، با موبن نابدمی می‌شد. عهدی به افتخار آن ساخته شده بود اما ماهیت شو به شکل دریاچه مقدسی که نماد فرمودگی پیش از آفرینش است، در بسیاری از پرستشگاهها وجود دارد. در واقع این گستره پهنطور آب قافد حیات، هرگز از هوشی بی‌ناقصانه است.»

اگر به داستان بازگردیم، می‌بینیم که شکلی که پهلوان، دوره همان شکل آهنی است. دایره‌ای که سرخاژ آن آید رنگه و قفاد حیات است. این نوع نگاه شاید گرفته از آن باشد که نویسنده (با توجه به مسائل و شرایط شناختی) به نوعی زایش دست می‌زند و همان اسطوره‌مصری را که موجودی مذکر در تنهایی شکوهمند خویش است نشان می‌دهد که فرزندان خود را متولد سازد؟ (نویسنده هم باقیاس این مطلب همان موجود نه‌است که دست به آفرینش زند، آن هم در تنهایی شکوهمند و رمزآفرین خود در هنگام توشن).

او در عمل زن می‌شود تا در دایش را پشت سر بگذارد. در گفتار ۱۵۷۷ متون هرمی بصراحت ذکر می‌کند که آتوم در مقام خدای خویش را در قلمرو بیایس باز حیات پدید می‌آورد. شگفتی خود را به دست گرفت و بگذر حیات خود را دفع کرد تا قلمرویی شوش و نقرت مراد شوند. او که نمون ازنی تمامی قدرت کوهایی و هستی آسمانی را دربرون خود داشته، دست به این عمل می‌زند تا جاودانه بماند. آنچه که یک خدایی نویسنده در پی آن است(

داستان در یک مجل مقدس رخ می‌دهد. چنانچه در اساطیر مصر نیز در یک مجل مقدس این عمل انجام می‌شود. (در اینجا در تنهایی و خلوت رازآزمیز توشن من).

آنچه داستان را برجسته نموده است ساختن زنی است از نوع انسانی که خصوصیات الهی و ماورایی اش بر خصوصیات زمینی و فیزیکی اش چیره شده است. گویی یک بری است که مودت‌های انسان شده و جری انسانی یافته و حال مرد انسان زمین را برون او در کنارش و آفا و اطراش خسته گردیده است. به همین خاطر او را در پایان داستان به وسیله کارهای مقفاده به آتش می‌کنند تا

نگاهی به داستان «درخت نخسین» از مجموعه داستان «دلیله ای» نوشته محمد رضا صفدی.

آنگونه که در داستان‌های صفدی مشهود است نگاه خاص و به‌یون در داستان‌هایش است. توجه خاصی به آن داشته و در تمام داستان‌هایش آن را مد نظر قرار داده و به فراخور نقش آنها در داستان به آنها پرداخته است. در این داستان نیز به‌یون به‌یون عنوان نیمه‌ای دیگر از جهان هستی پرداخته و به آن توجه نشان داده است. زن در داستان درخت نخسین زنی اولی و لدی است. زنی نیست که از خود قوی، عقلائی داشته باشد. به همین دلیل است که در آخر آنجا، همه انجام می‌دهد فنا می‌شود.

نویسنده می‌خواهد این داستان را در قالبی مدرن ارائه دهد و از آنجا که تم اصلی این داستان، داستان اربیره است زن را به چالش با مردم می‌کشاند.

او در این داستان با توجه به اسطوره‌های زنانه در اساطیر بین‌الهریون و مصر و بابل به ارائه داستانی زنانه دست می‌زند. در این داستان مرده نوعی زن را مسؤلون برپاون زنانه آدم از طبیعت می‌داند. درخت نخسین حکایت اسطوره‌ای و مذهبی است که از زن به عنوان عامل گناه نشانه‌های این مجموعه داستان ارائه کرده است و برعکس‌ها که نویسنده با شناختی از اسطوره‌های کهن و اسطوره‌های پیچیده داشته است، توانسته آنها را در هم آمیزد و داستانی با ساختی پیچیده و مدرن ارائه دهد.

هر چند در اسطوره‌های مصری این «آمون» است که قلمروهای مردم خود را در آسمان ترک می‌کند تا با ملکه حاکم بر مصر همبست شود و بدین آسمان تریب پدر پادشاه آینده شود. اما در این داستان از همبستری این دو چیزی نیست و همجنس‌پذاری از ایشیا به‌طور اخص در آن به تکرار می‌رسد.

این تجربه به دل‌های موجود بر باز، به‌یازمی گرمید به اسطوره‌مصری که می‌گوید ایشیا از آنکه کجایان تجویظ نام‌وار را از سرگذرانده، در تاریخکی ایلیوس می‌گرانه‌ای از آب ساکن وجود داشته. با به‌تصوری که از موجودات

از شر او خلاصی پیدا کند.

در پهلای داستان درخت نخسین، هیچ چیز نمی‌روید. اما بر اساطیر مصری تلویح آبی می‌روید. در درخت نخسین، جهان عیب و یوچ تصویر شده در صورتی که در اساطیر سرچشمه زایدنگی ریفاقت، به‌یادیندیویرانی شو در جای تنهایی شده و یروانه‌ای این داستان شکل می‌گیرد. (خلوات اسطیر که در جای مقدس و معبد است) و داستان را برای تمام مکن‌ها و

زمان‌ها-میراثه می‌کند!

آنچه نیز در افسانه‌های آفرینش و باورهای عامه وجود دارد، هر کدام به نوعی در تکرار مداوم افسانه‌ها و باورها بوده است. حال آنکه در افسانه‌ای که صفدی سازنده آن است و شکلی امروزیین به آن بخشیده است، چیزی وجود دارد که مدرن و بی‌وزارکننده است و در تقابل با ساختی شرقی قرار می‌گیرد. او تمام جهان را فنی می‌کند و در آخر قدرت قالب قدرتی رمزسلازل و مذکر است که در نوع مردم‌با تزیور و فریب تجلی می‌یابد. در صورتی که جهان در اول و آغازش و بنای آن زن‌سالار زنانه بود و خدایان بزرگ همگی در اسطوره‌ها، موجود مادینه و زاینده‌اند!

این دیدگاه شاید، به نوعی اشاره به رابطه شدن آدم و حواست از بهشت، با نگاههای متفاوت تر از آنچه دیگران به آن چشم داشته‌اند.

در داستان درخت نخسین مادرختی را در آن پهلای مشاهده نمی‌کنیم!جمل پهلای که جای درخت خرماس است خالی است. خودنخل نخسین با زایدنگی و باروری است که در شکل ظاهر نیز شباهتی از زایدنگی (نیمه‌آداره که در این داستان از نیز رفته است و جای سیاه و خالی آن مانده و پس، این نیز دلیلی بر یوچی تک‌واژ و عیب بودن جهان از نظر که این نویسنده است. حتی کسی نمی‌آید تا تجلی در جای خدایی کارگردا خورشیدی دوباره طوطی کند و زایش صورت بگیرد. جهان قمیم داستان، همچنان قمیم باقی می‌ماند.

در اساطیر مصر آمده است، که آن نخسینی است که



هم آن را از نظر داستانی بررسی می‌کنیم. هم از نظر تاریخی، هم از نظر دینی و مکتبی و هم از نظر هنر و فلسفه.

نگار ترجمه را از یکی آغاز کرده‌اید و یادکم‌بک این مترجمان صاحب‌نام مراوده دارید؟

من در رشته مترجمی تحصیل کرده‌ام و در همان ایام دانشگاه هم گاهی مونی رایتا به اجبار و به خاطر درآمد آنها ترجمه می‌کردم. البته من تنها نبودم، دانشجویان دیگر مثل من زیاد بودند. اما منظور حرفه‌ای اگر بخاهم بگویم ترجمه یک کتاب از شک به «پین» بوده که خاتمی سیخی به زبان خیلی ساده مراحل پذیرفتن اسلام و حتی ازدواج و زندگی کردن با مسلمانان را در آن آورده بود و همان‌طور که کتیم در تمامی ترجمه‌هایی که به‌صورت کتاب بوده است، سعی کرده‌ام فکر و ذهن و وقت خواننده را ضایع و بیه‌تکم و سبب شوم که دعای خیری پشت سرم باشد.

در خصوص مراوده با مترجمان متأسفانه خبر. اما از آقای فیض‌الله مصوری ترجمه‌های ایشان بسیار خوشم می‌آید. همیشه سعی کرده‌ام ایشان سزقیم باشد ولیکن بتازگی و مدتی‌ها به‌رخی کتاب‌ها ترجمه ایشان چاپ می‌شود و آن هم به‌خاطر فروش آن کتاب‌ها که جلوی این کار، باید حتماً گرفته شود.

نخسین‌ها را متولد می‌کند. اما در درخت نخسین، درخت نخسین هست اما نخسین‌ها را متولد نمی‌کنند!بگه سعی در میان بودن آن نیز دارم!

در این داستان حتی نوع‌دلی از قوچ و یازن نیز به کار می‌رود که باز به اساطیر مصری بازمی‌گردد. اسطوره‌هایی که بخش بخش داستان درخت نخسین از آن بهره برده است. از آن داستانی متفاوت ساخته است. شاید یکی از بهترین داستان‌های کوتاه این دهه با توجه به نقش زن همین داستان باشد. که توانسته هم مکتوبات رایشی یک نویسنده را در قالب زن و هم نوع نگاه خصی به زن را در جامعه رمزسلازل به نمایش بگذارد. نثری که عفاذی در این داستان از خود نشان داده است قابل ستایش و ترافقت است. هر چند که در این داستان دیدگاه نویسنده تاریک و سیاه و عیب است اما روایتی از یک عشق ماورایی انسان را به موجودی دست‌نیافتنی ارائه می‌دهد. زن و درخت نخسین به عنوان عشقی زمینی و رو به انحطاط است به ماورایی است که انسان از ساخت آن فرود شده است و در تنهایی خویش متفرق از باورهای خود شده است و این همان فاصله گرفتن از معنویات و دین‌گرایی و اعتقاد به موجودی ماورایی است که او در این جهان آن تا بازمانده است. صفدی بااین داستان نشان داده یکی از داستان‌ریسان عمو و صاحب‌فلسفه است. به امید آنکه کارهای بهتری را از این نویسنده شاهد باشیم.

کتابنامه:

- اسامینو: صفدی، محمدرضا، چاپ اول، بی‌شوا، ۱۳۸۰.
- تله ای، صفدی، محمدرضا، چاپ اول، زریاب، ۱۳۷۷.
- فرهنگ اساطیر مصر، ویوز، ترجمه اسماعیل پور، ای‌لقاسم، چاپ اول، فکروز، ۱۳۷۵.
- اسطوره‌های مصری، هارت، جین، ترجمه مخیر، عباسی، چاپ اول، مرکز، ۱۳۴۴.
- اساطیرهای کهن بین‌الهریون، کمال، فریدنا، ترجمه مخیر، عباسی، چاپ اول، مرکز، ۱۳۳۳.
- مجلات گروون، آپونه، گزارنده و هفت‌نامه پیدام پوشش‌شده‌های مختلف.

سطح جهانی و ملی را بررسی و از آنها استفاده کنم و نیز سعی کردم همه آنها را به یک شخصه ملموس و قابل فهمی تبدیل کنم و درخشان و معطومات را هم در سه سطح علمی، فیزیکی و بانگیزی را یک یک تعریف کنم و مناسب با هر کدام از آنها از یک روش متناسب‌تر علمی استفاده کنم.

می‌توانید در همین زمینه مثالی بدهید؟

بله، برای مثال، برای بررسی شاخص‌های کمی از مطالعات تاریخی، برای بررسی شاخص‌های کیفی از تحلیل محتوا، و برای شاخص‌های بانگیزی از تحلیل پیشتر استفاده کردم. البته باز هم تأکید می‌کنم که بیشتر از آنکه این تحلیل حاصل کار خود من باشد، تلاشی است برای ارتباط دادن به تحقیقاتی که دیگران هم انجام داده‌اند و سعی شده بین حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی و ارتباطی انسجام ایجاد شود.
شما در تعریف و بررسی نهادهای مدنی از تعریف انتی‌دشمنانه چون ماکس وبر استفاده کرده‌اید. آیا مجموعه نهادهایی که در ایران آن زمان حضور و بروز داشته و شما از آنها بهره‌ا برده‌اید، به تعریفی که ماکس وبر می‌توانید در همین زمینه مثالی بدهید؟
ناتلس من این بود که مجموعه کتاب بریک تجربه بومی مبتنی شونده لذا بر فلسفه و روح نهادهای مدنی تکیه کردم و مدعی من این است که این نهادهای مدنی در دوران قبل از تجدید امرانه و شاهانه از یک فورت و قدرتی برخوردار بودند، چون دشمنان یا تنجه وجودی آنها کنترل قدرت سیاسی در ایران بود.

پس چرا نام نهاد؟

چون در دوران تجدید امرانه یا سرکوب و یا سانس شده‌به‌عبارت‌های‌هم نهادهای جدیدشکل نگرفت‌به‌تعمیر و تقویت مآدرا، این دوره به‌خلاقانه‌های مدنی دچار شدیم. در متن کتاب می‌بینید که از نهادهای سنتی و عرفی اثری باقی نمانده ویا شکل انحرافی و تحریف‌یافته‌ای از آن باقی ماند و از نهادهای جدید (اصم از احزاب و نهادهای صفتی) که می‌توانستند پشتوانه قدرت و فورت و معطومات باشند نیز چیزی جز اشکال یا صوری برای ارضای تمایلات و تعصبی که قدرت خودکامه داشت، شکل نگرفت.

به دلیل قبل فقر یا ضعف نهادهای مدنی در حوزه جامعه مدنی در کشور ما بانی ماند. من فکر می‌کنم که ضروری است در هر مطالعه بوردی در جامعه خودمان برای اصولی که عوامل متغیر در آن فراوان است (از مذهب گرفته تا فرهنگ و تاریخ) تعیین کرد و یا اینکه سعی کرد این سیرداد را به تمامی این جوامع نسبی داد. مگر خود توسعه که بسیار کمی است(در جوامع توسعه‌یافته کشور، واحد است یا حتی پدیده‌های جدید، مثل جهانی شدن، آثار و تابشش در جوامع مختلف یکسان است؟ تعبیری که مازکر دارد درحود توجه است که جهانی شدن یعنی یک جهان وارد درحود هم می‌تواند چنین بسازد. به تعبیر من بحث جامعه مدنی هم در این مورد نیست. ما نباید به دنبال این باشیم که صورت‌بندی‌های بورئی نهادهای مدنی را در ایران جست‌وجو کنیم. بهترین اتفاقی که در کشور در زمینه ارتباطات و بخصوص معطومات روی داده، این بود که ما دچار نوعی بود و خلاقانه‌های مدنی شدیم؛ شکل سنتی آن را دست داده‌ایم و شکل مدرن آن را هم جایگزین نکرده‌ایم.

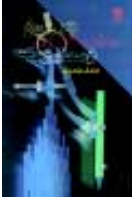
اگر خوب نظر شما را درباره جامعه مدنی توسعه بدیم می‌آموزد، یعنی پیش از پس از دوم خرداد نیز بسیاری معتقدند، چون نهادهای مدنی توانستند شکل بگیرند، لذا بار تمامی آنها بر روش معطومات افتاده است. آیا اینکه در این همه زمان‌ها یا هم نهادهای مدنی رشدی نداشته‌اند، بر فرضیه شما در این باره عخشه وارد نمی‌کند؟

اگر ما خواستیم با نظر استاندارد عملی خودمان، از جنبش اصلاح طلبانه‌ای که در سراسر جامعه را فرا گرفت، تبیین و تعریف کنیم و برایش شاخص علمی پیدا کنیم، حتماً باید به تناسبات آن نهادهای مدنی شکل‌گیری و این نهادهای مدنی هستند که می‌توانند، هم باری از دوش قدرت سیاسی بردارند و هم متقابلاً قدرت نظارت بر قدرت سیاسی را افزایش دهند. به تعبیر دیگر، در دوران پس از دوم خرداد و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ما با ضرورت‌هایی چون کنش و اندرکنش میان حکومت و جامعه مواجه می‌شویم، یعنی آن کاهش شکاف‌های تاریخی میان نهاد حکومت و جامعه است. این خلاق را چه

چیزی جز رشد نهادهای و مناسبات مدنی می‌تواند بر کنده؟ اگر این خلاق وجود داشته باشد، به تعبیر خود شما حتماً سوزیز می‌کند به نهادهای دیگر و آنها جایگزین نهادهای مدنی می‌شوند، در حالی که تعریف واقعی و علمی آنها ایجاد می‌کند که این حجم از وظیفه را حمل نکنند. تاریخ گذشته ایران نشان داده که به دلیل ضعف و فقر نهادهای مدنی دیگر، نهاد معطومات جایگزین آنها شده و بار آنها را به دوش کشیده است. با این توضیحات اگر بخواهیم مسأله را بررسی کنیم، می‌توانیم با همین مؤلفه‌ها و متغیرها توسعه معطومات را تابعی از دو متغیر اصلی فرض کنیم. یعنی تحولی که در ساخت قدرت سیاسی انجام می‌گیرد و نیز در میزان مشارکت مردم، میزان تقدیبری حکومت، میزان آزادی‌های سیاسی که مورد توجه و اقبال بیشتر قرار می‌گیرد و از آن جدی‌تر شدن مفاهمی چون توسعه سیاسی از آن سوزناخ‌هایی هم برای توسعه نهادهای مدنی انجام می‌گیرد. من لایم هم فکر می‌کنم مدل چهارگانه (یا دو متغیر اصلی و دو متغیر واسطه) در حوزه توسعه سیاسی و متغیر بعدی یا متغیر تابع این وضعیت که معطومات است (با سه مشخصه کمی، کیفی و بانگیزی) در این مرحله قابل شناخت است. البته در مجموع در این امر عامل اصلی توسعه سیاسی گرفتیم و تابع این وضعیت را معطومات فرض کردم. ممکن است در شرایطی این دو رابطه برعکس داشته باشند که من فکر می‌کنم در جامعه امروز ما این وضعیت را مقایسه و شناسخت‌های بیشتری با توزیع قدرت و توسعه نهادهای مدنی می‌توانیم ارزیابی کنیم. در نتیجه توجه به معطومات، در این دوره علی‌رغم فراز و نشیب‌هایی که داشته است...

دکتر یونس شکرخواه آقای عابدینی، شما از جامعه‌شناسی به ارتباطات کشیده شدید و طبیی است که همین سطر، دیدگاهها و نظریات شما را بسیار کاربردی و بومی می‌کنند. از طرف دیگر سببهای طولانی در معطومات داریه و طبیی است که چنین تحقیقی از شما به بازار عرضه شود. سوال ما این است که شما به فکر ارتباطات و یابان تجارت جامعه‌شناختی و معطوماتی با تمرکز بر همین مفهوم برنامه‌نگاری و تمرکز قدرت، علاقه چه نوع ادبیاتی را در زمینه ارتباطات و کتاب‌های روزنامه‌نگاری حس می‌کنید؟

در زمینه روزنامه‌نگاری خود شما صاحب‌نظر هستید و می‌دانید که متأسفانه ما وزارت یک رنج تاریخی هستیم، رنجی که ریشه در حوزه تجربی داشته و به ریاضیات‌ها و دستاوردهای علمی بی‌توجه بوده است. به تعبیر و تقویت روزنامه‌نگاری را صرفاً در محدود یک ذوق و یا تکنیک تجربی و آن هم تجربه خاص و محدود یک نسلی محدود و محصور می‌کرده‌اند. در واقع این گروه معتقد بودند روزنامه‌نگاری را فقط و فقط بای دستگاه‌های چاپ و تحریریه معطومات می‌توان گرفت. از آن سو یک نگاه صرفاً آکادمیک و دانشگاهی وجود داشت که معتقد بود روزنامه‌نگاری را باید در لایه لای همین متن و نظریات ارتباطی قرار گرفت. این دو گروه در عمل کنتر یا یکدیگر گفت‌وگو کردند. به عبارت دیگر اگر خواستیم بایسم برای گفت‌وگری میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مدنی ارتباطی پیدا کنیم، کمتر گفت‌وگری میان حوزه تجربه و حوزه نظر انجام گرفته است. اگر کسی سنتی آن را دست داده‌ایم و شکل مدرن آن را هم گفت‌وگو داشته باشیم، می‌گزیردی بوده که در آن کسی نظر خود را بیان کرده است و این نوده که تعامل با کنش و اندرکنشی باشد که پرسش‌هایی از حوزه تجربه مدون و علمی شود و از حوزه دانشگاه یا حوزه نظر پاسخ‌هایی داده شود و نه تنها به عنای ادبیات



ارتباطی و معطوماتی در کشور خود ما بلکه به عنای ادبیات توسعه در جهان هم محدود خود شما شاهد هستید که تجارب محصور به فردی در کشور ما وجود داشته و وجود دارد که اینها قابل عرضه و ارائه در عرصه نظری جهانی است، اما به دلیل عدم آشنایی با ضرورت‌های علمی، با بی‌اعتمادی نسبت به اینکه روش‌ها، حتی اطلاعات و دریافت‌های فنی ما از کار هم متأسفانه عرضه و ارائه نشده است. این وضعیت، تازه در حوزه محدودی تحت عنوان روزنامه‌نگاری و دانش ارتباطات وجود دارد. من به عنوان یک فرد علاقه‌مند و دغدغه‌مند نسبت به این حوزه معتقدم هر چند عصریتر به حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری وارد شوم، مجبوریم آن را در یک سبهر ارتباطی و ارتباطات را در یک منظر اجتماعی و هر دوی آنها را به صورت به هم پیوسته بشناسیم. لذا امروز دیگر نمی‌توان ارتباطات را مستقل از جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، زیان‌شناسی و مدیریت دید. حال، وقتی ما در این جهان تیزور و پیچیده و چندوجهی قرار می‌گیریم، برای درک دقیق و صحیح آن، به توسعه حوزه‌های میان‌رشته‌ای نیازمندیم.

اگر از من بپرسید که نقد نظری روزنامه‌نگاری در ایران از چه می‌داند و یا اینکه فکر می‌کنید،



روزنامه‌نگاران ما بیشتر در چه حوزه‌ای باید کار کنند، باید بگویم که به سمت همه‌دانه‌نگاری گرایش پیدا کنند و از وضعیت بخشی و تکنیکی دیدن کار فرزند بزرگوار می‌دانید که ارتباطات را مستقل از پدیده جهانی شدن نمی‌توان دید و فهمید و جهانی شدن را هم مگر می‌توان بدون دستیابی به وسعت نظری در حوزه فرهنگ، به‌طور خاص، شناخت؟ پس همه اینها ایجاد می‌کند که پیش از گذشته، هم جهان را بشناسیم و همه جامعه خودمان را. من روی شناخت هر دو تأکید می‌کنم، چون از آن طرف باید به ویژگی‌های زمانی و نوع نگاه مدنی که جامعه به جهان دارد توجه کنیم. باید بدانیم که ایران، ایران اسلامی است و نقطه تلاقی آن عقلائیت و عشق است و وقتی در این نقطه تلاقی قرار می‌گیرد، ویژگی‌های زمانی پیدای می‌کند که در حوزه روزنامه‌نگاری باید به آن توجه شود؛ وگرنه ارتباطی برقرار نمی‌شود. برای نمونه اگر شما به مشخصه گفت‌وگری در فرهنگ شاخه‌ای ما توجه کرده باشید، می‌بینید که اگر مضمون گفت‌وگو نزناید، دو تکنیک روزنامه‌نگاری ممکنش شده، ارتباطی برقرار نمی‌شود. ما باید مشخص کنیم که روزنامه‌نگاری را جزئی از ارتباط می‌دانیم یا نه؟ اگر آن را جزئی از ارتباط می‌دانیم، آیا قرار است مفهوم مشترکی منتقل و یا ممکنش شود یا نه؟ ما باید مشخص کنیم که روزنامه ار رسانه می‌دانیم یا نمی‌دانیم؟ که تنها می‌خواهیم پیامی ممکنس یا منتشر شود. شما بهتر می‌دانید که رسانه می‌تواند به نارسانه هم تبدیل شود و اگر در ظاهر پیامی را منتشر کند، در باطن کسی آن را دریافت نکند. با این مقدمات فکر می‌کنم تعیین نسبت بین روزنامه و ارتباطات و نسبت بین ارتباطات و گفت‌وگو، تعیین‌کننده حوزه ادبیات مورد نظر هم هست.

خوشبختانه در این زمینه تلاش‌های فراوان و موفق صورت گرفته و در بازار کتاب هم که قراره شود، یکی از حوزه‌های درحود توجه. چه در زمینه تألیف و چه در زمینه ترجمه، حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری است. اما اینکه این توفیق، به‌عبارت برسد که پاسخگویی نیازهای ملموس ما باشد، هنرترانه

درازی در پیش داریم.
دکتر یونس شکرخواه، شما در توئگی درباره ماه چهارم شخصیتی هستید. نمونه آن بحثی بود که پدیده ارتباطات جمعیتی جامعه، هرم سنی جوان و گسست نسلی یا درباره مفاهیم مدنی در این کتاب و سخنرانی‌ها و مقالات مختلف داشته‌اید. سوال من این است که ما از یک سو و به شکل نسلی به این پدیده‌ها دست پیدا می‌کنیم و از یک طرف سطح معطومات مردم بشدت بالا رفته است. بر این موارد باید مطالباتی را که مردم در طول تاریخ داشته‌اند هم افزود. فکر می‌کنند مردم این حرف‌ها در حوزه نشر و کتاب چگونگی باید صورت بگیرد؟

به نظر من خطر نشر در جامعه معرّف و وضعیت متناسب با پارادوکسیکال است. اوری اوردن به جنبه‌های بسیار تخصصی که در آن نوع فراوانی وجود دارد (درآراره کیفیت کتاب‌ها داری نمی‌کنم)، دوم توجه به روگریدی تحت عنوان فرهنگ‌ی شدن نشر است. به عبارت دیگر نزدیک شدن به یک مرکز و یا نزدیک شدن به وجه مشترک در میان حوزه‌های مختلف است. به عنوان نمونه شما شاهد بوداید که کمتر روزنامه‌نگار یا دانشجوی خواندن نظریات روان‌شناسی را جزه نوا لوم کارلش یاداند و یا تحولاتی که در پروگرام‌سی به وجود می‌آید را در سبهر مطالعه‌ی خود قرار دهند. از آن طرف می‌بینید که ارتباطات جزوه معطومات و بخش‌هایی شده است که در دین‌شناسی، اقتصاد، سیاست و... و حتی حوزه‌های همسند مورد توجه قرار گرفته است. این خود به خود وجوده و یا لادامایی یا مشترک را در بازار نشر مطرح کرده است که اگر خواستیم بایسم موارد و مصادیق آن را بگویم، می‌توانیم در پرداختن به جامعه اطلاعاتی، جهانی شدن، فرهنگ و قدرت فرهنگ و نسبتی که بین فرهنگ، اقتصاد و سیاست و نظایر اینهاست و همه آنها سایه‌شان را روی حوزه ارتباطات انداخته‌اند، مصادیق آنها را پیدا کنیم.

به نظر من اگر بازار نشر در چند سال گذشته و در زمینه ارتباطات نگاه کنید، ترکانی را در حوزه‌های نشری شاهد هستید و از دیگر سو حوزه‌ای ما می‌بینید که به وجود سطوقی و تاریخی معطومات (که بررسی استادی و چه بررسی جامعه‌شناختی) نگاه شده است و به نظر من روند رو به رفتی را در زمینه هدیین و موضوعات ارتباطات داشته‌ایم که خود این هدیین تابعی از متغیرهای جهانی است. چون به دلیل جوان بودن و پرتنش بودن تجرات ارتباطی، بازار نشر در جهان نیز در این حوزه فعال و پویاتاب است.

الان چه کتابی از مطالعه می‌کنید؟

در زمینه ارتباطی آخرین کتابی که می‌خوانم، کتاب «ایدولوگ» اثر بوهم است که آقای حسین نژاد آن را بخوبی ترجمه کرده است. قبل از این کتاب، اثری را می‌خواندم که نام «مضرب اطلاعات و ظهور جامعه دانشجوینان» توصیه کرده‌ام که کتاب سه جلدی مابرتل کاستنر به نام «مضرب اطلاعات و ظهور جامعه شبکه‌ای» است که یک سالی است انتشارات طرح آن را به بازار عرضه کرده است. این کتاب هم ترجمه عربی دارد.

به دلیل مشغله کاری فراوان تدریس من به حداقل رسیده است و تنها دو درس (یکی در دوره کارشناسی ارتباطات توسعه و دیگری در دوره کارشناسی ارشد مدیریت بحران‌های ارتباطی) داده که سعی می‌کنم آخرین مطالعه تاریخی و دانشگاهی را مطالعه و بازتبرین مفیدترین آنها را به دانشجویان معرفی کنم. بخش دوم دغدغه‌های من این است که مطالب برخی نقطه نظرات را که به لحاظ تجربی و مطالعاتی به آن رسیدم، مدون کنم. قبلاً اشاره کردم که من از یک حوزه عملی وارد کار و مطالعه روزنامه‌نگاری شدم. هر چند در کار روزنامه‌نگاری قرار گرفته‌ایم البته این دوران از بهترین دوران عزم دایم، سعی کردم برای آن مانی و دلایل نظری پیدا کنم و آنها مدون کنم. به همین دلیل در زمینه ارتباطات، پایان‌نامه دوره دکتری است که نسبت میان گفت‌وگری فرهنگ‌ها و تمدن‌ها یا ارتباطات چیست که نظرم من این است یا معنیه‌ای که می‌توان از همه عده پائینی قره بیستم به دست داد تغییر گفتند. هم به سمت گفت‌وگری بیشتر بین تمدن‌ها رخ داده که می‌توانیم پس از تدوین نهایی انتشارش دهیم.

دانش آموز سال های دور

دانش آموز سال های دور این هفته ما امین الله رشیدی، خواننده و آهنگساز، علاف خوش ذوقی است که بزرگوارها قطعا صدا و ترانه‌ها و مصاحبتش را به یاد دارند. رشیدی را باید یکی از نخستین چهره‌های موسیقی و ترانه‌سازی نام نهاد که پس از وی موسیقی گذشته علاوه بر نوشتن کتابی به نام «از کاشنه تا کاناری» مجموعه‌ای از ترانه‌های دهه های ۳۰ و ۴۰ خود را در چند کاست روانه بازار موسیقی کرده است. رشیدی سروده است ۷۵ سال سن همچنان جوان و سرزنده است چنان که خود می گوید: «کار نوشتن خاطرات خود را در گذشته به ۶۰۰ صفحه تمام کرده و به زودی آن را روانه بازار نشر خواهد کرد.

وی در خانواده‌ای پرورش یافته که کتاب و کتابخوانی جزء زندگی روزمره آنها بود. در هر حال علاوه بر رشیدی که در رشته موسیقی سرآمد شد، بهرام پشایی که پرسودی پدرش است نیز در این مسیر صاحب منزلت و امنیاری محسّر به فرد شده است.

گفت‌وگو کتاب هفته با یا یی بوخالیته.

آقای رشیدی! اولین مدرسه‌ای که در آن تحصیل کردید به یاد دارید؟
بله. اولین مدرسه‌ای که من در آن درس خواندم، به یادگاری باولی کاشان معروف بود که در مسجد واقع شده بود. در آن سال ما مدارس هنوز دولتی نبود، یعنی به صورت خصوصی اداره می‌شد. معلمان مدارس معلمان بودند. معلم مادر من، سید حسن امامی از خانواده‌های محترم کاشانی بود.

فشاری درس خواندن در مسجد چگونه بود؟
هر دانش آوری یک کلاس به همراه خودش می‌آورد و زیر پوشش می‌دانشات، خود را آموزش می‌دهد. خیلی نبود. در کنار درس، می‌توان فرانت قرآن هم می‌آموختیم. از ویی هم چیزی، قرآن بلد می‌گردیم.

تا چه مدتی در مسجد درس خواندید؟

تا چه اندازه‌ای که مدارس دولتی دایر شد ما را به مدرسه دولتی انتقال دادند.

نام مدرسه را به یاد دارید؟
دستانت شامپور بود که در محله کوچک باغ کاشان واقع شده بود و من آن کلاس ششم آنجا درس خواندم. بعد به دبیرستان رفیق رفتم و دوره متوسطه را گذراندم.

از تحصیل در مدرسه چه خاطره‌هایی دارید؟
بله. از معلمان آن زمان ما مرحوم سید مرتضی، پدیر دکتر احسان زاری بود. این نکته را هم بگویم که مرحوم زاری و همسرش شایه یک‌کار فرهنگ و مدارس به سنگ جدید در کاشان بودند.

در دوران کودکی آنان مطالبه می‌کردید، یا اینکه مشغول بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکانه تان بودید؟

بازی و شیطنت او ویژگی‌های دوران کودکی و امری طبیعی است. همه بچه‌ها بازی کردن را دوست دارند و من هم به همین صورت بازی با این وجود از همان زمان عاشق کتاب‌های شعر بودم و آثار شعرا را می‌خواندم. چون من در یک خانواده ادب و شعر پرورش می‌یافتم، پدر بزرگم من مرحوم ادیب پشایی کاشانی پدرش مرحوم برکو پشایی و حتی برادرها مرحوم ادیب، آقای زاکایی پشایی پدر همین بهرام پشایی سینماکار اهل شعر و ادب بودند.

بنابراین شعر و شاعری نسل اندر نسل به خانواده ما منتقل شده به نحوی که ما هم هم ذوق شعر داشتیم. پدرم می‌آید وقتی در دوره نعلانی بودم، به دبالت کتاب گلستان سعدی بودم یا اینکه با مراجعه به کتابفروشی‌های متعددی موفق شدم یک

دانش آموز سال های دور

مریم جباری

گفت‌وگو با امین‌الله رشیدی آهنگساز و خواننده شیفته گلستان و ژیل بلاس

گلستان سعدی (دست چندم) آرا تهیه کنیم. از وقتی کتاب گلستان را خواندم علاقه‌مندی‌ام به شعر فرونی گرفت و در آغاز آن اثر سعدی منلو از عبرت دیدم است. به قول آقای جعفر بوزائیدی که درباره مقدمه گلستان که این گلنات آغاز می‌شود منتت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است. و... گفته است. گلستان سمفونی شوهرمندی است.

با این حساب بیشتر دنیای کودکی و نوجوانی اتان را با خواندن کتاب‌های شعر و ادبیات گذرانده‌اید؟

بله. یادم می‌آید که دیوان حافظ را اولین بار در سال ۱۳۱۹ با مقدمه دکتر محمد معین خواندم. حافظ وسعی همیشه حدم و همنس من بودند.

در خواندن کتاب‌های شعر سعدی و حافظ از کسی تشکی نمی‌کردید؟

نه. تحصیلات قدیمی خیلی عمیق تر و اساسی تر از تحصیلات جدید بود. بنابر این با توجه به محتوای کتاب‌های درسی قدیم خواندن و درک آنرا یل گلستان سعدی برایم آسان بود.

چه زمانی بیشتر مطالعه می‌کردید؟

هر وقت فرصتی پیدا می‌کردم. کتاب‌های غیردرسی می‌خواندم. پدرم می‌آید در دوران دبیرستان یکی از همکلاسی‌هایم به نام محمود مشیر که



کتاب سحرآمیز کعبه در اروپا اثر محمدعلی فرعی را بخوانم.

چه چیزی باعث شد که شما به دنبال کتاب گلستان سعدی بروید؟

مرحوم پدر بزرگم کتابچه‌ای داشت که در آن زمان در حد خودش می‌تغیر بود و من کتابچه گلستان سعدی را دو کتابخانه پدر بزرگ دیدم. بخش‌هایی از آن را خواندم و خوشم آمد. به همین دلیل تصمیم گرفتم کتاب را پیدا کنم.

به چه شعر، داستان و رمان هم می‌خواندید؟
بله. بعد از فوت پدر بزرگ بر حسب کنکاش‌هایم، به کتابخانه اش رفتم. کردم از بین کتاب‌های کتابخانه کتاب ریاضیات خیرم و کتاب رمان ژیل بلاس را پیدا کردم و خواندم. مهمان ژیل بلاس و آقای برام چالب و خواندنی بود. به نحوی که وقتی دو سال قبل در فروشگاه کتاب نشتر کارنامه چاپ جدید کتاب را دیدم، دوباره آن را خریدم و به یاد روزهای دانش آموزی یک‌بار دیگر برآفتم تمام کتابخانه‌ی.

ازین قلم‌های مدرسه به چه درس‌های علاقه داشتید؟

فارسی، ادبیات و انشا.

به هنر هم علاقه داشتید؟ نقاشی، خطاطی و...

بله. در آن زمان در زمینه نقاشی قالی آموزش دیدم و خیلی زود به مرحله طرح‌های رسیدم.

خود هم شعر می‌گفتید؟

بله.

از چه زمانی؟

۱۵- ۱۶ سالگی.

اولین شعری را که سرودید به یاد دارید؟ فقط یک یا دو بیت را به یاد دارم.

چشم گیتی بازی می‌بیند به خود خرم بهاری
دشت و بیستان پر از گل، باغ و صحرا لاله‌زاری

در مجالل ادبی هم حرکت می‌کردید؟

بله. در آن مجالل کاشی شعر هم می‌خواندم. گاهی اوقات هم هرمان چه‌ها هم من ملالام به مساجد می‌رفتم و وقت سحر، در گلسته‌های مساجد مناجات و زیارتنامه می‌خواندم. ملالامی خواندم.

**شعب خیز که عاشقان به شب راز کنند
گرد بر ویام دوست پرواز کنند
هر جا که دربی بود به شب در بنفند.**

الا در دوست را که شب باز کنند
ناله‌های شبانه خاطر موقعیت گویری شهر کاشان،
بالای پشت‌بام کافه کالی خانه مان می‌خواندم و بعد از نیمه شب صدای مرغ حق می‌خاست. البته کسی نیمه شب صدای مرغ حق بعد از نیمه شب، اقتدر روایت می‌کنند که مرغ حق بعد از نیمه شب، اقتدر مرغ حق را ندیده بود و فقط صدایش شنیده می‌شد.
حق حق می‌کنند تا خون از گلوش جاری شود، من از صدای مرغ حق ناخبر زباید می‌گرفتم، چنان‌که در ارباب جوانی وقتی به تهران آمدم روی این صدا تصنیفی ساختم:

ناله مرغ حق این شع و دل پر خون کرد
چهره زرد از غمت خوین گلگون کرد

محو جوش ز جلدایی‌ها زاری‌ها بود

از سر تپ تا صحبت پنداری‌ها بود
بعدا وقتی به هنرستان موسیقی و کلاس موسیقی رفتم روی این تصنیف کار کردم و خودم تصنیف را خواندم.

آقای رشیدی، از روحيات دوران کودکی اتان بگوئيد.

من کلاچه بازیگوشی نبودم.

یعنی هیچ وقت شیطنت نمی‌کردید و یا گاهی اوقات شیطنت می‌کردید ولی هیچ چیز آنقدر وقت‌گیر نبود؟

تئیه در دوران دانش آموزی اتان رایج بود؟

بله. من از درس همدس و ریاضی خسته شدم و در این زمینه‌ها ضعیف بودم و به همین خاطر گاهی اوقات تئیه می‌شدم. البته اکثر بچه‌هاییت می‌شدند. ما دست‌هایمان را جلوی می‌آوردیم و معلمان کف دستمان را شلاق می‌زدند. البته فلک و اشک‌نک اذاد گذاشتن لای انگشتان دست) جزء تنبیهات رایج آن زمان بود.

این تنبیهات چه تأثیری در روحيات شما می‌گذاشت؟
تأثیرات منفی یکی از تأثیراتش فرار از مدرسه بود. ما بعد از تئیه از مدرسه فرار می‌کردیم و خودمان دنبال ما می‌آمد ما را پیداکنند. سأسفته‌ها فرار ما را پند می‌کرد و ما را به زور به مدرسه می‌برد البته بعدا با یاد شدن مدرسه دولتی این مسائل حل شد و دیگر تنبیهی در کار نبود.

در دوران دانش‌آموزی اتان تقلب می‌کردید؟ خیلی کم. شاید در زمینه حساب و هندسه که ضعیف بودم.

چه مجلاتی می‌خواندید؟

مجله ترقی سیاه...

در حان حاضر به کتاب‌هایی می‌خوانید؟
خاطرات تاریخی و نیز کتاب‌هایی در زمینه موسیقی خواندم.

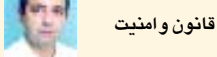
تا روزی که کتابی که خواندید چه بود؟

خاطرات سعید نفیسی که از سوی آقای اعصابی جمع‌آوری شده و نشر مرکز آن را در قطعی قطره منتشر کرده است. این خاطرات مرا به یاد روزهای جوانی‌ام انداخت.

به نظر شما کدام بخش از زندگی مانند موسیقی ریتم دارد؟

به نظر من، همه حرکت و پویایی از زمان خلقت با ریتم شروع می‌شود. مثل نفس کشیدن، راه رفتن و...

راسته کتابفروش‌ها



نصرالله حدادی

نصرالله حدادی

علی‌اسغر رفصانپور: نگارنی‌های موجود برای توسعه کینی‌اشتر کتاب اصلا آفاری و قانونی نیست. بلکه آنچه نگران کتب است، تمام فضای سیاسی صدور مجوز است که موجب از بین رفتن انگیزه‌های ناشر و نویسنده در طرح مباحث نو و شگرف‌های اندیشه و ظهور خودمناوسری شده و فرهنگ مکتوب ما را با رکود و بحران مواجه می‌سازد. کما اینکه گزارش‌های آماري موجود از وضعیت نشر کتاب طی شامعه اول سال جاری نشان‌دهنده تأثیرات منفی این فضا بر رشد کتاب‌های ادبیات و فلسفه است و ما در این دو حوزه نسبت به زمان مشابه سال قبل دچار کاهش شدید، قطعا در حال حاضر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی نشر و چاپ کتاب نیست، چرا که معیارها و ضوابط این وزارتخانه برای انتشار کتاب و مجوز چاپ به رسمیت شناخته نمی‌شود. (همشهری، سه شنبه ۱۳۹۹/۸/۲۴)

وقتی نوشته بالا را از قول آقای رفصانپور خواندم، ناگهان به یاد فیلم «زندگی روت» افتادم که بارها از فضای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. نامش آن در هیچ دقیقه پانتهای فیلم خلاصه می‌شود. داستان فیلم این قرار است که پدری به همراه فرزند خود روت و پس همسایه بازی شنا به کنار دریا می‌زند. پدر در کنار ساحل نظاره گر نشانی این دو کودک است. به ناگهان دریا طوفانی می‌شود و هر دو مجروح می‌شوند. پدر فرزند خود و پس همسایه را به بیمارستان می‌رساند. در بیمارستان به عقد خود روتی، پزشک فرمان تزوی خون می‌دهد. پدر روت به علت اعتقاد و باور به مکتب یهودیتش از تزویق خون نه فرزند خود جلوگیری می‌کند. فرزند همسایه پس از تزویق خون، حاشش خوب شده و بیمارستان را ترک می‌کند و روت، هر لحظه حاشش بحرانی‌تر می‌شود.

مادر روت از پدری می‌خواهد که رضایت دهد تا فرزندش نجات یابد، اما پدر قبول نمی‌کند و بر اساس اعتقادات خود، آن را گناه می‌شمارد. پزشکان و سوزن‌لان بیمارستان مجامعت می‌کنند. کاری صورت نمی‌گیرد و روت، هر لحظه به مرگ نزدیک‌تر می‌شود. پزشک «روت» پدر را تهدید می‌کند، اما پدر همچنان بر سر حرف خود استوار است و تهدیدهای مادر روت هم کار ساز نمی‌افتد. روت برای همیشه چشم از دنیا برمی‌بندد. پدر روت و پسر عیج آن شب منتح می‌شود. عده بسیار زیادی به عقد پدر روت در برابر بیمارستان جمع می‌کنند. سپس بیمارستان به دادگاه جلبک می‌برد و خواستار پرداخته‌ایم و مستند، حال بر شما مست است تا ببینیدش که کدام را باید انتخاب کرد.

دادگاه و در شور می‌شود و پس از چند دقیقه، دادگاه از پدر روت رفع اتهام می‌کند و در برابر اعتراض حاضران در دادگاه می‌گوید: حق فرعون اساس ما عقیده و مرام یهودیت‌ها به رسمیت شناخته شده و قائل اعتقاد است و قانون از آن دفاع می‌خواهد. کرد من به عنوان رئیس دادگاه از برگ روت بسیار متأسفم. ما زاری به دست آوردن آزادی، خون‌پهای بسیاری در دادگاه‌های عقبتش عقاید در فرون وسطی پهرین شاهد و مدعیان من هستند. حال بر شما مست است تا ببینیدش که کدام را باید انتخاب کرد.

اگر چنانچه به نظر شما، قوانین ما دارای نقص هستند، به نمایندگانی رای بدهید تا ما در تجدید نظر کنند. و اگر آزادی را پاس می‌دارید، به فرزند پدر روت احترام بگذارید. هر چند که عقیده او باعث از دست رفتن فرزند شده است، من به عنوان رئیس دادگاه به آزادی عقیده‌ام و می‌دهم و ممن ابراز تأسف عتیق و دوباره تکرار می‌کنم، چه خون‌ها که در پنده قانون، به وسطی بر زمین ریخته نشد، تا ما آزادی را به دست آوریم و به پنده قانون، به زندگی راحت پدر بزرگم، انتخاب یا شمامت. اما قانون رای بر برات پدر روت می‌دهد و به این ترتیب او را آزاد خواهیم ساخت.

حاضران از دادگاه شنیدن حرف‌های رئیس دادگاه، سکوت کردند و پدر روت از دادگاه شنیدن جواب‌های رئیس دادگاه، از او دادگاه بیرون رفتند.

قصه او را با گویی این مطلب، همات‌المنیت و قتل‌ان است. اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی نشر و چاپ کتاب است، پس چرا به حال نهمی امور ناشران، به این روز اختلاص معول شده است، و اگر هشت، چرا یک پیام و دو هوا؟

مافون بداه پنهنر از بی قانونی، می‌کنه ناشر ندانم چه بایدکنم، چه امری منتهن خواهد شد؟ فکر خلاق، نیاز به حسارت داره و اگر این ههور و حسارت را از آن بگیریم، با جامعه‌ای یکدست و غیر مولد، و بدون خلاقیت، مواجه خواهیم شد و در دنیایی که آمار و اطلاعات در سطحی بالارگوشی در حال نامل است، با ترویج عدم امنیت شغلی، به شکاری، عدم انگوشی و هزار مشکل دیگر مانم خواهیم زد. هر چه می‌خواهیم و به هر چه که می‌اندیشیم، شفاف و روشن و کاره آن را اجرا کنیم تا جامعه‌مان شگوره از پلاکتیگی به درآید.

پیشنهاد یک کتاب

مریم جباری

نگاهی به داستان پیتز پن

یک اثر کلاسیک ادبیات نوجوان

پیتز پن نوشته ج. پری، مترجم مهدی غبرایی، ناشر: کتاب مریم (رایسته به نشر مرکز)، چاپ اول تابستان ۱۳۸۱، قطع رُفعی، ۲۰۸ صفحه، قیمت ۳۳۵۰ تومان

شاید همین جمله مهدی غبرایی که منی دائم چرا ناکتورن من کمالی این اثر را همت کلاسیک ادبیات نوجوان می‌خوانم و می‌خوانم به یاد فارسی ترجمه شده داستان پیتز پن افتاد است. و از شنیدن داستان پیتز پن رشتان هدف چرا که غریبی از نسخهٔ مترجمان صاحب سلاطنت و اعتبار در ترجمهٔ زبان است که یادماندنی چون نمونهٔ آگاهی‌یابی او برندهٔ خوارزه را برگردان فارسی کرده است.

پیتز پن، را نوجوانان ایرانی می‌شناسند، چرا که قلمی از استون اسپیلبرگ و با بازی داستین هافمن (هوگ) از این داستان ساخته شده که بر معرفیت آن تأثیر جدی داشته است. کتاب به اعطاف مترجم به لحاظ آموزنده بودن و عاری تحلیل همپال و هم وزن با آثار بزرگ ادبیات نوجوانان پیروز هینشگر و دانلس در سرزمین جابجایی است. اگر چه جز در چند مورد کوتاه از لحن صریح و روشن آموزشی و صیحت گر پیتز پن سرزمین خالی است و بر عکس این دوی پیروزه آیین... از صدای زاری استفاده زیادی کرده، به نحوی که در فصل شازهم، خود به صورت یکی از قهرمانان کتاب در می آید و مستقیم با یکی دیگر گفت و گو می کند.

همچنین است بازی با زمان در داستان و به خصوص نود پیتز که در فصل آخر به اوج می‌رسد. و فراموشی او و درودیدین زمان و گنگنه بدون مطلق خطمی و انواع جایی چون هیستون و مورجانلی چون هیجمنرغ و هیجانرخت که در همهٔ آنها می‌توان ظواهر و رنگش را آید. از نویسنده کتاب نزدیک ۸۰۰ صورا داستان نمایشنامه موسی دوست که تنها همین اثر او هم پس از سال‌ها به فارسی ترجمه شده است. نکته‌ای هم دربارهٔ زبان و اثر را نویسنده به گفته غبرایی پیتز پن با اینکه بیشتر برای مخاطب نوجوان نوشته شده است. زبان و لحن کهنه و نسبتاً منسوخ دارد که حتی خوانند آن را برای نوجوانان در زبان اصلی دشوار می‌کند.

از فرامترجم به تبع لحن نویسنده لحنی نزدیک به داستان امیر اسلان را برای ترجمه انتخاب کرد و با همین لحن کار را ترجمه کرده اما وقتی کار به پایان رسید، متوجه می‌شود که لحن اثر با محوای کتاب در تناقض قرار گرفته و به همین جهت مترجم نویسنده خود را ضعیف کند که مخاطبان نوجوان و بخصوص دانش آموزان سال‌های آخر اهنملی و بیبرستان را از دست بدهد. به نظر آنکه متن خود شایدهر ضعیف برنگسلان شود، لذا دو مایع وقت صرف می‌کند و با حفظ سبک و فضای اثر، سادگی جوری و آموزشی بودن اثر را مطلق و پیچیده بودن اثر ترجیح داده تا پیام اثر به مخاطبان اصلی برسد. در هر حال کتاب پیتز پن نیست و موسیمن کتاب از مجموعه داستان و زمان برای نوجوانان است که کتاب مریم نوشته به نشر مرکز انتشار می‌دهد. دانش آموزان نوجوان و حتی کودکان که کتاب‌های چون ماه‌های نام سلو به ظهور نیستند، آرزوهای بزرگ، دور دنیا در ۸۰ روز، سفرهای گلیرو و هیستوار برای سبک زین در ادر آرشین و کتابخانه و زمان خود بخود درباری خوانند و تکمیل کتابخانه داستان زمان خود پیتز پن، با هم تهیه کنند و با خواندن این داستان جذاب و پرجنبان و تویسه آن به دوستان درک خود از داستان‌های نوجوانان را تقاضا دهند.

گفت و گو

ج ۲

گفت و گو با نظام حق یابی دانش آموز داستان نویس از خرم‌آباد

کتاب خوب آرام و قرار برای من نمی‌گذارد



نظام حق‌یابی دانش آموز خرم‌آبادی که در مسابقات شهر کرد شرکت کرده بود، به خاطر داستان «هدیه آفتاب» جاوه شوشی دریافت کرد وی در جلسات داستان‌خوانی تو از چهاره‌های فعال حاضر در نشست‌ها بود که مدام به داستان‌های خواننده شده از سوی دیگر دانش آموزان نقد و سخن وارد می‌کرد

حق‌یابی از جمله دانش آموزان شهرستانی با مطالعه است

که به گفته خودش وقتی کتاب خوبی را به دست می‌آورد آرام و قرار ندارد تا زمانی که کتاب را به پایان برساند یا دوی درباره چگونگی علاقه‌مندی‌اش به داستان، کتابخوانی و گفت‌وگویی کرده‌ام که می‌خوانید.

چقدر کتاب می‌خوانید؟

هفت تا آ زمان می‌خوانم.

کتاب‌های روز زمان که به بازار می‌آید، در کتابخانه ارشاد

وجود دارد؟

از طریق مراجعه به کتابخانه ارشاد شهرستان خرم‌آباد

از چه زمانی به کتابخانه ارشاد مراجعه کردید؟

حدود یک سال پیش یعنی از زمانی که داستان‌نویسی

را شروع کردم.

چطور شد که به کتابخانه ارشاد رفتید؟

از طریق تبلیغاتی که در این زمینه شده بود. برای من

فرصت خوبی بود که بتوانم کتاب‌های داستانی و... را از

کتابخانه امانت بگیرم.

بیشتر چه نوع داستان‌هایی می‌خوانید؟

داستان‌های کوتاه.

چرا؟

چون با سلیقه‌ام بیشتر جور است. البته علت اصلی آن

این است که داستان‌های کوتاه مخاطب را خسته نمی‌کند و

خواننده روز از خواندن داستان به نتیجه می‌رسد، در نتیجه

جذابیت خاصی هم دارد.



چقدر کتاب می‌خوانید؟

هفت تا آ زمان می‌خوانم.

کتاب‌های روز زمان که به بازار می‌آید، در کتابخانه ارشاد

وجود دارد؟

از طریق مراجعه به کتابخانه ارشاد شهرستان خرم‌آباد

از چه زمانی به کتابخانه ارشاد مراجعه کردید؟

حدود یک سال پیش یعنی از زمانی که داستان‌نویسی

را شروع کردم.

چطور شد که به کتابخانه ارشاد رفتید؟

از طریق تبلیغاتی که در این زمینه شده بود. برای من

فرصت خوبی بود که بتوانم کتاب‌های داستانی و... را از

کتابخانه امانت بگیرم.

بیشتر چه نوع داستان‌هایی می‌خوانید؟

داستان‌های کوتاه.

چرا؟

چون با سلیقه‌ام بیشتر جور است. البته علت اصلی آن

این است که داستان‌های کوتاه مخاطب را خسته نمی‌کند و

خواننده روز از خواندن داستان به نتیجه می‌رسد، در نتیجه

جذابیت خاصی هم دارد.

بسیگی یادگار که دنبال کتاب‌مورد علاقه‌ام باشم. تمام بودهای را که در اختیارم هستند میان کتاب‌های اختصاصی مادم. روزانه و مجله هم می‌خوانید؟

بله.

به مطالعه کدام بخش روزنامه رغبت بیشتری دارید؟
لینداصفحه ورزش بعد صفحه ادبی و در مرحله آخر قسمت جدولش را مطالعه می‌کنم.

به مسائل سیاسی علاقه دارید؟

ند.

از بین سیمگانان کار کدامیک را بیشتر دوست دارید؟

مجید مجیدی و عباس کارستانی. کارهای آقای

حاجتی‌کیا را بیشترم آنکه باید یادگار، ایدینولوزیکش موافق

نیستم ولی از نظری هنری قبول دارم و می‌پسندم.

شما که از ایدینولوزی صحبت می‌کنید حتماً کارهای سیاسی

را دنبال می‌کنید؟

نمی‌دانم!

روزی چند ساعت مطالعه می‌کنید؟

بسیگی یادگار داستان‌گو قهاران خوبی در دست داشته

باشم. باید واضح باشم تا شب تمام وقت را به مطالعه اختصاص مادم.

چقدر از وقتتان را به نوشتن داستان اختصاص می‌دهید؟

معمولاً هنگام راه رفتن به من الهام می‌شود که چه

چیزی نویسم و به مدت یک ماه سوزده روز در ذهن می‌چورنم

و بعد از آن در فرصت بکروزه تمام داستان‌هایم می‌نویسم.

نام آخرین داستان چیست؟

هدیه آفتاب که البته اولین داستانم هم هست.

داستان را چند بار بازخوانی کردید؟

بازچه به یک بار اولین داستانم بود. مسلمانم گفت بیشتری

برایش گذاشتم و زیاد بازخوانی شد.

یادداشت

حیدر خیرمندی

نمایی نزدیک از «گلدان پشت شیشه»

توجه پدیدآورندگان آثار به ناآوری و دستیابی به حرفی تازه

است. کشف افق‌های بیخ در عرصه ادبیات داستانی و ارائه

آن به مخاطب، از نگاه این نویسنده‌ها به دور نمانده است. آنها

هر کدام در یکی از استان‌های کشور زندگی می‌کنند و قلم‌های

معارفی دارند اما هیچ‌کدامشان سابقه نوشته‌اند، نگارگری

نوشته‌اند و تجربه‌اند بدون تجربه دست به قلم برده‌اند

هم از مؤلفه‌های است که در دنیای خاص دانش‌آموز و

دانش‌آموزی وجود دارد و نمی‌توان تک‌گارش کرد.

و موسیمن ویژگی این دفتر که به اعتقاد نگارنده این ستور،

خود را یک سر و گردن از ویژگی‌های قلمی، فراقی می‌نماید،

مضمون‌گرایی بچه‌های قلم به دست است که به بهترین شکل

ممکن در مضمونی که ارائه کرده‌اند، غرق شده‌اند. قلم خود

را در جهان مسیرو روی کاغذ به حرکت در آورده‌اند. هیچ‌کدام

از پدیدآورندگان داستان‌های این مجموعه جنگ و آندیده‌اند.

اما نگارش، شخصیت‌پردازی و تکنیک‌هایی که در آثارشان به

دوران دانش‌آموزی، از نظر پرورش فکر دورانی خاص

است. دانش‌آموزی‌هم که می‌نویسد و قدرت خلاصیت دارد،

به از برای تفکر خود عیبیت می‌بخشد و مسیری مشخص

شده را برای دستیابی به اهدافی عالی هموار می‌سازد.

مجموعه داستان گلدان پشت شیشه که در سطرهای

زیرین شرح‌پوشش، از آن می‌آید، چند ویژگی و مشخصه

دارد و اولین ویژگی‌اش بهره‌مندی از خلاصیت‌های

دانش‌آموزان و وجود خاص پرورشی و فکری آنهاست.

ده دانش‌آموز دوم‌فصل به دست به همراه سه نویسنده دیگر که

در زمره دانش‌آموزان فیروزه به حساب می‌آیند، مجموعه داستان

گلدان پشت شیشه براه با مساعدت مدیریت کانون‌های

فرهنگی روزشی معلولت پرورشی نیروی معلولت بسیج چاپ

و نشر کرده‌اند. نویسندگان این داستان‌ها نویسنده‌اند در دومین

چهارشنبه سراسری ادبیات بسیج که سال گذشته در ارومیه

برگزار شد. به ریشه‌های نزدیک‌ترین کتاب،



کاربرده‌اند، چگونگی انتخاب رنگ‌های دیگر دارد. می‌توان گفت که جنگ را ندیده‌اند اما دربارهٔ آن و پیامدهایش خیلی خوب نوشته‌اند و حرف‌های مطبق کرده‌اند که خود را به واقعیت‌های مربوط به پدیده‌ای که از آن سخن رفت، نزدیک کرده است. گلدان پشت شیشه با نظرات امیرحسین فردی در سه هزار نسخه چاپ و منتشر شده است و میثم شهبانی، مهرداد، ذبیح‌الله ذبیحی، میثم محمدی، علی باجانی، زهره حمزه‌زاده، کریم‌زاده، نگارگری، برضاقلی زاده، زاهدی، زهره شرعی، مریم حبیبی، محمدرحیم، محمدرضا نصیرزاده، و مسلمان باغی از کسانی هستند که در تهیه و تدوین این مجموعه تلاش قلمی کرده‌اند. دست سبز یاد!

دیدگاه

سید علی کاظمی خوشنویاری

طلای حاجی زاده

و ادبیات کودک

من اهل ورزش نیستم، با این همه از قهرمانی ایران در کشتی جهان خوشحال شدم. هر چه باشد این اتفاق یادماهای اجتماعی من در جامعه آینده را کم‌هیجان مانجاد کرد. هر چه باشد کشتی از اینکه مردم برای فوتبال تپند بهتر است. باین فویتال تپند هم نفوس خود را درباره یکی از نتایج آن همه نمی توانم افسوس خوردا دربار هر یک از نتایج آن کمندان کنم. در خیرها خوانندیم و شنیدیم که به قهرمان مازندارانی کشتی یک سازمان خانه داد و دیگری ماژین. بعد هم، هم اسنانی هایش ۱۵۵ سکه طلا به او دادند و این ماجرا هنوز هم ادامه دارد. باور بفرمایید ماخیل نیستیم، مبارکش باشد. اما اگر از نظر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، بین المللی و هر چنه دیگر در نظر بگیریم، برخی از افتخارات ادبیات کودک هیچ کمتر از مردان حاجی زاده نیست. جوان‌پهلوی‌ها برای منی که برای کوشی و مصورگری آن ایرانی هر کدام به اندازه چندین مثال طلا افتخار دارند اما نه کسی به این مناسبت پیام می دهد و نه یک دورچرخه (به جای ماشین) به آنها هدیه می دهد. نه تلویزیون پرایشان و یوتیوب‌نامه‌های مکرر تبارک می بیند و...



گپی با بهروز غریب پور- برنده دیپلم افتخار IBBY

اگر کودکان قصه‌ها را ندانند

صفحات شناسنامه‌شان سفید است



باید به پیشینه فرهنگی خومان توجه کرده و آنها را به نسل های بعد منتقل کنیم. نسل های بعد منتقل کنیم. به عنوان مثال آخر، وضعیت نشر اینگونه کتاب‌ها را چگونه می‌بینید؟
 دربع و تأسیف از یک کار نو. مناسفانه عدم سرمایه‌گذاری و اختصاص بودجه به این بخش مشکلات فعلی را بوجود آورده است. به نظر من باید سه نهاد آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و صدا و سیما بودجه را برای تحقیق پژوهش و بازنویسی آثار ایرانی داشته باشند تا کودکان ما با داستان‌های گذشته آشنا شوند چرا که اگر کودکان قصه‌ها را ندانند، صفحات شناسنامه‌شان سفید است.
 نکته دیگر آنکه باید از امکانات موجود استفاده کرد به طور مثال ما کمیک‌استریپ را که یک وسیله بیانی است، از یاد برده‌ایم. در حالی که بسیاری از مسائل مربوط به کودکان و نوجوانان به وسیله سینما، تئاتر و تلویزیون قابل طرح نیست و می‌تواند از این طریق بیان شود.

کتاب «نتیل قهرمان» نوشته بهروز غریب‌پور جزء سه کتاب ایرانی است که در سیست و هشتمین دوره کنگره جهانی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان، دیپلم افتخار دریافت کرده و در فهرست آثار برگزیده سال ۲۰۱۲ (IBBY) جای گرفته است.
 غریب‌پور از سال ۱۳۶۵ فعالیت جدی تاتار آغاز کرده و به غیر از مسؤلیت‌های مختلف نماینده‌های زای از جمله «دو خیره» «پاپای بزرگ و ترب» «قصه ترس» و «میکی و کارآگاه ۲» را نوشته و کتاب «ببگ کوره او» عنوان «هر چیزی به جای خوش نیکوست» توسط سازمان یونسکو به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. با وی درباره «نتیل قهرمان» صحبت کرده‌ایم.

روژی‌های کتاب نتیل قهرمان، چه بود که در فهرست کتاب‌های برتر سال ۲۰۱۲ قرار گرفت؟
 نتیل قهرمان بر اساس روایات و داستان‌های مختلف حسن کچل نوشته شده و حاوی آیین و روش‌های زندگی و در واقع شیوه نگاه ایرانیان به زندگی است و من فکر می‌کنم به دلیل اینکه این کتاب دارای هویت ملی بوده و برای خواننده جهانی نیز پیام‌های

مقاله هفته

اگر برای کودکان کتاب می نویسد

و ناملایمات زندگی حمایت شده است. کتاب‌هایی در خصوص مرگ، بیماری، طلاق، مواد مخدر و مواد الکلی را می‌توانید در قفسه‌های مدارس و کتابخانه‌ها بیابید. از جمله راه‌هایی که کودکان می‌توانند بر چنین معامیسی آگاهی یابند تلویزیون و خبریاتی است که در طی زندگی به دست می‌آورند. کتاب‌های بزرگ از روش‌هایی است که کودکان به واسطه آن می‌توانند بر آنچه که در دنیای اطرافشان می‌گذرد آگاهی یابند. اگر مامت واقع‌گرایانه بسیاری از کتاب‌های کودکان باعث حیرت شما می‌شود بهتر است نگاهی به متون اصلی Brothers Grimm داشته باشید، بسیاری از آنها خوب و خیلی از آنها ابهام‌آمیز بودند. ما عادت داریم که متون والت دیسنی Walt Disney را از داستان‌هایی که اکثرشان از فراموش کرده‌ایم پاک کنیم. زیرا داستان‌های قبل از دوره داستان‌های میکی‌موس از پایان خوش برخوردار بوده است. خواندن کتاب‌هایی که اخیراً به چاپ رسیده به شما این قدرت را می‌دهد که دریابید ناشران به دنبال چه مطالبی هستند. خواندن متون کلاسیک مربوط به دوران طفولیت شما به شما خواهد آموخت که چگونه اثری جلاویذ خلق کنید. در بسیاری موارد، عناصر مشترکی بین کتاب‌های کلاسیک و مدرن به چشم می‌خورد. داستان Rabbit Pooter نوشته Beatrix Potter از دسته کتاب‌هایی است که، چون آثار جلاویذ به حساب نمی‌آید. این کتاب داستانی است که از زبان یک خرگوش بانسگ بیان می‌شود که از دستورات مادرش سرپیچی می‌کند و دارای روحیه ماجراجویانه‌ای است که دست به هر کاری می‌زند و حتی به یک متعلقه ممنوع که مزه‌عه یک کانتاروز است وارد می‌شود. شاید خیلی عجیب باشد، اما بسیاری از کتاب‌هایی امروزه چاپ می‌شوند دارای مضامینی مشابه با این داستان هستند.



بود به طوری که خواندن هر دو کتاب در بسیاری از مدارس ممنوع شد. اما به دلیل وجود مضامینی چون آگاه کردن کودکان به حقوق خود این کتاب جزو بهترین‌ترین کتاب‌های سال شد.
 بتدریج ناشران دریافتند که کتاب‌های کودکان می‌تواند صرفاً سرگرم‌کننده بوده بدون اینکه حاوی مضامین اخلاقی باشد.
 سرگرمی از دیدگاه کودکان همان چیزی است که هنوز در کتاب‌های کودکان مشهود است و اگر بتوانید در کتابتان به جهان از دیدگاه یک کودک نگاه کنید به گونه‌ای که در آن به هوش و استعداد آنها توجه کرده و دیدگاه بزرگترها را در نظر بگیرید. کتاب شما این بیانات بدون معنا نیست که کتاب‌های کودکان فاقد معامیم آموخته‌اند باشد، بلکه بدان معامست که چون نویسنده کتاب‌های کودکان در حال رقابت با بازی‌هایی چون تلویزیون، کامپیوتر و ویدئوگیم‌هاست باید به گونه‌ای نویسد که نوشته او در درجه اول سرگرم‌کننده و سپس آموخته باشد.
 مطالب آموخته‌ه باید خیلی ظریف بیان شود و بیان این نکات ظریف از طریق تغییر قهرمان داستان و یا آموزش مطالبی درباره قهرمان تحقق خواهد یافت. در غیر این صورت اگر کتاب با پند و موعظه شروع شود، بلافاصله کودک آن را کنار خواهد گذاشت.
 امروزه کتاب‌های کودکان نسبت به گذشته بسیار واقع‌گرایانه شده به گونه‌ای که خوش‌بینانه به دنیا نظر کرده و از کودکان در مقابل سختی‌ها

نویسنده: لائورا پیگز
مترجم: احترام ماهودی

یکی از راه‌های دستیابی به اینکه چگونه نوشته خود را به کتاب تبدیل کنید بستگی به آن دارد که برای چه گروه سنی می‌نویسید. اگر می‌خواهید برای کودکان کتاب بنویسید می‌بایست کتاب‌هایی در مورد کودکان خوانده باشید. مخصوصاً کتاب‌هایی که ظرف ۱۰ سال گذشته به چاپ رسیده. چرا؟
 زیرا شما کتاب‌هایی را که در دوران کودکی مرده علاقه‌تان بوده به یاد می‌آورید و همچنان آنها را برای کودکانان می‌خوانید. اما اشتباهی که بسیاری از نویسندگان مرتکب می‌شوند این است که به دنبال تخیل از روش‌های کلاسیک هستند. آنها معتقدند که آنچه که باعث بقای نسل شده است طرح داستان است. نه مضامین و شخصیت‌های آن داستان. این عناصر ظریف و پایدار در کتاب‌ها از ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته دستخوش تغییر شده و تغییراتی را در ادبیات کتاب‌های کودکان باعث شده است. یکی از تفاوت‌های اصلی بین کتاب‌های مدرن کودکان و کتاب‌های مربوط به نسل گذشته (مخصوصاً کتاب‌های عکس‌دار) این است که امروزه تأکید بیشتری بر روی ژرف‌اندیشی کودکان شده است. از دو کتابی که در این رابطه تدوین شده می‌توان از کتاب «The Cat in the Hat» نوشته Dr. Seuss در سال ۱۹۵۷ و کتاب «Where the wild things are» نوشته Maurice Sendak در سال ۱۹۶۳ نام برد. هر دو کتاب بر سرگرم شدن کودکان در غیاب والدین تأکید دارند. این کتاب‌ها نه تنها کتاب‌های سرگرم‌کننده بلکه وحشیانه، خراب و شامل سرگرمی‌های نامعنا هستند. در هیچ کدام از آنها کودکان به خاطر اعمال زشتشان تنبیه نمی‌شوند. این دو کتاب در زمان خود محرب



چشمه انداز هنر

عاده صدیقی

مقدمه ای بر هنر هندی

هنر فنیجیم یک قوم، حاصل «عشق به هنر» نیست بلکه حاصل «عشق به زندگی» است. برای فهم هنر یک قوم باید به درک تشریحی بیشتر کار افراد آن قوم در زمان و مکان و اجتهابلی توهم تخریبی‌ای که حاصل آن ظهور آثار هنری مشخصی در آن عصر بوده است. تمام آثار هنری هند توسط مستحکان زیورست و در امتداد یک سنت استند و شاگردی شکل گرفته‌اند. اسبالت و پداعت. دو هنر هند، هیچ کار آوری نیت قلبی نبوده و تعولات رخ داده در فرم و شکل که موجب تمایز یک دوره از دوره دیگر است، ممکن است بیژهای جاری جمله‌هند است. اجزایعادت ناشی از تنوع و تغییرات کیفی نیز، معرفت تغییرات حاصل در ریاضت رونی، حیاتی و ناطقه قومی بوده است نه تحولات عمومی اعمال شده از جانب هنرمند.

مقدمه‌ای بر هنر هندی، عنوان کتابی است نوشته گوپالاسومی با ترجمه امیر حسین ذکریگی که توسط انتشارات روزونه بزودی روانه بازار کتاب می‌شود.

طراحی نماد و نشانه

نشانه‌ها از سومبوها گلاب و شیکنجی گویایاشی واد در دست چاپ دارد. در قسمتی از کتاب آمده است: «ارتباط تصویری (گرافیک) شیوه انتقال و ارائه اطلاعات به صورت تصویری است. خط‌مط، اشکال و منحنی‌ها، همگی می‌توانند بیانگر مفهوم خاصی باشند که هنر بیننده‌ای بتواند آنها را درک کند. اگرچه این نشانه‌ها و خطوط خود ثابت و ایستا هستند ولی می‌توانند حس از حرکت را القا کنند. حیطه ارتباط تصویری حتی فراتر از محدوده کلمات است، و تزیینات فنی و معماری، نماهای پرسپکتیو و تصویری، نمادها و نشانه‌ها و نمودارهای جریان کار همگی قادرند اطلاعاتی را ارائه دهند که از هفده کلمات به تنهایی خارج است. از این رو زبان ارتباط تصویری، یک زبان تزییمی است که مانند یک شیوه ارتباطی کاملاً مستقل به کار گرفته می‌شود. کتاب یاد شده، به گوشش دفتر پژوهش‌های هنری مارلیک گردآوری و ترجمه شده است.

کتاب

سالشمار صد سال سینما

سالشمار تاریخ سینما **ایوان‌هما جاردانی**، نشر **فردوس چاپ اول**، ۱۳۸۱، ۲۸۰ **تومان**



این کتاب همانگونه که از نامش پیداست، سالشمار تاریخ سینمای ایران از ۱۳۲۹ تا ۱۳۷۹ است. یونسئده کتاب را در چند بخش تدوین کرده است: بخش اول مربوط به وقایعی چون برگزاری جشنواره‌ها، جشن‌های سینمایی، تعطیلی سینماها، تأسیس استودیوها و… است. بخش دوم به تولد کارگردانان، فیلمسازان، بازیگران، یونسئدها و… اختصاص دارد. بخش سوم که مرگ نام‌داره، به تاریخ مرگ هنرمندان صنعت سینمای پرواز، بخش چهارم به تشریفات سینمایی، بخشی پنجم به مراکز آموزش سینمایی، بخش ششم به جوایز سینمایی و بخش هفتم به داوری در جشنواره‌های جهانی و… می‌پردازد. فیلم‌های بلند فیلم‌های مستند، فیلم‌های ایرانی و خارجی و کتاب‌های سینمایی از دیگر بخش‌های این کتاب است.

سید علاءرضا موسوی، نامی آشنا در سینمای ایران است. او علاوه بر **هنر**، **کندکشی** سینمای طبی دوره‌های مختلف دو نشر به **مجموعه سینمایی** را با عنوان «هفت‌نامه سینما» و «سینما جهان» منتشر می‌کرد. با **توقیف سینما جهان»** او فرصت بیشتری پیدا کرد که فعالیت خود را در عرصه نشر کتاب‌های سینمایی متمرکز کند. او در این مصاحبه پراومون مسایل سینما به نشر سخن گفت

چطور شد که اقدام به تأسیس یک انتشارات کردید؟
همان‌طور که می‌دانید، سال‌هاست که در عرصه مطبوعات، هم به عنوان یک روزنامه‌نگار و هم به عنوان روزسیر دو نشریه سینمایی - هفت‌نامه سینما» و «سینما جهان» - فعالیت دارم و طبیعتاً با مقوله چاپ و نشر مطبوعات و کتاب کاملاً آشنا هستم. در این سال‌ها همیشه این پرسش در ذهنم مطرح بود که «چلا و کمبودهای موجود در نشریات تخصصی سینما را چگونه می‌توان مرتفع کرد؟ از نظر من فقط از طریق انتشار کتاب می‌شد که این کمبودها مرتفع شود. به همین دلیل در سال ۱۳۷۷ انتشارات آگه‌سازان را راه‌اندازی کردیم…»

از نظر شما به طور مشخص چه کمبودهای وجود داشت؟
از آنجایی که تهیه‌کننده حرفه‌ای سینمای ایران هشتم و علاوه بر آن سوزلیست‌هایی در اتحادیه سینما و تئاتر گنگان و توزیع فیلم ایران نیز داشته و دارم، با مشکلات این سینما کاملاً آشنا هستم و بهترین معضل سینمای ایران را «فقر فیلمنامه خوب» می‌دانم. پس از تعطیلی هفت‌نامه سینما جهان» به سؤل قوه‌اھی فرصت پیدا کردم در این زمینه بیشتر کار کنم و کار انتشار فیلمنامه‌های ایرانی را بگیراننده دنبال کردم. انتشار فیلمنامه‌ی می‌تواند به جوانانی که علاقه‌مند هستند کمک کند. چون بررسی فیلمنامه از طریق نوشتار بهتر صورت می‌گیرد و پژوهشگران و جوانان علاقه‌مند راحت‌تر می‌توانند به فیلمنامه نزدیک شوند و نقاط ضعف و قوت آن را تشخیص دهند…»

در این صورت چرا فیلمنامه‌های فیلم‌های موفق خارجی را که به نوعی در سینمای جهان تأثیر گذاشته‌اند، منتشر نمی‌کنید؟

می‌تعارف بگیریم؛ چون ابوالمشغله هستم، همیشه باید برای سه - چهار کار برنامه‌ریزی کنم. البته پس از توقیف سینما جهان، فرصت بیشتری پیدا کردم که در این زمینه کار کنم و به همین دلیل ترجمه و چاپ فیلمنامه‌های خارجی جزء برنامه‌های بعدی این انتشارات است. در عین حال مقدمه آن چیزی که بیشتر می‌تواند فضای سینمای ایران را شکل بدهد، فیلمنامه‌ی ایرانی است. ابتدا باید فیلمنامه‌نویسان ایرانی بیشتری داشته باشیم و پس از آنها دادن به فیلمنامه‌های ایرانی به سبب فیلمنامه‌های خوب خارجی هم بریم.

چقدر در این عرصه به رعایت فکر می‌کنید؟
من فکر می‌کنم که عرصه نشر آفندگسترده است که نیاز به هیچ رعایتی نیست. یعنی ناشران بسیاری در این عرصه فعالیت است و دست کم ما در آگه‌سازان به دو رقابت فکر نمی‌کنیم.

از این نظر این پرسش دو ذهن‌چامی گرفت چون در زمینه انتشار فیلمنامه، چندین انتشارات به طور مستمر فعالیت فراگیر دارند و با شکل و شمایل متناسب آن را عرضه می‌کنند، نظیر انتشارات توفیق آفرین و… با این توصیف آیا نمی‌خواهید کار متفاوتی ارائه دهید تا محصولات پرفروشی داشته باشید؟

البته کتاب هیچ وقت پرفروش نیست! ما به حال با توجه به اینکه شمارگان ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نسخه برای جمعیت ۶۰ میلیونی ایران در نظر گرفته شده است، کتاب هیچ وقت پرفروش نخواهد بود. از سوی دیگر هم به دلیل مشکلاتی که در عرصه توزیع و پخش کتاب وجود دارد. در این عرصه هر چقدر هم تلاش وجود داشته باشد، باز هم کم است. از طرفی من از طریق صنعت نشر گنگان زندگی نمی‌کنم و به سودآوری آن دست‌کم از جهت مالی فکر نمی‌کنم. همان‌طور که می‌دانید توزیع کتاب در ایران از ویژگی‌های خوبی

برخوردار نیست و این مسأله را هم خدمت آقای رمضانیور، معاون محترم فرهنگی مطرح کردم و ایشان هم به دلیل تخصص و دانش‌فکری‌هایشان این مسایل را بررسی می‌کنند. اما این وجود در عمل هیچ اتفاق نینفاده است. این تعداد شمارگان کتاب برای جمعیت ۶۰ میلیونی ایران اصلاً مناسب نیست. حتی فیلمنامه فیلم‌های پرفروش ایران را که دست کم یک‌لی دو میلیون تماشاگر دارند، می‌توانیم که در بسیاری از موارد خریداری نمی‌کنند. یعنی از یک سو شمارگان کتاب بالا نیست و از سوی دیگر هم فرهنگ کتابخوانی جا نرفته است. اما اگر این فرهنگ در میان جوانان از طریق کتابخانه‌ها گسترش یابد به طوری که همگان بتوانند فیلمنامه‌ها را بخوانند، به رشد جریان فیلمنامه‌نویسی کمک تمام می‌شود. در این راستا قصد داریم به سهم خود گام مثبت برداریم و طبیعتاً حضور هر آدم دیگری هم می‌تواند مثبت و مشرک‌تر باشد.

آقای موسوی، شما در عرصه سینما به عنوان مدیر لاین شناخته شده‌اید و قطعاً همیشه به کارآمدی و بهره‌وری بالا تکرار می‌کنید. با توجه به مشکلات موجود در صنعت نشر کشور چگونه می‌توانید به سودآوری فکر کنید؟

به خاطر نایزی که احساس می‌کردم وارد این عرصه



شدم. به هر حال پیش از اینکه هر حرف دیگری داشته باشم، در حقیقت تهیه‌کننده حرفه‌ای این سینما هستم و در این عرصه بهترین نتیجه می‌گیرم. «سینما جهان» می‌دانم و قطعاً ترجیح می‌دهم از طریق انتشار فیلمنامه کمکی به هنکارانم در سینما بکنم. از طرفی هم همان‌طور که گفتیم من از طریق انتشارات گنگان زندگی نمی‌کنم و دست کم در این عرصه به سود مالی فکر نمی‌کنم. البته تعریف من از سودآوری در عرصه کتاب‌های نیست و در حد جایی هزینه‌های خودش را درآورد کافی است. در واقع سود مورد نظرم در درازمدت تربیت فیلمنامه‌نویسان جوان است. واقعیت این است که در آگه‌سازان از سایر کتابخانه‌ی که کتاب سودآوری ندارد…»

از زمان تأسیس انتشارات تاکنون، تأثیرات مثبت مورد نظرتان را مشاهده کرده‌اید؟

مقدمم اگر چیزی را که مد نظرانم دارم، در مرکز نقل هدفتان قرار دهید حتماً به آن دست خواهیم یافت. بادم می‌آید زمانی آقای اوزار، معاونت وقت سینمایی، کله می‌کرد که چرا توچه‌یی به سینمای ایران نمی‌شو؟ در آن زمان سه روزنامه و یک ماهنامه سینمایی بیشتر منتشر نمی‌شد و من آن‌هم به شماره به شماره مجوز می‌گرفتم. من در پاسخ به ایشان گفتم شما باید نخست جو را به وجود بیاورید و بعد خود به خود همان جو کمک می‌کند که در مطبوعات به مسایل سینمای ایران پرداخته شود. بعد از این صحبت ایشان پذیرفتند و اجازه دادند از طریق معاونت مطبوعاتی وقت انتشار نشریات مختلف سینمایی صورت بگیرد. به طوری که تا به الان حدود ۱۵۰۱۲ نشریه سینمایی داریم و همین تعداد باعث شده که روزنامه‌ها یک صفحه خود را به سینما اختصاص دهند. منتها متأسفانه در برخی موارد در این

روزگار و آرزو

راتنگ آریا

گفت و گو با سیدغلامرضا موسوی، مدیر انتشارات آگه‌سازان

باید بستر فرهنگ کتابخوانی فراهم شود

صفحات به سینمای خارجی بیشتر از سینمای ایران پرداخته می‌شود که به عقیده من اشتباه است. به هر صورت وقتی بستر انتشار فیلمنامه فراهم شود خود به خود فیلمنامه‌نویس‌های خوبی هم در این فضا به وجود می‌آیند. رشد می‌کنند و نتیجه می‌برهند.

انتقادات آگه‌سازان توسط بخش خصوصی اداره می‌شود یا دولتی؟

این انتقادات صد در صد خصوصی است.

معیار انتخاب فیلمنامه برای چاپ چیست؟
اساس کار ما در انتشار فیلمنامه‌های است که فیلم شده‌اند. ترجیحاً باید کار نوبی باشد یا فیلمی که با مخاطب بیشتری ارتباط برقرار کرده باشد. چون همان طوری که در سینما به مخاطب بیشتری فکر می‌کنم، در انتشار فیلمنامه هم سعی دارم سینمای ایران به سوی سینمای پرمخاطب پیش رود.

در فهرست کتاب‌های در دست انتشار داستان «ایستادن همان سال نوشته ناصر تقوایی که سال‌ها تجدید چاپ نشده است، به چشم می‌خورد. چرا؟

همان‌طور که موهبتان می‌دانید یکی از مؤلفانی که به فیلمنامه کمک می‌کند، «قصه‌ها است و چاپ زمان‌ها و قصه‌ها می‌تواند اثرهای جدیدتری را پیش روی جوانان علاقه‌مند به سینما بیرون بیاورد. سینماگران باید از این فرصت‌ها نهایت استفاده را ببرند. با این حال، هر چه می‌تواند اثرهای سینمایی را بازنمایی کند، به سینما کمک می‌کند. کتاب‌ها را در دست می‌گذاریم. هر چه می‌تواند اثرهای سینمایی را بازنمایی کند، به سینما کمک می‌کند. کتاب‌ها را در دست می‌گذاریم. هر چه می‌تواند اثرهای سینمایی را بازنمایی کند، به سینما کمک می‌کند. کتاب‌ها را در دست می‌گذاریم.

چه نهمی‌ها را در نظر گرفته‌اید؟

استفاده نکردم. ما نباید نخستین انتشاراتی در زمینه سینما باشیم که کتاب‌ها را به کیوسک مطبوعاتی داریم و نتیجه خوبی هم گرفتیم. این روش جدید در آگه‌سازان عملاً نتوانست در برخی موارد ۲۰ درصد و در مواردی هم به ۵۰ درصد فروش کتاب‌ها را بالا ببرد. از طرفی هم با مشکلاتی در دستم در سالن‌های برخی از سینماها کتاب‌ها را عرضه کردیم، هر چند که در سالن سینماها برای عرضه نبود. ولی به خاطر رفتنی که ما نداشتیم این کار را انجام دادند. اینها تجربیات خوبی بود ولی متأسفانه تجربیاتی نبود که نتوانسته شده باشد. بعضی آگه‌سازان از ارتباطات دوستانه صرف نظر می‌کردند. هرگز موفق به انجام چنین کاری نمی‌شدم!

آقای موسوی، می‌دانید که در این سال‌ها تعداد نشریات و روزنامه‌های زیادی تعطیل و توقیف شده‌اند. ترکتان آن انتشارات هم به نشریات سینمایی سرایت کرده و «سینما جهان» هم توقیف شد. با این وجود عرصه نشر برای شما مامن مناسبی است یا نه؟

طبیعتاً پس از توقیف «سینما جهان» ناخودآگاه فعالیت در زمینه نشر بیشتر شد. خوشبختانه تا به امروز کتاب‌های سینمایی توقیف شده‌اند و تا چندین پیش مجوز کتاب‌ها ظرف مدت ۲۲ ساعت و در مواردی ۷۲ ساعت صادر می‌شد. سپس از مسائلی که گریبانگیر اداره نظارت کتاب شده، صدور مجوز کتاب‌های سینمایی همه به تأخیر افتاد. به طور مثال به آخرین کتاب ما پس از گذشت ۲۷ روز مجوز انتشار داده‌اند. البته باید بگیریم که معاونت فرهنگی در این زمینه هیچ تضمینی ندارد و قطعاً بررسان کتاب به دلیل رعایت وقت فرصت بیشتری برای بررسی کتاب طلب می‌کنند.

شما در این انتشارات از فیلمنامه‌نویس‌های جوان چه حمایتی می‌کنید؟

همان‌طور که گفتیم فیلمنامه فیلم‌هایی که اکنون شده‌اند، انتشار می‌یابد. بنابراین ما معمولاً جوانان را به یاد می‌کنیم. منتها جوانان باید صبور و همکاران تهیه‌کننده معرفی هر حال وارد شدن به درون سینما از طریق فیلمنامه خیلی مشکل است. شاید در عرصه‌های دیگر راحت‌تر باشد ولی در این عرصه اینگونه نیست. جوانان باید مقاومت کنند و با صبر و حوصله به کار خود بپردازند و هرگز مأیوس نشوند، در این صورت به نتیجه خواهند رسید.
علاقه‌تان نسبت به سینما چیست؟
منشأ ما هم به جایی نرسیده است. ما همچنان اندر خم یک کوچه هستیم!

راضیه نجار خانم نویسنده‌ای بود که در **سفر چهار روزه نویسنده‌گان** و **روزنامه‌نگاران به مناطق جنگی غرب این گروه** و **همراهی می‌کرد**. **ساعات استراحت این سفر بهترین زمان برای ترتیب دادن یک مصاحبه کوتاه بود آنچه که می‌خوانید، لفظی است که سرکار خانم نجار در حق ما روا داشته** و فرصت استراحت خویش را برای گفتگو با ما صرف کرده‌اند.

این قبل سفرها بر نویسنده‌گانی که صحنه‌های جنگ را ندیده‌اند چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

به نظر می‌رسد من توانم بگویم. درست مثل اینکه جاکسنتری را کنار بربی برای اینکه لباس بپوشی، کرچه بستگی به خودمدم دارد.باید این انگیزه هممی‌اش درونی باشد. در آن صورت این سفرها می‌تواند هزار حرف ناگفته باشد واندک وگرنه شاید برای عده‌ای قابل سفری باشد مثل همه سفرها،اما تا آنجا که امدام و دیدم،ام، به نفعات ایمان می‌انجامد، یعنی گذر از این تنگه‌ها، سراسپییی‌ها و سربلایی‌ها هامت می‌شود که تمام از روی زمین خردند.لباس جمع کنی و این چیز کنی.نیزت.حیزر اگر عودت هم بخوای،الانما هار اول کنت.نستند.

آیا برای مؤثر شدن این سفرها پیشنهاد خاصی دارید؟
به نظرم بعضی افراد محلی - آنها که در صحنه بوده‌اند و هنوز خالص و مخلصند - می‌توانند کمک ساز باشند. دیدن سنگرها، مکان‌هایی که محروبه شده‌اند و زندگی ساده و عادی مردم بر آن زمین‌ها، همه و همه می‌تواند نقشی داشته باشد در برپاژرت شدن این گونه سفرها و موزه‌ها و دیدن صورت و تصویر و اینکه فضایی‌به صورت ملی - مهنی درآید آمیخته با آرم‌ها و دیدنات. خصوصاً مثل جدید را باید درگیر این قضایا و این سفرها کرد تا قدر صلح را بداند.عاشق تر برپایان نویسد و به عشق پنهان امور مازولیی در زندگی بی برزند و هر چه بیشتر زندگی آسمان و زمین با در این بیازر.نستند.
نویسنده‌گان زن در اوقات پایداری چه نقشی را ایفا می‌کنند؟
به جای تسلیوم،بخرست،می‌نمایند و رنگ‌رانی، با همه وجود چرخ‌اند، چندین حلق کنند. چه بسیار سوزهای بر خاک مانده و چه بسیار چرخ‌های ناگفته و چه آینهو سلخشوری‌ها و حسرت‌ها.از هر زاویه که نگاه کنیم وظیفه نویسنده‌گان راستگی می‌بینیم چه زن و چه مرد.اما گمان بر این است که اگر خانم‌های نویسنده بیشتر به میان آیند راحت‌تر بتوانند از جزئیات بگویند و از خواست‌ها، مقاومت‌ها، ترس‌ها و دلیری‌های زنانه. چه کسی بهتر از زنان نویسنده می‌تواند آن آنچه بر زنان این دیار در طول هشت سال دفاع مقدس گذشت بگوید و آن آنچه حس کرده،بافتند، ببینند و باز زندگی را ساختند.
مآشفاتنه در نویسنده‌گان عزیزمان اتفاق و سستی می‌بینیم.

نگاه

حمید بابارند

سفر



گفته و سفارش کرده‌اند که سفر کنید. در سفر همیشه مزایای نهفته که اولین آنها تجربه است.هفته گذشته برلم با تجربه‌های همزه بود. سفر با گروهی از کسانیی که مثل من به حوزه ادبیات پایداری علاقه‌ای دارند.

چندکنده در مهنیم عنوان یادگاری از این چهار روز طی سیرتوسط بسته‌اند. دوست صوفی را لیدید که معرور از وجودش در این حوزه بود. به یکی از سؤوالان بد و بیراه می‌گفت.نگرانی برای این دوست عزیز از آنجا آغاز شد که دیدم از تاریخ جنگ پختدر بی‌اطلاع است و البته همنهز اینکه خودش هم از این غفلت غافل مانده است.

بعضی از عزیزانی که هیچ نفعدهی برای خود متصور نیستند، در این سفر عیبت کردند. درست مثل حضورشان در ادبیات جنگ که متناسب است با میزان مبالغ و بهر ووری از این حوزه ادبی، البته برخی هم طبیعتاً به‌شکلی گرفتار شده و از سفر بازمانده.
عده‌ای در سفر بیش از حجم و ابعاد سؤوالیشان تلاشی می‌کنند و برخی هم حتی فرست نداشتند.به کارهای خوششان برسند تا چه رسد به امور و فعالیت‌هایی از کاستنی‌های سفر در وجود این افراد رخ می‌نمود.
حاصل این سفر برای مسافران صوفایی بود و دستنوشته‌ای که صحنه‌ای را سایه می‌کند اما آنان که هنوز زخم جنگ از چهره‌شان جدا نشده است، این حضور چه بهر ای گرفتند؟
تجربه‌ها و یکتکه‌های این سفر مثل دیگر سفرها کم نیستند.اما حوصله دفتر چطور!

گفت و گو

راضیه تجار:

همه ما نویسنده ایم



● هنرزن است که نادیده‌ها را نشان دهیم به گونه‌ای که حقیقت مثل داغ برچران‌ها بنشیند

با توجه به گرانش احساسی خانم‌ها نسبت به مسائل انسانی، می‌بینیم که تعداد زیادی از جوانان گرایش به نوشتن درباره جنگ پیدا کرده‌اند. این گرایش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
به هر حال هر نویسنده‌ای سبیری را طی می‌کند. خیلی‌ها از دوره نوجوانی و جوانی می‌نویسند و پیداست که نوشته پر از شور و شعار است. اما اگر از این مرحله گذارند و بازم هم نوشته و با یخچکی و تسلط به فن و با رویکرد به حس و تأمل و تحلیل قوی، بسیار هم خوب است. خصوصاً اگر زست روشنگرانه بگیرند و خیال‌کنند نوشتن از جنگ یعنی جنگ ظمی، حیرت‌یابید یا همان باشد. حیرت‌ان است که ناخودآه‌ها را نشان دهدیم. به گونه‌ای که حقیقت مثل داغ بر چران‌ها بنشیند. هنوز زخم تاول‌هایی که بر مردم این دیار مانده با بر جاست. به امید روزی که نسل جدید کم‌کاری نسل فعلی را جبران کند.
معمولاً بهترین آثار درباره جنگ‌ها ما سال‌ها پس از اتمام جنگ خلق شده‌اند. آیا توجه به اینکه خود شما نیز مدت‌هاست که به تدریس داستان‌نویسی اشتغال دارید چه پیشنهادی برای تربیت نسل نویسنده‌گانی دارید که باید در آینده آثار ماندگار جنگ را خلق کنند؟

فصله‌گیری چیزی است که باید اتفاق بیفتد که حالا افتاده است.دیگر تبیین این مسأله که باید از طرفانی که بر این مردم رفت نویسیم. مهم‌ترین چیز همین است که ایجاد انگیزه کنیم. این انگیزه را من به وسیع خود ایجاد کردم و آن انگیزه‌ها هم به‌رسانیدیم. شاگردان کلاس من داستان کوتاه درباره دفاع ۸۵انه زیاد نوشتند.

گفت و گو

زهراسادات سوده

برای یک فضا، به دنبال یک موقعیت



آینه ماآقدر مناسب‌تر داریم که در همراه می‌توانیم چنین سفرهایی را دنبال کنیم.به‌شرط آنکه شرایطش فراهم باشد.
فکر کنم نوانسده‌اید از حضور نویسندگان و خبرنگاران در کنار یکدیگر بهره‌گافی برید. نظر خودتان چیست؟

نگیزه اصلی فرحنگساری پایداری از اینکه نویسندگان و خبرنگاران از دعوت کرده‌اند یک‌رنامه‌منشر کرده‌ای این سفر بشوند. این بود که خبرنگاران با نویسندگان که شاید به این راستی در دسترس‌شان نیستند، با یکدیگر رفت‌وگرفتند.از طرف دیگر خبرنگاران در این نشست‌ویرخاست‌باسترو رفت‌و نویسندگان آشنایی شوند.کن این مسأله می‌تواند به ارتباط معینتر نویسندگان روزنامه‌نگاران کمک کند.آینه من در این سفر این رابطه را یک‌سویه دیدیم.به‌شکلی که روزنامه‌نگاران توانمند با نویسندگان آشنایی‌یابند و رابطه لازم برقرار کنند.

پس به زخم‌نویسنده‌گان‌تاریخی با ارتباط با روزنامه‌نگاران نماند؟

من در شکل اجرایی کار را یک‌سویه دیدیم. برای آنکه خبرنگاران توانمند در گزارش‌هایشان حتی برپایان ادبیات دفاع‌مقدس هم بحث کنند.آینه در نگاه کنیی تر ادبئیی است که نویسندگان جنگ بخش اعظم اطلاعات خود را از میان واقعیت‌های متعکس شده توسط خبرنگاران چه عکاس و چه گزارشگر به دست می‌آوردند.تاریخ این ارتباط دوسویه اشتنا بسیار است. اثر ماندگار تاریخی است که لاز واقعیت الهام گرفته با خیال در آنجاست است.
روزنامه‌نگاری نداشتند.پایب نگاه‌شود نویسگان که سابقه برای ثبت وقایع توسط روزنامه‌نگاران آشنانشند.
مناطق جنگی در جهان امروز دیده‌سفر به سفره به یکی از مناطق جنگی در جهان است.مجموده‌ها آتش به جای خنکایی نسیم پوست را قفلکنی می‌دهد.امیدوارم شرایطی برای انجام این سفر در آینده بیاید.

آرزوی این است که در نوشتن رمان هم موفق‌کنند.اعلام فراوان و انجام مسأله‌یاسانی با این ضعیبون وجمع آوری خاطرات آن ایام و ارائه به نویسندگان می‌تواند کمک‌ساز باشد. در هر حال از همه مهم‌تر انگیزه ایجاد کردن است.
آیا در این سفر فرصتی پیش آمد که بتوانید روزنامه‌نگاران را با حرف‌ها و نظرات آشنا کنید؟

من حرف‌هاییم با دو داستان‌علم می‌زنیم.اما در صحبت کوتاهی که با دو خانم جوان روزنامه‌نگار داشتیم، توانستم متوجه شویم و محصور و نلایدت‌جواب‌واره چند کلام مؤثر به یادگار بگذارم.ولی همانطور که گفتیم تباری نمی‌بینیم. خیلی‌هر کنیم، می‌نویسیم و اگر حرفی گفتنی ارائه کرده باشیم، بیفتا خوانده می‌شود.
این سفر با اهداف خاصی به کردستان و منطقه غرب هدایت شده بود. آیا از این سفر داستانی در ذهن و دلفان شکل گرفته است؟

حسین‌ها دستنویه کارهای بعدی‌ام است. اما آرزوی این است که به جای چرخیدن در لایبررت زندگی شهری، تبعیدکنند به کنار دریاچه مریوان و باشیر سنوج و دگرینده‌یابید به مردم زندگنی کنی.کمی با مردم ساده و محسوسو اینچند در آن صورت بعد از یک سال موانعمانی ارائه می‌کردم اما قفسوس که تبیین در ازهایی که می‌رویم اشتیاق است.چون همیشه اماواگر و...ست.متکرم می‌شود خاروده‌ها راها کرد و شغل،مسند درآمد بود.

اساساً حضور منطقه جنگی غرب کشور در داستان‌ها چگونه است؟
مآشفاتنه همه آثاری که ارائه شده دقیقاً نخوانده‌ام ولی از بعضی‌نشین و از عشق سال‌های جنگ (فانسی) و از کتاب برهنه در بعد (احمد شاکری) که منصفه‌ای زمان موفقی از کار فرامده. هر چند جنگ نیست، اما مآفخا را در پس می‌بینید که حمایت کم نیست. چون از نظر فرهنگ این منطقه بسیار غنی است.

آیا آماده‌بودن این سفرها لازمی می‌دانید؟
حیثاً کتایی همه نویسندگان می‌مکنند. آسمان و تپه‌های نرم و ملایم و کیهانیهایی بلبلش تاوغرف‌ها دارند.مدرش و بجهت‌اش، آدم در اینجا تاوان در حس در می‌رود و بیفتا سوز، حتی اگر هم نخامداری این منطقه و از او منطقه منفسد، می‌رسید، می‌تواند بارانگخته خودداری نوشتن از این چیز کنی.نست.
به عنوان آخرین حرف؟

عاشق این مردم و این خاک هستم و از دخای بزرگ می‌خواهم که هرگز از گریز این مردم بد نیارود اما اگر روزی هم دخای ناخواسته بر این مردم آن وقت که در طول جنگ تحمیلی، این باز دیگر بعضی از نویسندگان سکوت کنند و فکر نوشتن در این باره را در فواقعجنگ‌گذرانند تا خاک بخورد. آنروز همه ما نویسنده‌ایم.

گفت و گو

زهراسادات سوده

برای یک فضا، به دنبال یک موقعیت

آینه ماآقدر مناسب‌تر داریم که در همراه می‌توانیم چنین سفرهایی را دنبال کنیم.به‌شرط آنکه شرایطش فراهم باشد.
فکر کنم نوانسده‌اید از حضور نویسندگان و خبرنگاران در کنار یکدیگر بهره‌گافی برید. نظر خودتان چیست؟

نگیزه اصلی فرحنگساری پایداری از اینکه نویسندگان و خبرنگاران از دعوت کرده‌اند یک‌رنامه‌منشر کرده‌ای این سفر بشوند. این بود که خبرنگاران با نویسندگان که شاید به این راستی در دسترس‌شان نیستند، با یکدیگر رفت‌وگرفتند.از طرف دیگر خبرنگاران در این نشست‌ویرخاست‌باسترو رفت‌و نویسندگان آشنایی شوند.کن این مسأله می‌تواند به ارتباط معینتر نویسندگان روزنامه‌نگاران کمک کند.آینه من در این سفر این رابطه را یک‌سویه دیدیم.به‌شکلی که روزنامه‌نگاران توانمند با نویسندگان آشنایی‌یابند و رابطه لازم برقرار کنند.

پس به زخم‌نویسنده‌گان‌تاریخی با ارتباط با روزنامه‌نگاران نماند؟

من در شکل اجرایی کار را یک‌سویه دیدیم. برای آنکه خبرنگاران توانمند در گزارش‌هایشان حتی برپایان ادبیات دفاع‌مقدس هم بحث کنند.آینه در نگاه کنیی تر ادبئیی است که نویسندگان جنگ بخش اعظم اطلاعات خود را از میان واقعیت‌های متعکس شده توسط خبرنگاران چه عکاس و چه گزارشگر به دست می‌آوردند.تاریخ این ارتباط دوسویه اشتنا بسیار است. اثر ماندگار تاریخی است که لاز واقعیت الهام گرفته با خیال در آنجاست است.
روزنامه‌نگاری نداشتند.پایب نگاه‌شود نویسگان که سابقه برای ثبت وقایع توسط روزنامه‌نگاران آشنانشند.
مناطق جنگی در جهان امروز دیده‌سفر به سفره به یکی از مناطق جنگی در جهان است.مجموده‌ها آتش به جای خنکایی نسیم پوست را قفلکنی می‌دهد.امیدوارم شرایطی برای انجام این سفر در آینده بیاید.

رهنمودهای برای نگارش و نقد

– و به مردم سخن خوش و نیکو بگویند.

قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۶۹: «بیشتر از آیه ۸۳ هر آن کس در جایی که شایسته نیست سخن طوالت گویند، خود را در معرض سزوتش و ملامت دیگران قرار داده است. بیبر مومنان، علی(ع)، غرر الحکم



بسیاری از سالن‌دان جامعه‌امانوژپرستهای اساسی مذهبی به ویژه

در زمینه اصول عقاید، فلسفه احکام، شخصیت‌های اسلامی و مسائل سیاسی-اجتماعی اسلام و جوامع اسلامی دارند. به عیارت دیگر، پرستهای در ذهن آنها وجود دارد یا از سوی آنها مطرح می‌شود که همان پرست‌هایی است که یک مسلمان باید در ستن بلوغ یا پیش از آن، باخ آنها را بداند یا دوست که می‌پرستد، تنها عقول این دو گروه پرستش این است که بیرون جهان‌باید و در معنی لاابیت‌مستز از جوانان‌اند و به پاس‌های سطحی قانع نمی‌شوند. برخی از آنها نیز که اهل فضل‌اند و کتاب‌های غیر دینی یا دین‌مذهبی خوانده‌اند نیز چنان پیچیدگی‌های در اندیشه دارند که گناه می‌توان آنها را مجمع‌الشیئات دینی دانست.

این از یک سو، از سوی دیگر، اغلب سالن‌دان به‌ویژه کارمندان در دوران بازنشستگی اوقات فراغت بسیاری دارند که تقریباً بدون برنامه‌سبزی می‌شود.

تفشی دینداری را نیز در ویسین سال‌های عمر نیاید نادیده گرفت. عبادت، مطالعات امینتی، حل مشکلات و شیئات فکری، داشتن پاسخ برای پرست‌های روحانی و فلسفه حیات و از این قبیل ویژگی‌ها می‌تواند آرایش و اطمینانی روحانی به سلامت‌بخشد. در مقابل، دوری از این ظرفیت‌ها فعالیت‌ها و ویژگی‌های مثبت، می‌تواند هر انسان کهنشالی را به رفتارهای کورکنده، دگرگونی یا اطرافیان، باس، افسردگی، سرخوردگی، احساس بی‌بودن خود و زندگی و حتی تک‌کار خلق دینی بکشاند.

این واقعیت‌ها را که کنار هم بگذاریم متوجه می‌شویم که مطالعات مذهبی یا چه حد در ویسین سال‌های زندگی به کار می‌آید و تا چه حد در زمینه آگاهی‌های مذهبی و پاسخ به پرست‌ها، شبهه‌ها و نیازهای عقیدتی و شناختی شایسته است.

مجمولی عمیق درباره اصول عقاید، فلسفه احکام، شخصیت‌های اسلامی و دیگر مواردی که می‌توانند هم امروزه‌های اصلی دین را بیاموزند. هم حرکات و جملات، امری کندید و زیاده‌اندازی تکلف و شیوات‌کنانه‌های سایر پرکارها و مراکز جمع سالن‌دان تنها بخشی از فعالیت‌ها و پیشنهادهایی است که می‌توان برای ارتقای فرهنگ دینی سالن‌دان کشور دانست.

به انگیزه برگزاری کنگره بزرگداشت امین‌الاسلام طبرسی صاحب مجمع البیان

افتخار تفسیر شیعی

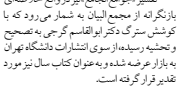
امین‌الاسلام طبرسی در ۵۲۸ قمری در سبزوار درگذشت و پیگرش را به مشهد مقدس انتقال دادند. آرامگاه طبرسی در ابتدای خیابانی به همین نام در فاصله ۲۵۰متری شمال شرقی حرم حضرت رضا(ع) قرار دارد.

برای اطلاع بیشتر درباره طبرسی، تفسیر مجمع البیان و دیگر آثار او می‌توانید به کتاب «طبرسی و مجمع البیان» نوشته دکتر حسین کریمیان، از انتشارات دانشگاه تهران مراجعه کنید.

کوتاه درباره مجمع البیان
«مجمع البیان» فی تفسیر القرآن» یکی از بهترین و مورد توجه‌ترین تفاسیر جهان اسلام است که دانشمندان شیعه و سنی از منابع قدیمه قرار داده و از آن به عنوان یکی از منابع تفاسیر کرده‌اند. گنبدی، عمیق، تنوع مطالب و نحوه ترتیب و تنظیم مندرجات آن مورد تحسین و الگوی بسیاری از نویسندگان بعدی بوده است. در این تفسیر، طبرسی با نظمی خاص به ذکر آیه، قرآنت، نکات صرف و نحو و اعراب، معانی لغات، بیان مشکلات، ذکر مواردی مرتبط با علم معانی و بیان، شأن نزول، روایات مرتبط و شرح و تفسیر داستان‌ها، روایات قرآنی می‌پردازد.

این کتاب به جاهای متعدد و تصحیح‌های گوناگون رسیده است و می‌رسد. در مطالعه‌های مرتبط با این کتاب و مؤلف آن در دانشنامه‌های فارسی- از جمله دانشنامه قرآن و قرآنی‌پژوهی، می‌توانید اطلاعات بیشتری به دست آورید.

یکی از ترجمه‌های این تفسیر از سوی انتشارات فرهنگیته صورت جلد جلد در دست انتشار است و اکنون مجلداتی از آن به بازار آمده است. تفسیر «مجمع‌الجامع» نیز در راق خلاصه‌ای از تفسیر مجمع البیان به شمار می‌رود که به بازش کردن دست‌های طبرسی در تصحیح و تحشیه رسیده، از سوی انتشارات دانشگاه تهران به بازار عرضه شده و به‌عنوان کتاب سال نیز مورد تقدیر قرار گرفته است.



تفسیر مجمع البیان در دانشگاه‌های جهان توجه و جتان تفسیر است

احتمال زیاد در مشهد به دنیا آمده ولی اصل تفرشی بوده است. از این رو اهل تحقیق، وی را «طبرسی» یا با تلفظ عربی آن «طبرسی امی» نامند که هر دو معرب تفرشی است.

او شاگرد ابوعلی حسن بن محمد، فرزند شیخ طوسی، بوده و از شاگردان مشهور او این شهر آشوب و قطب‌الدین رواندی رامی‌توان نام برد.

طبرسی عالمی متبحر در صرف و نحو و معانی و بیان بوده و این ویژگی را در آثار خود نشان داده است. از آثار او اعلام‌الذوری باعلام الهدی و سه تفسیر کوچک، متوسط و بزرگ را می‌توان نام برد. تفسیر بزرگ او «مجمع‌البیان» تفسیر متوسط او «مجمع‌الجامع» او تفسیر کوچک او «الکافی» الشافی نام دارد.

تفسیر مجمع البیان» مشهورترین اثر او و یکی از مشهورترین نگارش‌های اسلامی و شیعی در تفسیر قرآن است.

دستاورد یک سال معرفی کتاب‌های دینی خارجی در کتاب هفته (فارسو)

ویژگی کتابهای دینی خارجی

بسیاری از کتاب‌های دینی خارجی است که گاه با سادگی درآمیخته‌اند. ۱۲)خارجی‌ها به مذهب و تربیت مذهبی اهمیت می‌دهند و حتی می‌گویند که در کنار آداب‌های اجتماعی و خانوادگی یوانند فضای مذهبی را به گونه‌ای برای خود باز کنند که مایه تقصی یا محدودیت دیگران نشود. برای نمونه به عنوان این کتاب توجه کنید: تربیت فرزندان مسیحی در خانواده‌ای که پدر باور مذهبی ندارد؛

۳) معنویت، فرائز از گرایش‌های مذهبی، سایه خود را می‌گسترند شمار بسیار کتاب‌های مذهبی مربوط به تعالی روحی و معنوی و نیز کتاب‌هایی که به آینه‌های معنوی اما غیر دینی می‌پردازند گواه این مدعااست. فروش بالای این گونه کتاب‌ها چشمگیر است. مردم غرب به عرفان، کشف و کارمات، موفقیت‌های معنوی، مشاهدات فرانسوی و آگاهی از جهان پس از مرگ علاقه دارند.

۴) همین‌زمنه هندیان و بوداییان توانسته‌اند آینه‌های اخلاقی خود را در سراسر جهان تبلیغ کنند.

۵) رویکرد به زبان روز، ماژنوسیتی منون کهن و نگارش و تفسیرهای ساده، عمیق و پاسخگوی نیازهای مخاطبان معاصر در دین و منون دینی به چشم می‌خورد.

۶) آموزش در نگارش کتاب‌های مذهبی خارجی بر این است که مذهب بتواند برای نژادهای فردی، خانوادگی و اجتماعی پاسخگویی تجربه‌شده و تکرارپذیر ارائه کند.

۷) آموزش بر این است که درهای بسته سنت و نظام سنتی دینی باز شود

و ضمن ارائه گزارش‌ها و تحلیلهایی از نظن و متن مذهب و روحیات، باید عقد

یک سال پیش در بخش دین کتاب هفته آغاز به گشودن باب معرفی کتاب‌های خارجی تازه منتشر شده کردیم. هدف از گشایش این بخش که نام «فارسو» داده‌ایم نیای بین‌الملی گرفت تا بتواند.

۱) اطلاع‌رسانی گزینشی در مورد کتاب‌های دینی نوشته‌شده خارج از کشور. که اسلام، مسیحیت، یهودیت و گاه آیین بودایی و جز آن را نیز در برگیرد.

۲) انتقال این اطلاعات و تجربیات به خوانندگان، ناشران، مؤلفان، مترجمان و دست‌اندرکاران امور دین که خارج‌ها در زمینه دین و کتاب دینی چه می‌کنند، زمینه‌های فعالیت آنها چیست و بر چه مواردی بیشتر تأکید دارند.

۳) گرفتن فکر و افکار و یافتن افتخار با اثر برای تبلیغ دینی و نشر دین.

دستاورد این سفر یکساله آگاهی‌های بسیار بود که به برپیی اثر آنها اشاره می‌شود. می‌تواند چارچوبی کلی از نشر دینی خارج از کشور به دست هدف آن‌ها چه پیش از همه و چشم می‌آید زبانی و چشمگیری طرح جلد

با مصطفی رحیمی نیا پژوهشگر علوم اسلامی و تدوینگر فرهنگهای عربی- فارسی

فهم قرآن و دشواریهای واژه‌شناسی

«اسراروح حکیم و کتاهای مذهبی موجوده به استناد تعدادی اندک از آیه‌ها، نگاه به تحولات عمومی است که با فرعی منطقی و دامن زدن به برخی ادبیات نامقول همراست است یعنی امروزه غالباً نوعی از کتاهای مذهبی فروش دولت با تحولات و گرایشهای مذهبی عامه، مسرود و همگام باشند، همان چیزی را که الله مدد که عامه می‌پسندند حرف نظر از این که تا چه حد منقول و سازنده است و به همین جهت است که با وجود کثرت و فراوانی کتاهای مذهبی، تغییر چندانی در منسج پستی نمی‌بینیم و همه احساس نمی‌شود.

به نظر می‌رسد که باید اهل قلم لافل کمی فراز از آنچه همواره خوشایند مردم است حرکت کنند و مطالبی را نشر دهند که موجب تمسیق بنیست دینی گردد.»

مصطفی رحیمی نیا مولود ۱۳۲۶ در تهران پس از تحصیلات متوسطه در یکی از مدارس علوم دینی در تهران، به بورس جزوئی پرداخت پس از دو سال به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تحصیلات خود ادامه داد با اتمام مرحله «سطح» و فراگیری فقه و اصول دیوانه به تهران بازگشت و از آن پس تاکنون به تحقیق و تألیف در زمینه مسائل و موضوعهای دینی پرداخته است.

زینت نوشته‌های او در زمینه فرهنگ و لغات عرب است زیرا به اعتقاد او نخستین ضروریترین چیز برای آشنایی با اسلام- که مجموعه احکام آن در قرآن کریم آمده- آشنایی با زبان و لغات عرب است آن گونه که در روزگار پیامبر اکرم (ص) مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در این باره توضیح می‌دهد: چنان‌که می‌توانیم بدانیم چون دیگر باید اهل علم در طول زمان دچار تغییرها و تحولات و دگرگونیهای در معنا می‌شوند نگاه‌ها، تحلیلات، معنای جدیدی پیدا می‌کند که در گذشته وجود آن نپوشیده است. بنابراین برای آشنایی با قرآن و مفاهیم دینی باید معنی واژه‌ها را آن چنان که لغت‌ها را در اسلام مورد استفاده قرار می‌دهند در نظر بگیریم و از آن معنایی را فهمیم که آنها می‌فهمیدند. بر این اساس کسی که در طول این موضوع تلاش می‌کند، چندان چیز انجام دهد. چگونگی می‌توانیم به معنای واژه‌ها و تعبیرها در زمان نزول وحی دست یابیم؟ آیا بهتر است که فرهنگ‌های کهن کفای است یا آن که می‌توانیم فاصله میان تفسیر فرهنگها با زمان و زبان وحی دهیم و نگاه صدعا سال است؟

به همین دلیل که گفتید، برای درک معنای لغت در زمان نزول وحی، کتابچه فرهنگ‌های کهن کفای نیست بلکه مطالعه متن و ترم معاصر دوران وحی با کمی قبل و بعد از آن، اگر معتبر باشد، ساختگی نباشد ضروری است؛ از شما خواهد دید که در قرآن گفته که احادیث نبوی و نهج البلاغه، شعر و نثرهای عرب جاهلی و اعراب معاصر قرآن افزون بر روایات تفسیری معتبر از اهل عصمت و صحابه‌ای که می‌توان به سخن آنها استناد کرد می‌تواند از روی برخی معنای واژه‌ها برده بردارد.

ظهور واژه‌ها و معنای آن می‌تواند آهنگش دستبندی به معنی برخی واژه‌ها در فاصله دو معنی دیگر باشد. پس از معنی چه چیزهایی را مانع فهم درست قرآن در دوران معاصر می‌ماند؟

در تاریخ اسلام، از روزگار ترجمه فلسفه یونانی و



● **نخستین ضروری برای آشنایی با اسلام آشنایی با زبان و لغت عرب است آن گونه که در روزگار پیامبر اکرم (ص) مورد استفاده قرار می‌گرفته است**

تألیف که نتیجه آن، راهنمایی به سوی مقصود- یعنی خداگرایی و کسب صفات الهی- باشد. بنابراین کسب این صفات و حرکت به سوی این مقصود، باید زمینه‌های درونی این صفات را به تدریج در خود ایجاد کنیم، با این صفات به صورتی پایدار و ثابت در شخصیت ما نهادن شود.

تا آنجا ایجاد این زمینه‌های درونی از رهگذر عمل فردی و اجتماعی حاصل می‌شود. یعنی هر کار ارزشمندی نظری و الهی را در رفتار و اعمال خود نمودن، نشانی از خویش نیست و تعمیم دادیم، به طوری که بین خود و آن ارزشها احساس یگانگی نمودیم، می‌توانیم برآید. و باید گفت ترانسته‌ایم که از این وحی و آیات الهی بهره‌مند شویم.

● **مصطفی رحیمی نیا هم‌اکنون ترجمه مفردات واغب اصفهانی را در دست دارد که یکی از مئون مهم و قابل توجه در واژه‌شناسی قرآن است.**

● **آثار منتشر شده او عبارت‌اند از:**

۱. ترجمه المنجد در دو مجلد همراه فهرست الفبایی لغات مندرج در متن کتاب، چاپ مجمع الفقه و المنجد فرام شکلی و محتوایی از طرف انتشارات سیاح دست اقدام است.
۲. فرهنگ دانا در دو جلد، که بر اساس حروف الفبا با استفاده از فرهنگهای ال-اند، قاموس اللغة و المنجد فراهم آمده و مجموعه‌ای از لغات کاربردی مورد استفاده در کتب درسی و متون دینی را شامل می‌شود.
۳. فرهنگ صیغه‌های فارسی بر اساس حروف الفبا تنظیم ویژه با لغات مورد نیاز دانش آموزان شامل می‌شود.
۴. این کتاب از سوی انتشارات چاپ ماه رسیده است.
۵. فرهنگ لغات نهج البلاغه (اصطلاحات اسلامی) که ترجمه‌ای از بخش لغات نهج البلاغه صحنی صالح، (فواد) این اثر شریعی کرانه و مختصر است با اصطلاحات فقه اصول فلسفه، منطق، منطق عرفان، حدیث و ادبیات.
۶. فرهنگ فارسی امید (انتشارات فواد) این کتاب فرهنگ عمومی است که بیشتر اصطلاحات و کلمات اینی در شعر فارسی را شامل می‌شود. برای فرهنگ‌شاعری از اشعار فارسی آورده شده است.
۷. مکالمات روزمره عربی (انتشارات صبا) این کتاب شامل سه بخش مکالمات، ضرب‌المثلهای عربی و فرهنگنامه فارسی-عربی است.
۸. فرهنگ آیات و موضوعات قرآن کریم (انتشارات فواد) این کتاب از دو بخش تشکیل یافته است. بخش نخست تدوین موضوعی آیات قرآن و بخش دوم راهنمای الفبایی کلیه واژه‌های قرآن کریم است.



The Poetics of Islamic Legitimacy, Myth, Gender and Ceremony
منظومه‌های فقه اسلامی: اقتسانه، جنسیت و آداب

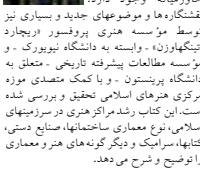
نوشته سوزان پینکی استکویچ
 Suzanne Pinckney Stetkevych ۴۰۸ صفحه، ناشر: Indiana University Press نوامبر ۲۰۰۲، ۴۹۸۵ دلار

این کتاب نشان می‌دهد که منظومه‌ها و سرودهای بلند و کلاسیک عربی چگونه عقاید مذهبی و فقه اسلامی را بازگو کرده و از این طریق احکام و قوانین اسلامی را در بین مردم رواج می‌دهند. تحقیق و بررسی نویسنده درباره موضوعاتی چون سنتهای غنی و سخنسرایی مسلمانان، مراسم عبادی و آیینهای پرستشی، گفت‌وگوها و مبادلات ادبی، قدرت سیاسی و اقتدار مذهبی است و ترجمه فنیخیم و جزء به جزء اشعار در این کتاب خواننده را جلب می‌کند.

● **Richard Ettinghausen ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ میلادی هنر و معماری اسلامی (۶۵۰-1250)**

نوشته ریچارد ایتنگاوسن
 Richard Ettinghausen ۳۰۰۲ زائویه ۲۰۰۲، ۷۵ دلار، صفحه، ناشر: Yale Univ. Press

در چاپ جدید بهتر و معماری اسلامی از ۶۵۰ تا ۱۲۵۰ میلادی، کلیه سبکهای هنری گردآوری شده و در واقع برآوردی است از آثار هنر و معماری اسلامی که در اسپانیا، آفریقای جنوبی و خاورمیانه وجود دارد. نقشنگاره‌ها و موضوعهای جدید و بسیاری نیز توسط مؤسسه هنری پونسفورد اریچارد ایتنگاوسن، وابسته به دانشگاه نیویورک - مؤسسه مطالعات پیشرفته تاریخ - متعلق به دانشگاه پرینستون - و با کمک متفقدی مؤزه مرکزی هنرهای اسلامی تحقیق و بررسی شده است. این کتاب رشد مراکز هنری در سرزمینهای اسلامی، نوع معماری ساخته‌اند، صنایع دستی، کتابها، سرامیک و دیگر گونه‌های هنر و معماری را توضیح و شرح می‌دهد.



یادداشت

همایون شهری

برای مدرسه



اول مهرماه یعنی شروع دوباره درسی و مدرسه نه فقط برای دانش آموزان بلکه برای خانواده‌هایشان، انگار همه اهل یک خانه یا هم به مدرسه می روند، امتحان می دهند و کلاس عوض می کنند. حق هم دارند این روزها برای فرسادن یک دانش آموز به مدرسه حتی به آنهایی که تابوی دولتی دارند باید هزینه‌های بیشتری را پرداخت کرد و این یعنی درگیر شدن اقتصاد خانواده با مدرسه که البته فرار نبوده چنین باشد، ولی هست. اما همه این داستان اقتصادی یک طرف و آن اشتباهات کتاب‌های علمی هم یک طرف دیگر است!اگر معارف دار سرگوجه سبز باشد شده و نان کتک زده فروشد و خریدار را بیچاره کند هیچ اگر کتند معزوف را می‌پندند ولی با آن اشتباهات کتاب‌های درسی که گاه به داستان‌های علمی تخیلی هم طعمه می‌زند چه می‌کنند!با آن اشتباهات سوال‌های کنکور سراسری چطور؟ برای آن خانواده‌ای که اقتصاد خود را چنان متعیش می‌کند که بیش از یک فرزند خود را به مدرسه ابتدایی بفرستد چند پدرخوانه درباره اشتباهات کتاب‌های علمی مدارس آفتاب هزنه دارد که اگر در تعداد دانش آموزان ضرب شود لاجرم شکستی

به یاد می‌آورم همین روزهایی که دانش آموزان مدارس در ابتدای ده هشتاد می‌روان اشتباهات کتاب‌های درسی را تا نبرد شده بر طرف آورد. برخلاف آن معزوفه ای که شیر فامی می‌رود و تعطیلش می‌کنند آن که کتاب پر از شبهه چاپ می‌کند و هیچ کس برای تعطیل کردنش نیست. است و این نشان‌دهنده اهمیت و ویژگی اینگونه رفتن بدون محفلات جاری حتی برای یک دانش آموز، چقدر از بین اقتصادی یک خانواده را می‌بلعد. گرچه هنوز از آن با اصفی که سوال اشتباه کنکور را هم به روی خود نمی‌آورد سرافق نداریم.

کتابخانه وزارت صنایع و معادن در دو قسمت موضوعی و معادن و فلزات و «صنایع» منابع علمی ارائه می دهد.

اطلاعات موجود در کتابخانه معادن و فلزات شامل موضوعات معادن، زمین شناسی، متالورژی و تعداد محدودی منابع درباره کامپیوتر و مدیوت است.

این کتابخانه در زمینه های گفته شده ۲۰۰۰ عنوان کتاب فارسی، ۱۰۰۰ عنوان کتاب لاتین، ۱۰ عنوان نشریه لاتین وایندی که مرتباً به روز می شوند و گزارش های تحقیقاتی طرح های انجام شده توسط محققان وزارتخانه صنایع و معادن در آرشیب علمی خود جایگزین کرده است. همچنین در کتابخانه گفته شده می توان به اطلاعاتی درباره استانداردهای فلزات یا عنوان های ASTM (شماره استانداردی که مؤسسه استاندارد آمریکا به فلزات داده) ASM(شماره استاندارد که مؤسسه استاندارد آمریکا به مواد معدنی داده دسترسی یافت.

در توضیح چگونگی تهیه منابع علمی کتابخانه اینکه کتاب های فارسی از ناشران داخلی، کتاب های لاتین از نمایشگاههای تخصصی کتاب دانشگاهها و سازمان های دولتی و نمایشگاه های بین المللی کتاب تهران و نشریات و نامیدگان ناشران خارجی در ایران تهیه می شوند.

کلیه منابع علمی گفته شده در شبکه داخلی کتابخانه موجود است و مراجعه کنندگان می تواند مطلب علمی مورد نیازشان را از طریق کامپیوترهای کتابخانه جست و جو کنند.

طبق گفته کتابدار مربوطه از آنجا که کتاب با موضوع معادن، تعدادش محدود است اساس منابع علمی کتابخانه را گزارش های تحقیقاتی موجود تشکیل می دهند.

گفتنی است که اگر مراجعه کنندگان اطلاعات



کامپیوتر در کتابخانه

مورد نظر خود را در این محل نیابند. کتابدار امکان جست وجوی آن مطلب را از کتابخانه های دیگر فراهم می کند.

مراجعه کنندگان کتابخانه صنایع و معادن، دانشجویان رشته های معدن، متالورژی، زمین شناسی و کارشناسان وزارتخانه مربوط هستند که می توانند با ارائه کارت شناسایی از طرف دانشگاه یا سازمان متبوعه گواهی نامه یا حتی شناسنامه از منابع علمی موجود یا امکان امانت گرفتن کتاب به مدت یک تا دو هفته قابل تمدید، استفاده کنند. این افراد علاوه بر آنکه منابع علمی موجود در کتابخانه وزارت صنایع و معادن را در محل استفاده می کنند، می توانند از مطلب علمی مورد نظر شان در دبیرخانه مرکزی وزارتخانه معرفی شده کی برداری نمایند.

یادداشت

سجید آل ابراهیم

ادیبان حوزه علم

چرخ را تسهیل می‌کند، همان ادیبان علمی هستند. در جوامع پیشرفته تعداد این ادبا کم نیست و حتی الجین ها و گروههای کاری منسجمی نیز دارند که موجب به وجود آمدن نسل های بعدی اینگونه از ادبا می‌شود. دوستی که بنازیگی از سفری دور به وطن بازگشته، بود اظهار می‌کرد که حتی رشته‌هایی در دانشگاههای معتبرتری تخریب روزنامه نگاری علمی و ادبیات علمی به وجود آمده که تا مقطع دکترای پوشش می‌دهد و حاصل کار آنها خبرنگاران و نویسندگانی است که از یک سو به الزامات نوشتارهای علمی آگاهی ندارند و دیگر سو جامعه خود روزبان آنها را کاملاً ذرک کرده اند.

اگر یادفت به نشریات و رسانه های گروهی معتبر در جهان نگاهی بیاندازیم بسادگی تأثیر وجود این دانش آموزانگاران را درمی‌یابیم. انتشار خیرها و یادشده هم صحیح و معتبر، از کوچکترین دستاورد های این گونه افراد است. در حوزه کتاب وضعیت روشن تر است، زیرا اگر در یک رسانه عمومی برای تنظیم یک خبر یا گزارش یک یاد منحصص با هم کار می‌کنند، در حوزه کتاب بخصوص اگر این کتاب برای کودکان، نوجوانان یا جوانان باشد، همیشه گروهی متشکل از نویسندگان، ویراستاران و گرافیست‌ها با هم همکاری می‌کنند تا کتابی که با باقیه این نسل همخوانی داشته باشد، به وجود بیاید. نمونه این کتاب‌ها را هم از چند گامی در بعضی از کتابفروشی‌ها می‌توان دید. به عنوان مثال سری ده جلدی کتاب‌های «تایم» لایف» درباره ستاره شناسی است که با نوشتارهای منسجم و زیبا و گرافیک و عکس‌های زیباتر توسط یک تیم هفتاد و شش نفره نوشته و تنظیم شده

کتابخانه‌های تخصصی آزاده‌سیدین

کتابخانه وزارت صنایع و معادن ساختمان شماره یک

ککته قابل ذکر آنجا منابع علمی مورد نیاز تعداد زیادی از افراد مراجعه کننده با تأیید کارشناس مربوط تهیه می‌شوند.

کارشناس مربوطه، فردی آگاه به رشته مورد نظر موجود در کتابخانه است که بر تهیه و سفارش آن منبع علمی خاصی نظارت دارد.

کتابخانه وزارت صنایع و معادن با موضوع معادن و فلزات در خیابان سیمه غربی، بین خیابان‌های حافظ و ویلا، ساختمان شماره ۲۵۰، طبقه همکف وزارت صنایع و معادن واقع است. ساعات کار کتابخانه هر روز از ۸:۵ صبح تا ۱۶:۵ ظهر و ۱/۵ تا ۴ بعدازظهر بوده و پنج‌شنبه‌ها تعطیل است. با کتابدار کتابخانه مربوطه می‌توان از طریق شماره تلفن‌های وزارتخانه و معادن ۰۹-۸۸۹۷۵۰۰، است، تماس گرفت. چند نکته قابل ذکر:

- منابع علمی کتابخانه بر روی سایت اینترنتی وجود ندارد.

- مکان کتابخانه سه برابر اندازه فعلی آن بوده که به قسمت‌های دیگر وزارتخانه واگذار شده، در نتیجه تعداد منابع علمی موجود نیز یک سوم حالت قبلی است. - با توجه به آنکه وزارت صنایع و معادن تلفیقی از موضوع های معدن، فلزات و صنایع است، ولی کتابخانه‌های موضوع‌های مربوطه در ساختمان جدا از یکدیگر قرار دارند.

- مرکز اطلاع‌رسانی با تعداد محدودی کامپیوتر

در اختیار مراجعه کنندگان قرار دارد.

- هنگام ورود به کتابخانه، مراجعه کنندگان خانم برای تأیید پوشش ظاهری تحت نظارت حراست وزارتخانه قرار می‌گیرند.

آیا زمان آن نرسیده که به مقوله تربیت نیروی انسانی ماهر برای علمی اقدام کنیم؟ آیا تکرار خیرها و تحلیل‌های غلطی که کدام حتی چهره ضد علمی مشهور و غیر مشهور خارجی فقط می‌توانیم به

نیست؟

و چو مشتقان نویسندگان مختلف در حوزه‌های زمین‌شناسی، مهندسی و مهندسی، علوم و ضروری است ولی آیا بچهره افرادی که بتوان به آنها ادیب علمی گفت زاندمی‌بیلی است؟ و سؤال آمریکایی‌چند نفر نویسنده و خبرنگار علمی در کشور سرآورد، بارها، با عنوان «آنها حداقل رسانه‌های عمومی را تعدیله کرد؟»





کوتاه

پدیدآوردندگان : روایت اول شخص

مریم بیات : نویسنده

کتاب تازه‌ای دارم که برای اخذ مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فرستادم. وقتی مجوزش صادر شد درموردش صحبت می‌کنم. این کتاب یک اثر خاص است، چه از نظر خودم که ماجراهایی با این کتاب داشتم و چه، باید این کتاب منتشر بشود و شما آن را بخوانید بعد با هم درباره‌اش حرف بزنیم.

این کتاب رمان نیست، یک کتاب عامس است که خیلی حرف و پیام دارد البته «خطرات یک گیت» هم بزودی تجدید چاپ می‌شود.

عبدالله کوثری : مترجم، شاعر

من کتاب آخر ماریو بارکاس یوسا را به اسم «سوزیز» ترجمه کرده‌ام و تحویل ناشر داده‌ام و ناشر هم حروفچینی اول را تمام کرده است. اولین بار که خبر انتشار این رمان یوسا را خواندم، اسم انگلیسی اش طوری بود که در ترجمه «سوز قوچ» می‌شد. از این مرحله من این رمان را با نام «سوز قوچ» می‌شناختم. بعد که به خیرهای دیگری پیروان این رمان در یافت کردم، «سوزیز» به نظر من مناسب تر آمد و این رمان را با همین عنوان منتشر می‌کنم. فعلاً هم دارم نمونه حروفچینی اول را توضیح می‌کنم. ناشر این کتاب انتشارات علمی است.



جمشید کیان فر، پژو هشگر

کتاب ناسخ التواریخ بلتر لسان‌الملک سپهر که جلد اول آن تاریخ تاجار بود قبلاً منتشر شده و ناسخ التواریخ «جلد بعدی که زندگی پامیر (ص) است» سال گذشته منتشر شده است. در حال حاضر هم بخش «حلقای آن زادوم تصحیح می‌کنم. ناسخ التواریخ را اگر از نظر عنوانی بخواهم تقسیم‌بندی کنیم، در حقیقت چهارده معصوم را در بر می‌گیرد و باید چهارده جلد باشد. اما بعضی از مجلدات آن خیلی قسط را برده، به اضافه اینکه بعضی جاها خارج از آن چهارده معصوم هم تألیف دارد. مثلاً در مورد خلفای راشدین هم تألیف دارد. بنابراین ضمن شرح حال حضرت علی(ع) اختلافات یوکی، عمر و عثمان را هم تألیف کرده است. برای اینکه این سبک‌ها طی بشود، یک دوره تاریخ عمومی ایران و جهان را در خیل اسمای اتمه و به نوعی «دوره خلافت اسلامی» در این اثر مطرح کرده است. این کتاب فقط چهار جلد در مورد پامیر (ص) است و یک جلد هم اعلام است. در مورد حضرت علی(ع) هم یک نفر می‌کنم به همین اندازه باشد. سرگذشت زینب(س) را هم ایشان نوشته و حتی در تألیف کتاب امام زین‌العابدین(ع) کار مشهور این علّخان را هم ترجمه کرده و به عنوان مشکوٰۃ‌الآلادب درون این متن گنجانده است. این کتاب ناسخ التواریخ اسم مؤلف دارد. مؤلف اصلی اثر لسان‌الملک یا محمد تقی خان سپهر است که بعد از برخی نسخه‌هایش این اثر را ادامه دادند. من سندی را در مقدمه جلد زندگی پامیر چاپ کرده‌ام و پیگیری ناصرالدین شاه را در تألیف کتاب آورده‌ام. این سندیادداشتی به خط خود ناصرالدین شاه است که پسر محمد تقی خان سپهر را احضار می‌کنده‌م و گوید ترجمه این علّخان به کنار می‌سید است.

عبدالرضا هوشنگ مهدوی : مترجم

کتاب عهد و کوه نوره را در دست دارم که راجع به الماس کوه نور است. سرگذشت کوه نور که متعلق به هند بود و بعد چگونگی دست به دست شدنش و بعد شیوه تصاحب نادرشاه در حمله به آن کشور و بعد داستان خروج کوه نور از ایران و انتقال آن به افغانستان را روایت می‌کند.

می‌دانید که کوه نور مدتی در افغانستان می‌ماند و از آنجا به هند برمی‌گردد انگلیسی‌ها آن را از دست مهاجران پنجاب بیرون می‌آورند و به انگلیس منتقل می‌کنند و الان هم در جاج ملکه انگلیس قرار دارد.

نویسنده در خلال داستان کوه نور، تاریخ سوزیز من هندوستان و افغانستان و ایران را به طرز بسیار شیرینی تشریح و توصیف می‌کند. نویسنده این کتاب ایرج امینی، نویسنده‌ای ایرانی است که در فرانسه به کار تحقیق و پژوهش‌های تاریخی می‌پردازد. ناشر این کتاب نشر پیکان خواهد بود و الان ویرایش نهایی آن را انجام می‌دهم.

قاسم رویین : مترجم

حرفی را که آدم بینگنی بزند، خوب نیست. دوتا کار دستم هست. ولی آن کتابی که آماده‌تر است، زمانی از مارگریت دوراس با عنوان «کفتا که خراب اولی...» است.

این رمان در دهه هفتاد میلادی توسط

دوراس نوشته و منتشر شده بود. ضمناً این رمان توسط خانمی با عنوان کفتا، «ویران کن» در اواسط سال‌های هشتت ترجمه و منتشر شده بود.

این رمان توسط انتشارات نیلوفر در

مرحله حروفچینی است. یک کتاب دیگر دارم که مجوز نشر گرفته به اسم «حیات مجسم» و الان هم زیر چاپ است. این کتاب یادداشت‌های روزانه مارگریت دوراس است که در یک جلد منتشر خواهد شد.

رضا جولایی : نویسنده

یک رمان جدید دارم که نوشتن آن را تمام کرده‌ام ولی هنوز حروفچینی نشده است. اسم این رمان اسمیاب و کیمیای جانان است. داستان این اثر پس‌زمینه تاریخی دارد. ولی آن روایت سنتی عشق، مرگ... را هم دارد که با مقداری بازی با واقعیت‌ها و تبدیل آنها به «واقعیات استعاری» حوادث شکل می‌گیرد. این داستان برحسب ظاهر از نظر زمانی در گذشته اتفاق می‌افتد. ولی من به شکل و شیوه‌ای روایت می‌شود که به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد. در مورد ناشر این رمان هم هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌ام. وقتی حروفچینی اش را تمام کردم با ناشری وارد گفت‌وگو می‌شوم. حجم آن هم در حدود سیصد صفحه خواهد شد.

روایت سنتی عشق، مرگ... را هم دارد که با مقداری بازی با واقعیت‌ها و تبدیل آنها به «واقعیات استعاری» حوادث شکل می‌گیرد. این داستان برحسب ظاهر از نظر زمانی در گذشته اتفاق می‌افتد. ولی من به شکل و شیوه‌ای روایت می‌شود که به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد. در مورد ناشر این رمان هم هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌ام. وقتی حروفچینی اش را تمام کردم با ناشری وارد گفت‌وگو می‌شوم. حجم آن هم در حدود سیصد صفحه خواهد شد.

جمشید کیان فر، پژو هشگر

کتاب ناسخ التواریخ بلتر لسان‌الملک سپهر که جلد اول آن تاریخ تاجار بود قبلاً منتشر شده و ناسخ التواریخ «جلد بعدی که زندگی پامیر (ص) است» سال گذشته منتشر شده است. در حال حاضر هم بخش «حلقای آن زادوم تصحیح می‌کنم. ناسخ التواریخ را اگر از نظر عنوانی بخواهم تقسیم‌بندی کنیم، در حقیقت چهارده معصوم را در بر می‌گیرد و باید چهارده جلد باشد. اما بعضی از مجلدات آن خیلی قسط را برده، به اضافه اینکه بعضی جاها خارج از آن چهارده معصوم هم تألیف دارد. مثلاً در مورد خلفای راشدین هم تألیف دارد. بنابراین ضمن شرح حال حضرت علی(ع) اختلافات یوکی، عمر و عثمان را هم تألیف کرده است. برای اینکه این سبک‌ها طی بشود، یک دوره تاریخ عمومی ایران و جهان را در خیل اسمای اتمه و به نوعی «دوره خلافت اسلامی» در این اثر مطرح کرده است. این کتاب فقط چهار جلد در مورد پامیر (ص) است و یک جلد هم اعلام است. در مورد حضرت علی(ع) هم یک نفر می‌کنم به همین اندازه باشد. سرگذشت زینب(س) را هم ایشان نوشته و حتی در تألیف کتاب امام زین‌العابدین(ع) کار مشهور این علّخان را هم ترجمه کرده و به عنوان مشکوٰۃ‌الآلادب درون این متن گنجانده است. این کتاب ناسخ التواریخ اسم مؤلف دارد. مؤلف اصلی اثر لسان‌الملک یا محمد تقی خان سپهر است که بعد از برخی نسخه‌هایش این اثر را ادامه دادند. من سندی را در مقدمه جلد زندگی پامیر چاپ کرده‌ام و پیگیری ناصرالدین شاه را در تألیف کتاب آورده‌ام. این سندیادداشتی به خط خود ناصرالدین شاه است که پسر محمد تقی خان سپهر را احضار می‌کنده‌م و گوید ترجمه این علّخان به کنار می‌سید است.

کتاب ناسخ التواریخ بلتر لسان‌الملک سپهر که جلد اول آن تاریخ تاجار بود قبلاً منتشر شده و ناسخ التواریخ «جلد بعدی که زندگی پامیر (ص) است» سال گذشته منتشر شده است. در حال حاضر هم بخش «حلقای آن زادوم تصحیح می‌کنم. ناسخ التواریخ را اگر از نظر عنوانی بخواهم تقسیم‌بندی کنیم، در حقیقت چهارده معصوم را در بر می‌گیرد و باید چهارده جلد باشد. اما بعضی از مجلدات آن خیلی قسط را برده، به اضافه اینکه بعضی جاها خارج از آن چهارده معصوم هم تألیف دارد. مثلاً در مورد خلفای راشدین هم تألیف دارد. بنابراین ضمن شرح حال حضرت علی(ع) اختلافات یوکی، عمر و عثمان را هم تألیف کرده است. برای اینکه این سبک‌ها طی بشود، یک دوره تاریخ عمومی ایران و جهان را در خیل اسمای اتمه و به نوعی «دوره خلافت اسلامی» در این اثر مطرح کرده است. این کتاب فقط چهار جلد در مورد پامیر (ص) است و یک جلد هم اعلام است. در مورد حضرت علی(ع) هم یک نفر می‌کنم به همین اندازه باشد. سرگذشت زینب(س) را هم ایشان نوشته و حتی در تألیف کتاب امام زین‌العابدین(ع) کار مشهور این علّخان را هم ترجمه کرده و به عنوان مشکوٰۃ‌الآلادب درون این متن گنجانده است. این کتاب ناسخ التواریخ اسم مؤلف دارد. مؤلف اصلی اثر لسان‌الملک یا محمد تقی خان سپهر است که بعد از برخی نسخه‌هایش این اثر را ادامه دادند. من سندی را در مقدمه جلد زندگی پامیر چاپ کرده‌ام و پیگیری ناصرالدین شاه را در تألیف کتاب آورده‌ام. این سندیادداشتی به خط خود ناصرالدین شاه است که پسر محمد تقی خان سپهر را احضار می‌کنده‌م و گوید ترجمه این علّخان به کنار می‌سید است.

قاسم کشکولی :

نویسنده

اثری به اسم «لای(ی) مهندسی یک رمان» را نوشته بودم و در واقع کارزار تمام کرده بودم. اما وسوسه یازنویسی آن مرا رها نکرد. برای چندمین بار حالا هم در مرحله یازنویسی مانده است. کار زیادی ندارد ولی در همین مرحله متوقف شده و حال وحوصله تمام کردنش را ندارم.

حسین ابوترابیان : مترجم

هزار و یک روز من «کتاب دوم ماجرای قتل شاهچراغ بختیار است به قلم دو نویسنده فرانسوی، کتاب دیگر «تفسیری بر مأموریت برای وطنم» و کتاب چهارم «خطرات اشرف پهلوی» است. این کتاب را سال ۷۱ ترجمه کردم و به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دادم و از روی ترجمه من کسان دیگری سوم استفاده کردند و آن را به نام خود منتشر کردند ولی هنوز کتاب من اجازه چاپ نگرفته است.

پنجمین کتاب هم «ماجرای مگ فرالین» است که متأسفانه با حسواسی‌های وحشتناکی همراه شد که من دیگر آن را برای اخذ مجوز تحویل وزارت ارشاد ندادم و همچنان روی دست من مانده است. چون می‌ترسیدم برای من گرفتاری درست شود، دست نگه داشتم.



سال ۱۳۸۷ خورشیدی
۳۶۵ روز سخن
انتشارات سخن از مجموعه «جوانان و فرهنگ جهانی» کتاب ۳۶۵ روز یا مولانا» ۳۶۵ روز یا نظامی» او ۳۶۵ روز... را از چهره‌های کلاسیک ادبیات ایران در دست انتشار دارد و از چهره‌های ادبیات کلاسیک جهان نیز ۳۶۵ روز یا شکیبزی» ۳۶۵ روز یا دانه» او ۳۶۵ روز با هم... را منتشر خواهد کرد. از اولین مجموعه این سری کتاب ۳۶۵ روز یا سمدی» به قلم حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای منتشر گردید و ۳۶۵ روز یا قرآن» در راه است.
سقوط ساسانیان
نشر تاریخ ایران است. سقوط ساسانیان به قلم تورج دریایی را با ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) او فرخ‌زاد خراسانی حسین‌کلو در دست انتشار دارد.
مس به رنگ شفق
امسی به رنگ شفق، عنوان کتابی سرگذشت و خطرات محمد کاظم چغوری است که توسط علی‌اکبر رنجبر کرمانی فراهم آمده و توسط نشر نثر منتشر خواهد شد.
فقه مقارن
فقه مقارن، عنوان اثری از دکتر هادی عظیمی است که توسط انتشارات گنجینه فرهنگ منتشر خواهد شد. این ناشر اخیراً کتاب «محقق و فقهِ» از محمدعلی توری را به بازار فرستاد.
شمسیا و شعر عربی
تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی، عنوان کتابی است که انتشارات فردوس آن را منتشر خواهد کرد. مترجم این کتاب سیروس شمسیا است. شمسیا همچنین داستان تاریخ سری بهادران قرس قدیم را آماده کرده و توسط همین ناشر، به بازار خواهد فرستاد.
عین القضاة و سپهرودی
شیخ شهاب‌الدین سپهرودی و عین‌القضاة همدانی؛ دو عنوان از کتاب‌هایی است که به قلم هاشم پناهیور تألیف شده و دفتر پژوهش‌های فرهنگی آن را از سری مجموعه آثار ایران چه می‌دانم»؛ منتشر خواهد کرد.
میز و صندلی
اصدقلی کنار میز نام مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه مترادار است که انتشارات پایزنه به بازار خواهد فرستاد.
سفر در مه
«سفر در مه» تأملی در شعر احمد شاملوست که به قلم تقی پوراماماریان در سال ۷۲ توسط نشر چشم و سوراخ منتشر شده بود. این کتاب با ویرایش تازه و افزودن مقاله‌ای صد صفحه‌ای با عنوان «بیشگفتار و زمینه‌های بحث» که نویسنده آن را برای فراهم آوردن «زمینه‌های آشنایی بیشتر و دقیقتر و سنجیده‌تر با شعر شاملوه» می‌داند توسط انتشارات نگاه تجدید چاپ و طی هفته‌های آتی راهی بازار می‌شود.
شعر عشق
کتاب «عشق همچنان می‌تازد» مجموعه‌ای از تازه‌ترین شعرهای محمود منتقدی شاعر و منتقد ادبیات است که توسط نشر چایار بزودی راهی بازار کتاب خواهد شد.
افسانه‌های لا
«افسانه‌های پایلاد» نام زمانی از فیدیا محمدی است که انتشارات تدیس آن را منتشر خواهد کرد. این رمان یک اثر سوررئال است اما ریخته در واقعیت دارد و روای داستان به شکل جریان سیال ذهن، رویه‌ها را احاطاب به لی‌لا روایت می‌کند.
فیدیا محمدی پیش از این «مهاب دلتش را گوشه» و «تا تو وسط همین ناشر منتشر کرده بود.
رمان ناپییل
«در کشور آژاد» زمانی از روی اس. ناپییل برنده جایزه نوبل ادبیات با ترجمه مهدی قراچه‌داغی از سوی نشر دانه در این هفته به بازار می‌آید. پیش از این مهدی غبرایی چند رمان از ناپییل را به فارسی برگردانده و منتشر کرده بود.
غازان نامه منظوم
«غازان نامه منظوم» اثری از قرن هشتم هجری که توسط نورالدین بن محمد توری از ادبی سروده شده بود، به اهتمام محمود دبیری توسط بنیاد توفیقه دکتر محمود افشار در همین هفته منتشر می‌شود.
پاس نیلوفری
مدلاج و مرثی و حضرت فاطمه (زهرا)؛ در یک کتاب با عنوان «پاس نیلوفری» به اهتمام حسین حافظی گردآوری شده و توسط انتشارات ستاروزی در پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار می‌گیرد.